

## آموزش فا در شهر لس آنجلس

(لی‌هنگجی، ۲۵ فوریه، ۲۰۰۶)

(تشیوئی پرشور) (مریدان می‌گویند، "سلام استاد! سلام، استاد!")

بسیار خوب، خواهش می‌کنم بنشینید. از همه‌ی شما تشکر می‌کنم. همگی سخت کار کرده‌اید. (تشیوئی پرشور)

سالی دیگر به سان برق گذشته است. ما قبلاً در ششمین سال نجات موجودات، اعتبار بخشی به فا و تلاش علیه آزار و شکنجه [توسط] مریدان دافا بوده‌ایم، و حالا در هفتمین سال هستیم، به عنوان مریدان دافا، تغییرات در وضعیت اصلاح-فا را دیده‌اید، و مشاهده کرده‌اید که جامعه چگونه مریدان دافا و تغییرات در این راستا را درک می‌کند و به آن‌ها نگاه می‌کند. تغییرات در وضعیت کلی به موقعیت اصلاح-فا به صورت یک کل ارتباط دارد و مستقیماً به تأثیر عظیمی که مریدان دافا در اعتبار بخشی به فا داشته‌اند وابسته است. پس، به شیوه‌ای دیگر بیان کنیم، هیچکدام از آنچه که مریدان دافا انجام داده‌اند بیهوده نبوده است، و شما کارهای بزرگی را به انجام رسانده‌اید. تمامی آنچه را که انجام داده‌اید قابل رؤیت هستند و شما خودتان این را احساس کرده‌اید. به عبارت دیگر، اگرچه شش تا هفت سال طول کشیده است، در این زمان به هیچ وجه نمی‌توانید در ارتباط با انجام آنچه که مریدان دافا مستلزم انجام آن هستند سست شوید.

از طریق مطالعه‌ی فا و تزکیه کردن، همگی از آنچه که در حال انجام آن هستید آگاهید و درباره‌ی آن کاملاً روش هستید. ما قطعاً، نه نوعی از سازمان‌های سیاسی افراد عادی هستیم، نه این نوعی کلوپ افراد معمولی است که برای تفریح و سرگرمی تشکیل شده باشد. آنچه که ما اینجا در حال انجام آن هستیم، تزکیه است و این روندی است که موجودات از طریق آن بطور بنیادی به موجودات سطح بالا تحول پیدا می‌کنند. آنچه در حال بیان آن هستیم این است، آنهایی که اینجا در جمع شنوندگان حضور دارند موجوداتی می‌باشند که در مسیرشان برای الوهیت هستند. بنابراین، تمامی آن چیزهایی که مریدان دافا در اعتبار بخشی به فا و نجات موجودات انجام می‌دهند، بویژه در این لحظه‌ی کلیدی حساس از تاریخ، کاملاً حیاتی هستند.

در حقیقت هر چیزی که در حال تجربه‌ی آن هستید، در زمان‌های بسیار دور کهن طراحی شد. اما هیچ‌کدام از چیزهایی که مابین نوع بشر اتفاق می‌افتد، بخصوص تزکیه‌ی مریدان دافا، کاملاً به سان تجلیات الهی پدیدار نمی‌شود، چنانچه گویی در قلمروهای خدایی می‌بودند. اگر چنین بود، پس خدایان مستقیماً در حال عمل کردن می‌بودند و چنین چیزی که مریدان دافا در حال تزکیه باشند یا مریدان دافا در حال نجات موجودات ذی‌شعور باشند وجود نمی‌داشت. از سطوح بالا تا سطوح پایین، بر اساس اینکه چه کسی به حد کافی خوب است و چه کسی نیست انتخاب‌هایی صورت می‌گرفت و همین بود و بس -- هیچ‌یک از چیزهایی که امروز در حال روی دادن است اتفاق نمی‌افتاد. بنابراین، همانطور که گفته‌ام، این تاریخ نژاد بشر - تا حدی که مردم دنیا می‌توانند درباره‌ی آن آگهی داشته باشند -- چندین هزار سال بوده است. در ارتباط با تاریخ زمین، این [مدت زمان] دوره‌ی زمانی بسیار کوتاهی است؛ تاریخ قبل از این نیز بطور مستقیم یا غیرمستقیم به مردم امروز ارتباط داشت؛ و حتی در یک دوره‌ی بسیار، بسیار دور، در زمین گذشته، چیزها برای این اصلاح-فا یک بار تمرین شد. اما این زمان، آن [اجرایی] واقعی است. تمامی این چیزها، برای اصلاح-فا بوجود آمد، و برای همه‌ی آنچه که مریدان دافای امروز در حال انجام آن هستند، گرچه چیزها به گونه‌ای ظاهر می‌شوند که انگار در ارتباط با مردم عادی ظاهر می‌شوند. فقط زمانی که چیزها در این موقعیت هستند موجودات ذی‌شعور می‌توانند نجات داده شوند و فقط در این حالتی از توهم موجودات می‌توانند صعود کنند، قلب و ذهن یک فرد

می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد و اینکه آیا یک فرد به خوبی همیشه است، می‌تواند تعیین شود. اگر تماماً خدایان بودند که در جامعه‌ی بشری متجلی می‌شدند، پس کسی قادر نمی‌بود تعیین کند که چه کسی به حد کافی خوب است و چه کسی نیست، به خاطر اینکه افکار فرد نمی‌تواند در جایگاه اعمال واقعی آن فرد قرار گیرد. اگر کارها بدان شیوه انجام می‌شدند، پس به محض اینکه موجودات انسانی یک خدا را می‌دیدند، از آنجا که هیچ وابستگی‌ای نمی‌تواند درخور مقایسه با خدا باشد، مطمئناً آنها به داشتن هر گونه افکار نادرست پایان می‌دادند، و سپس کردار حقیقی آن فرد نمی‌توانست دیده شود. آن فرد با یک خدای واقعی زنده در مقابلش، در واقع هیچ چیزی بجز افکار درست نمی‌داشت. اما آن موجود واقعاً چگونه است؟ آیا او به حد کافی خوب است؟ پس از گذر از یک چنین دوره‌ی طولانی و به درازا کشیده شده، [این موجودات] باید در این وضعیت توهم و سرگردانی به تمامی این چیزها پی ببرند. در رابطه با تزکیه همین امر مصداق دارد: فقط زمانی که یک فرد در وهم و خیال است می‌تواند سریع ارتقاء یابد. به عبارت دیگر، اگر چه میزان توهم می‌تواند متفاوت باشد، اما فقط با گذر از روند در توهم بودن فرد می‌تواند رشد کند؛ بدون توهم چنین چیزی بعنوان رشد وجود نمی‌داشت. قبلاً گفته‌ام که برای خدایان خیلی سخت است که از نظر سطح ارتقاء یابند؛ هر قلمرویی که یک خدا به آن اعتبار می‌بخشد و بصیرت می‌یابد، قلمرویی است که او در آن خواهد بود. و چرا این طور است؟ زیرا هر چیزی که در مقابل او جلوه می‌یابد حقیقت کیهان است و دیگر هیچ توهمی وجود ندارد. بنابراین برای او چنین چیزی به عنوان تزکیه و هیچ موضوعی از اینکه برای رسیدن به درکی بالاتر تلاش کند وجود ندارد.

آنچه هم‌اکنون در حال صحبت درباره‌ی آن بودم این بود که به شما بگویم که مهم نیست چه مدت در میان دوره‌های پرآشوب بوده‌اید، یا چه مقدار طولانی‌تری را ایجاب می‌کند، شما نمی‌توانید به زمان وابسته باشید. هرچه اهریمن لگام گسیخته‌تر باشد، بیشتر تقوای عظیم مریدان دافا را در نجات تمامی موجودات به اثبات می‌رساند؛ و هر چه لحظات بحرانی‌تر باشند، شکوه مریدان دافا را بیشتر به اثبات می‌رساند. بله، شما در حال تزکیه در [این قلمرو] توهم هستید، بنابراین گاهی اوقات شما وضعیتی را از خود نشان می‌دهید که سست می‌شوید، بعضی مواقع مورد تداخل قرار می‌گیرید و گاهی اوقات خیلی زیاد شبیه مردم عادی به نظر می‌رسید. البته اینها نیز تجلی‌هایی از وضعیت‌هایی است که شما در طی روند تزکیه از میان آن گذر می‌کنید. اگر بدین طریق نبود، تزکیه محسوب نمی‌شد و تزکیه‌ی موجودات بشری نمی‌بود— این خدایان می‌بودند که این‌گونه در حال انجام آن بودند. البته، چنین چیزی به عنوان تزکیه‌ی یک خدا وجود ندارد. به عبارت دیگر، مهم نیست چه چیزی، اینکه آیا درک شما از امور خوب است یا بد، اینکه آیا آزمونی را بخوبی می‌گذرانید یا نه، و قطع نظر از اینکه چه تعداد از وابستگی‌های شما جدا شده است—همه‌ی آن انجام دادن تزکیه‌تان می‌باشد، و تجلی‌هایی در طی روند هستند. گذراندن برخی آزمون‌ها بخوبی و برخی از آنها به‌طور ضعیف، طبیعی است و فقط به این دلیل که یک شاگرد به علت یک اشتباه موقتی کاری نادرست را انجام می‌دهد، یا شاگردی در طی زمانی خاص کوشا نیست یا نمی‌تواند در طی یک دوره‌ی زمانی از عهده‌ی چیزی برآید، یا حتی اشتباهاتی را مرتکب شده است، شما نمی‌توانید بگویید که این شاگرد دیگر در حال تزکیه کردن نیست یا دیگر به حد کافی خوب نیست. در حقیقت، آیا همه‌ی اینها تجلیاتی از تزکیه نیستند؟ فقط زمانی که به آن از نقطه‌نظر خود تزکیه نگاه شود می‌تواند دیده شود که آیا بخوبی عمل کرده‌اید یا نه، در حد انتظار هستید یا نه، و وابسته هستید یا نه. بنابراین، به عبارت دیگر، این چیزها در طی روند، تجلی خواهند یافت. اما وضعیت کلی اصلاح-فا و هر کاری که مریدان دافا در حال انجام آن بوده‌اند چیزهای اصلی هستند و گروه به عنوان یک کل درست است و به شیوه‌ای سالم در حال حرکت به سمت جلو می‌باشد.

شما می‌دانید، پیشرفت اصلاح-فا [ هر چند وقت یک‌بار] تجلی می‌یابد، و در اکثریت بخش‌ها مریدان دافا بی‌وقفه و بطور مصممانه‌ای بر طبق نیازهای اصلاح-فا در شرایط مختلف به جلو رفته‌اند. مسلم است که تزکیه روند بنیان گذاشتن و کامل شدن یک موجود است. و اما معکوس آن این است که، برای کسانی که حقیقتاً شایسته نیستند، روند تزکیه روندی برای از بین رفتن نیز هست. بنابراین هر زمان که موقعیت خاصی پیش می‌آید، مطمئناً برخی افکار

بشری پدیدار می‌شوند، زیرا با این همه، این انسان‌ها هستند که در حال تزکیه کردن هستند. برخی تغییرات نسبتاً آشکاری در موقعیت بوده است. به عنوان مثال، زمان قبل از جولای ۱۹۹۹ برای مریدان دافا دوره‌ی تزکیه‌ی شخصی بود و از جولای ۱۹۹۹، مریدان دافا در حالی که علیه آزار و شکنجه کار می‌کنند در حال تزکیه کردن بوده‌اند. از وقتی که نه شرح و تفسیر منتشر شد، برخی از مردم فکر می‌کرده‌اند؛ "آیا این هیچ کاری با تزکیه‌ی ما دارد؟" برخی از افرادی که فا را بخوبی مطالعه کرده بودند و افکار درست نسبتاً قدرتمندی داشتند درک کردند که این آزار و شکنجه نتیجه‌ی استفاده‌ی نیروهای کهن از یک قدرت فرومایه، ح ک چ پلید، مابین انسان‌هاست، و اینکه این نوع از آزار و شکنجه فقط می‌توانست تحت رژیم فاسد ح ک چ وجود داشته باشد. اگر رژیم فاسد ح ک چ فرومایه وجود نداشت، آزار و شکنجه‌ای همانند این اتفاق نمی‌افتاد. هر چه قدر که ارواح اهریمنی وحشی باشند، برای انجام اعمال شیطانی‌شان باید از افراد بد استفاده کنند. و افراد بد معمولی در این جهان قادر به اداره‌ی چنین آزار و اذیت عظیمی نیستند. به‌خاطر این که حزب فاسد، منفور و کاملاً فرومایه در کنترل حکومتی اهریمنی می‌باشد است که عوامل ارواح شیطانی قادر به استفاده از آن بودند و این آزار و شکنجه را بوجود آوردند. اما برخی از مردم نتوانستند آن را بپذیرند، و دارای ذهنی تیره و مبهم شدند. اما در واقع، چرا آنها دارای ذهنی تیره و مبهم شدند؟ فکر می‌کنم که عامل کلیدی عمل کننده، ترس است. بنابراین به بیان ساده، آن هنوز به‌خاطر وابستگی‌شان است و هر چیز دیگر، یک عذر و بهانه است.

در این مرحله، اجازه بدهید درباره‌ی شکل<sup>۱</sup> تزکیه‌ی مریدان دافا صحبت کنیم. در واقع، همیشه به شما گفته‌ام که شیوه‌ای که مریدان دافای امروز تزکیه می‌کنند یک "راه بزرگ بدون شکل" است. هر کدام از شما بخشی از اجتماع معمولی هستید، هر کسی وظایف خودش را در اجتماع انجام می‌دهد، هر کسی در طبقه‌ی اجتماعی خودش است، هر کسی حرفه‌ی خودش را دارد و هر کسی شرایط خودش را دارد. به عبارت دیگر، تزکیه‌ی شما کاملاً بخشی از اجتماع است و هیچ شکل خاصی را اختیار نمی‌کند. یاد می‌آید که در یک کنفرانس تبادل تجربه، شاگردی ورقه‌ی سؤالی را فرستاد که پرسید، "استاد، آیا شکل [مربوط به] ما، شکلی بدون شکل است؟" هیچ شکلی نداشتن یک شکل است. بنابراین من مشاهده کردم که شما قادر بودید درباره‌ی این ایده بیندیشید. (معلم می‌خندد) در واقع، بیایید درباره‌اش بیندیشیم، "هیچی" چیست؟ قبلاً اشاره کردم که مردم تصور می‌کردند که "تهی بودن" به این معنی است که هیچ چیزی وجود ندارد. و برخی از افراد گفته‌اند که "هیچی" به معنی هیچ چیزی وجود نداشتن است. اگر هیچی حقیقتاً به این معنی بود که هیچ چیزی ابداً آنجا وجود نداشت، پس خود هیچی چیست؟ و اگر "تهی بودن" به این معنی است که همه چیز رفته است، پس خود تهی بودن چه می‌توانست باشد؟ اگر در واقع هیچ چیزی هستی نداشت، پس حتی مفهوم یک اسم نمی‌توانست آنجا باشد. به عبارت دیگر، تزکیه‌ی یک راه بزرگ بدون شکل، در واقع نوعی شکل بدون شکل است.

شما می‌دانید، از نظر تاریخی، این که آیا شاکيامونی، لاؤذی، مسیح بود یا بسیاری از افراد روشن‌بین یا قدیسن دیگری که فا یا دائو را ماقبل تاریخ آموزش دادند، به‌طور ثابت یکی از دو رویکرد را برمی‌گزیدند. یکی ترک جهان مادی و تزکیه کردن بود و دیگری برگزیدن شکلی بود که مسیحیت و کاتولیسم بکار می‌برند. به این دلیل و نتیجه‌گیری از تجربیات گذشته، مردم درکی سطحی از موجودات خدایی شکل داده‌اند و نوعی فرهنگ را بوجود آوردند. این دلیل آن است که چرا به محض اینکه به چیزهایی مثل صعود کردن، بالا رفتن، تزکیه کردن یک موجود و غیره اشاره کنید، مردم دنیا درباره‌ی قالب‌هایی که مذهب در گذشته یا حال استفاده کرده است فکر می‌کنند. اما قالب‌ها در کیهان به تنها این قالب‌های مذهبی محدود نمی‌شود و این‌ها نمی‌توانند نمایانگر انواع مختلف فا که هر یک توسط تعداد بی‌شمار موجودات الهی اعتبار بخشیده‌شدند، یا قالب‌هایی که هر کدام از آنها برای به انجام رساندن آن استفاده کردند باشند. تعداد خدایان حتی در هر سطح بسیار کوچک به حدی عظیم است که غیرقابل شمارش می‌باشد. بنابراین چگونه آن دو قالب می‌توانستند نمایانگر هر چیزی باشند. آن‌ها قطعاً نمی‌توانند. پس در واقع چه تعداد شکل برای تزکیه وجود دارد؟

شما در *جوآن فالون* خوانده‌اید که هشتاد و چهار روزه روش تزکیه در مدرسه‌ی بودا و سه‌هزار و شش‌صد روش تزکیه در مدرسه‌ی دائو وجود دارد. در حقیقت، این از نقطه نظر سطحی بسیار پایین گفته شد، که درکی است در سطحی خاص، و آن فقط در گستره‌ی آموزش داده شد که موجودات انسانی بتوانند بفهمند. شما می‌دانید، بوداهایی فراسوی بوداها و آسمان‌هایی ورای آسمان‌ها و خدایانی فراسوی خدایان وجود دارند. بنابراین کیهان چقدر عظیم است؟ آن دقیقاً به حد بی‌کران و نامحدودی عظیم است. با رسیدن به مرحله‌ای که امروز در پرداختن به اصلاح-فا رسیده‌ام، حتی اگر چه اکنون در حال مراقبت از موضوعات پایانی هستم، عوامل از همه اساسی‌تری که کیهان را می‌سازند موجودات عظیمی هستند که به شیوه‌ای هستی دارند که حتی برای آن موجودات سطح بالا در کیهان بطور غیر قابل قیاسی عظیم و دست نیافتنی به نظر می‌آیند، چه رسد به انسان‌ها. به عبارت دیگر، تعداد بسیار زیادی از موجودات عظیم در کیهان وجود دارند و خدایان همگی شیوه‌های خودشان را برای بنیان گذاشتن خودشان دارند، و همگی آنها اصول فای‌ی را دارند که بر اساس درک‌شان از کیهان شکل گرفته است. اینجا من در حال استفاده از زبان بشری برای توصیف آن هستم. به علاوه، در کیهان ده‌ها میلیون سیستم کیهانی مختلف عظیم نیز وجود دارد. و آن سیستم‌های عظیم مسلماً همگی در حال روبرو شدن با اصلاح-فای نهایی تمامی کیهان هستند.

درباره‌اش بیندیشید، اگر این سیستم‌های عظیم خدایان هستند، آیا متعجب نخواهند شد: "چگونه است که شما بوداها قرار است بهتر از ما باشید؟ شما در حال آموزش قانون بزرگ کیهان به وسیله‌ی روش فای بودا هستید، و تمامی کیهان را با فای بودا اصلاح می‌کنید. اما سیستم ما مستقیماً به سیستم شما ارتباطی ندارد، بنابراین چگونه شما بوداها می‌توانید فای ما را اینجا اصلاح کنید؟ چگونه خدایان سیستم شما می‌توانند چیزها را در سیستم ما هدایت کنند؟ آیا آن رویکردهای شما برای اصلاح-فا برای سیستم ما مناسب است؟ ما در ارتباط با شیوه‌هایی که موجودات قرار است هستی داشته باشند درک‌های کاملاً متفاوتی داریم، و بسیاری از درک‌های ما مغایر هستند. چگونه می‌توانیم چگونگی عمل کردن شما را درک کنیم؟ با وجود مغایرت، چگونه شما می‌توانید فای ما را اصلاح کنید؟" کیهان بطور غیر قابل تصویری پیچیده و به حد وحشتناکی عظیم است، و در شیوه‌هایی که موجودات انسانی هستی دارند، فکر می‌کنند، و حیات را درک می‌کنند، تفاوت‌های عظیمی وجود دارد. موجودات انسانی فکر می‌کنند که موجودات انسانی خیلی خوب هستند، اما برخی از خدایان فکر می‌کنند، "موجودات انسانی که با بازوهای در حال نوسان به جلو و عقب در خیابان قدم می‌زنند بسیار زشت هستند." (خدای حصار) "به بال‌های بزرگ و بدن شبیه شیر من نگاه کنید، این بسیار باشکوه است" (خدای حصار) و حتی اختلاف‌های بزرگتری مابین ادراکات ما از موجودات زنده و آن خدایان در سیستم‌های بسیار دور عظیم وجود دارد. [ آنها ممکن است بگویند، ] "آن چه که شما درباره‌ی آن به‌عنوان خوب و بد فکر می‌کنید اینجا فرق می‌کند، بنابراین چگونه اصلاح-فا می‌تواند اینجا، جایی که ما هستیم، خوب و بد را تعیین کند؟" اختلاف مابین [خود] موجودات نیز بسیار عظیم است. قانون بزرگی که من در حال انتقال آن هستم قانون بزرگ بنیادین کیهان است که همه چیز را در بر می‌گیرد. فقط این طور است که تجلی آن، شکل تصویرهای بودا و اصول مدرسه‌ی بودا را به خود می‌گیرد. آن‌ها درباره‌ی این نمی‌دانند و این دلیل آن است که چرا بدین شیوه فکر می‌کنند.

بنابراین، به طور متفاوتی بیان کنیم، آیا اصلاح-فا، موجودات در تمامی سیستم‌ها را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد؟ اگر همگی آنها دربر گرفته می‌شوند، خوب، پس خدایان آن سیستم‌های موجودات نمی‌دانند که شما حقیقتاً چه کسی هستید، بنابراین آیا خواهند گذاشت که شما هر کاری را که می‌خواهید انجام دهید؟ از آنجا که این موضوعی است که تمامی کیهان را در بر می‌گیرد، چگونه آنها می‌توانند درگیر نشوند؟ هر سیستمی لرد بزرگ خودش را دارد، بنابراین آیا آن لرد می‌تواند فقط بنشیند و تماشا کند؟ (معلم می‌خندد) در واقع، حتی با ترکیب کردن تمامی دانش‌هایشان، آنها فقط درباره‌ی چیزهایی در قلمروهای خودشان می‌دانند، و برای‌شان غیر ممکن است که درباره‌ی چیزهایی که ورای‌شان است، چیزهایی که از نظر سطح بالاتر هستند یا چیزهای نهایی، بدانند. این دلیل آن است که چرا فکر می‌کنند، "از آنجایی که این موضوع ما را دربر می‌گیرد، چگونه می‌توانیم به شما اجازه دهیم که هر کاری را که

می‌خواهید با ما انجام دهید؟ من، همانند دیگران، موجودات ذی‌شعور بی‌شماری دارم، و من هم می‌خواهم تلاش کنم که انتخاب شوم.“ اگر [خدایان در] تمامی سیستم‌های بدن کیهانی عظیم بدان شیوه فکر کنند، سپس آیا آن بدین معنی نیست که همه‌ی سیستم‌ها چیزهایی را نسبت به اصلاح- فا انجام داده‌اند؟ پس، این زمین کوچک ناچیز نقطه‌ی کانونی اصلاح- فای کیهان شد.

اغلب گفته‌ام که این زمین نقطه‌ی کانونی اصلاح- فای کیهان است، اما هیچ فردی نمی‌تواند تصور کند که دقیقاً چقدر این بدن کیهانی عظیم است. شما مفهومی به حد کافی عظیم برای درک آن ندارید. آن قطعاً بی‌کران است. با وجود آن، همه‌ی آنها بر روی زمین شیوه‌هایی را پایه‌گذاری کردند که می‌خواستند در آن‌ها تجلی یابند. به‌طور مشخص، نوع بشر از میان ده‌ها میلیون سال گذشته است-- فقط درباره‌ی دوره‌های اخیر نه گذشته‌ی دور صحبت می‌کنم-- و مهم نیست که ممکن است چند سال باشد، پس از اینکه تمدن بشری قبلی دست‌خوش زوال و انهدام گردید، مردمی که باقی ماندند وارد این مرحله از هستی‌شان شدند، آنها در یک موقعیتی وارد شدند که هیچ‌گونه ذخایری برای زندگی کردن وجود نداشت و اکنون آنها به جایی که امروز هستند سفر کرده‌اند. به زبان علم نوین، آن‌ها از به اصطلاح “عصر حجر” شروع کردند. اما مسلماً تئوری تکامل بی‌اساس است. در هر حال، تاریخی که مربوط به موجودات این چرخه می‌باشد نزدیک به ده‌هزار سال است، و حدود هفت‌هزار سال مربوط به تمدن اخیر است. یعنی، تاریخی که با شکل‌گیری این چرخه از تمدن سروکار دارد در حدود هفت هزار سال است. در طی این روند، اینکه موجودات چگونه عمل کرده‌اند و هر چیزی که در تاریخ انجام داده‌اند مستقیماً به اصلاح- فا ارتباط پیدا می‌کند. اما آنچه که در طی دوره‌های کهن انجام شد کاملاً درحال قرار دادن بنیانی برای مردم بود تا قادر باشند فا و مفهوم خدایان را درک کنند، درحال تعیین این مسئله برای مردم بود که چگونه باید باشند و افکار و مفاهیم مردم چگونه باید باشد و مفاهیم درونی و گسترده‌ی فرهنگ را [در مردم القاء کند]، که شامل اینکه چگونه خوب را از بد، زیبایی را از زشتی، خوش‌قلبی را از رذالت و غیره تشخیص دهد، می‌شود. سراسر این دوره از تاریخ کهن روند پایه‌گذاری تفکر موجودات انسانی و بنیان‌سازی رفتارشان بود. امروز، اینکه مردم چگونه رفتار می‌کنند، درک‌شان از خوبی بدی چگونه است، پوشش خوب چه چیزی در نظر گرفته می‌شود، در خصوص چیزها چگونه می‌اندیشند، با والدین‌شان چگونه رفتار می‌کنند، با دوستان و خانواده‌شان چگونه برخورد می‌کنند، هر چیزی در اجتماع را چگونه اداره می‌کنند و کلاً طبیعت و جهان را چگونه درک می‌کنند- همه‌ی این چیزها پس از سال‌های دیرینه‌ی طولانی شده پایه‌گذاری شد. اگر برای این نبود، اذهان مردم تهی یا طرز تفکرشان شبیه حیوان می‌بود. اگر به این صورت می‌بود، چگونه می‌توانستم این فا را امروز آموزش دهم؟ چگونه خدایان در این جهان از طریق بدن‌های انسانی بازپیدا می‌شدند؟ و خدایان موجودات انسانی را چگونه در نظر می‌گرفتند؟ بنابراین موجودات انسانی احتیاج داشتند که روندی به آنها داد شود تا به موجب آن درکی کافی را پایه‌ریزی کرده و کاملاً رشد یافته شوند. با گذر از میان آن، آنها به نوع بشر امروزی تغییر یافتند.

اما در سراسر تاریخ بشر، بدون توجه به این که چند هزار سال طول کشیده است، هرگز چیزی که به اجتماع امروز شبیه باشد نیامده است. و آن به این دلیل است که گذشته برای بنیان نهادن پایه بود در صورتی که امروز امور درحال به اجرا درآمدن هستند. در گذشته، زندگی نوع بشر، چه در شرق یا غرب، نسبتاً ساده بود. چین در تمام مدت مکانی اصلی بود که خدایان فرهنگ را هدایت و اشاعه دادند. ملقب شدن [چین] به “پادشاهی میانه”<sup>۲</sup> در دهه‌های اخیر نشانه‌ای است که به این نکته اشاره می‌کند. مکان‌های دیگر به‌عنوان هم حضاری که تماشاگر صحنه‌ی مرکزی نوع بشر هستند و هم شخصیت‌های حمایت‌گر، انجام وظیفه کردند. این روال تاریخ و هدف آن بود. پس چرا این طور است که در زمان‌های اخیر، ناگهان همه‌ی انواع فرهنگ‌ها، تئوری‌ها و پدیده‌های اجتماعی پدیدار شده‌اند؟ این در نتیجه‌ی این است که چیزهای سیستم‌های کیهانی عظیم مختلف، خودشان را در پایین‌ترین سطح، دنیای انسانی، متجلی می‌کنند و دلیل‌شان برای انجام این کار این است که شاید انتخاب شوند. شما می‌دانید، خواه در چین یا در غرب، در اجتماع کهن، صرف‌نظر از چندین مذهب اصلی، هیچ حوزه‌ی [اجتماعی] دیگری، نظام یا قالب فرهنگی مستقلی نداشت. به عنوان

مثال، موسیقی و هنرهای زیبای بعد از رنسانس، تئوری‌های مختلف در تاریخ اخیر، و این‌که در تاریخ اخیر چگونه حرفه‌های مختلف در اجتماع ظهور پیدا کرده‌اند-- شامل رفتار مثبت و منفی نوع انسان-- همه‌ی آنها یک شبه به‌صورت یک انفجار اتفاق افتادند. تقریباً یک‌صد سال گذشته، به‌طور خاص، جامعه‌ی بشری را که هزاران سال وجود داشته بود به‌سرعت به آنچه که امروز است تبدیل کرد. این یک جهان بشری آشفته است، و با این حال بسیاری از افراد در واقع از خودشان کاملاً خرسند هستند و تصور می‌کنند که علم برای نوع بشر پیشرفت به ارمغان آورده است. تحصیلات امروزی مردم را به سمتی می‌برد که تفکرشان را صرفاً بر اساس تئوری نادرست تکامل قرار دهند و باور کنند که موجودات انسانی تا این وضعیت تکامل یافتند، که اجتماع به سطح بالایی از رشد علمی نائل شده است، و این که نوع بشر تمدن خودش را خلق کرد-- تمدن نوین را خلق کرد. ابدأ این‌طور نیست. اما نتیجه این است که بسیاری از مردم تحت تأثیر آن نوع از طرز تفکر در حال لذت بردن از به اصطلاح تمدن ساخته شده توسط علم هستند. و آن کسانی که با دانش نوین تحصیل کرده‌اند و کسانی که ملحد هستند به‌نظر می‌رسند که زمینه‌ی کاملی را یافته‌اند، آن‌ها را بسیار لذت‌بخش می‌یابند! بنابراین آنها بدون محدودیت در حال لذت بردن از شکل‌های بسیار فراوان هنر منحرف نوین هستند، باعث می‌شوند این اجتماع کاملاً پر زرق و برق به نظر آید.

در حقیقت خدایان هرگز نمی‌خواستند موجودات انسانی زندگی‌شان را این‌گونه به پیش ببرند. موجودات انسانی نمی‌توانند روند عقوبت کارمایی یا [قانون] علت و معلول چیزها را در اجتماع بشری ببینند، و بنابراین از آنجایی که در ارتباط با علت‌های پنهان نابینا هستند، پیامدهای هر کاری را که انجام می‌دهند در نظر نمی‌گیرند. در نتیجه، هیچ حس رضایت و خرسندی ندارند. در واقع مهم نیست که اجتماع چقدر پر زرق و برق می‌شود، حتی اگر سطح پیشرفت آن از امروز پیشی بگیرد، هنوز مردم راضی و خرسند نخواهند شد. آیا خدایان گذاشتند انسان‌ها هستی یابند برای این که تا ابد بدنبال چیزها باشند؟ در گذشته زمانی که یک فرد اسب خوبی داشت، او، او چنین احساسی داشت که یک درجه بالاتر از هر فرد دیگری است. و هنگامی که آن اسب عالی را در خیابان می‌راند، مردم با تحسین می‌گفتند: "اوه، چه اسب فوق‌العاده‌ای! نگاه کنید که آن م چه اسب فوق‌العاده‌ای دارد." آنها همان احساسی را داشتند که امروز وقتی فردی یک اتومبیل عالی دارد، مردم [آن احساس را] دارند. اما امروز اگر کسی اسبی را در خیابان براند، مردم آن را عجیب می‌یابند، چراکه مردم، دیگر آن برداشت را ندارند. امروزه هنگامی که مردم فردی را می‌بینند که در حال رانندگی با اتومبیلی زیباست می‌گویند: "اوه، چه اتومبیل فوق‌العاده‌ای، چه مرکب گران‌بهای<sup>۳</sup> (خنده‌ی حضار، معلم می‌خندد)، آن اتومبیل خیلی زیباست." موجودات انسانی می‌توانند در شرایطهای متفاوتی زندگی کنند اما هنوز همان احساس را در زندگی‌شان دارند. اگر به مردم این شیوه‌ی زندگی مدرن داده نمی‌شد، آنها نمی‌دانستند که این وضعیت شبیه چیست. در طول چندین هزار سال گذشته، زمانی که مردم در وضعیت معمولی که موجودات انسانی باید در آن باشند زندگی می‌کردند، چیزهای جالب و دلچسب در زندگی‌شان، دقیقاً به‌طور مشابه به آنها احساسی از رضایت و خرسندی می‌داد. در کیهان این دقیقاً سطحی است که موجودات بشری در آن هستند. امروزه مردم اتومبیل دارند، اما وقتی پی به وجود بشقاب‌پرنده‌ها می‌برند، که نیازی به انرژی‌ای که ما امروز بکار می‌بریم ندارند و می‌توانند بلافاصله به هوا بلند شوند و در یک چشم به هم زدن به جایی که فرد می‌خواهد برود می‌رسند، خوب، [آنها فکر خواهند کرد] این حتی راحت‌تر است! در آن هنگام چه کسی یک اتومبیل می‌خواهد؟ "یک اتومبیل به چه درد می‌خورد؟ این خیلی از مد افتاده است!" (خنده‌ی حضار) در حقیقت، اگر می‌شد که مردم نوین واقعاً بدان شیوه زندگی کنند، آن موقع نیز راضی و خرسند نمی‌بودند و ادامه می‌دادند که دنبال چیزهای حتی بهتری باشند. البته، هر زمان که موجودات بشری قادر به خلق چیزی هستند، این خدایان هستند که دست‌اندر کارند، و نه این که [آن] نتیجه‌ی فعالیت‌های موجودات انسانی است. آنچه خدایان به موجودات انسانی امروز اعطا کرده‌اند به منظور این نبود که به آنها زندگی‌ای این‌چنینی بدهند. هدف آنها این است که مخلوقات سیستم‌هایشان را به‌نمایش گذارند تا این‌که بتوانند فرصتی برای انتخاب شدن داشته باشند. به عبارت دیگر، اگرچه مردم در به‌اصطلاح تحقیقات‌شان به دنبال چیزها بوده‌اند، اما آن چیزها از

طریق خواسته‌ها و طلب‌های موجودات بشری به‌دست نیامدند. موجودات بشری نمی‌توانند از میان این توهم ببینند، نمی‌توانند حقیقت را ببینند و بنابراین خودشان را تا نهایت افراط در جامعه‌ی مدرن غرق می‌کنند.

اما این چیزها برای لذت مردم به آن‌ها داده نشد. خدایان هرگز نمی‌خواستند که مردم را به آنچه امروز هستند تبدیل کنند، چراکه هدف‌شان به نمایش گذاشتن خودشان بود. برخی از مردم فکر می‌کنند که آنها در حال هدایت چنین زندگی دلپذیری هستند، تقریباً مثل این که در آسمان هستند؛ البته، گرچه این به‌هیچ‌شکلی شبیه آن‌چه که یک خدا دارد نیست. در این شرایط، مردم اهمیت کمتری به عواقب می‌دهند، به خدایان حتی کمتر ایمان دارند، برای بوجود آوردن کارما حتی مستعدتر هستند، و حتی سریع‌تر در حال ویران کردن خودشان هستند. و صنعت امروزی بطور جدی محیط زیست را آلوده کرده و باعث شده است که خود ماده از شکل خود خارج شود. این چیزی است که اجتماع بشری هرگز قادر به حل آن نخواهد بود. و آن بطور جدی بُعدهای دیگر در کیهان را آلوده کرده است. از آنجا که کیهان یک سیستم چرخه‌ای است، چیزهای استخراج شده توسط موجودات در یک بُعد، توسط موجوداتی که در بُعدهای بالاتر هستند بیشتر استخراج می‌شوند. هنگامی که چیزهایی که موجودات در بُعد بشری استخراج می‌کنند آلوده باشد، پس چیزهایی که در مکان‌های بالاتر استخراج می‌شوند، سطح به سطح، همگی آلوده می‌شوند. بنابراین انحراف اجتماع نوین بشری، شامل انحراف عقاید و تصوراتش، تأثیری بر خدایان داشته و سبب شده است که حتی موجودات سطح بالا منحرف شوند. بنابراین چرا اصلاح- فای کیهان لازم شد که اتفاق بیفتد؟ مسلماً وقوع این انحراف، به بُعد بشری محدود نمی‌شود. چیزهای متفاوتی حتی در بدن‌های کیهانی عظیم، اتفاق افتاده است. این‌جا فقط در حال صحبت درباره‌ی تجلی‌ها در این مکان نوع بشر هستیم.

در حقیقت، فرهنگ به‌ظاهر باشکوهی که در دوره‌های اخیر در اجتماع بشری ظهور پیدا کرده است در واقع توسط خدایان از کیهان‌های مختلف و بدن‌های کیهانی بسیار دور عظیم آورده شد. اگر با اصطلاحات بشری بیان شود، آنها شیوه‌هایی هستند که، موجودات سیستم‌هایشان، در آن شیوه‌ها، سیستم‌ها را حفظ می‌کنند. آنچه آنها آورده‌اند تجلی در پایین‌ترین سطح، سطح اجتماع بشری، از اصول فا در سیستم‌هایشان که صعود یا نزول سطح یک زندگی را تعیین می‌کند است. این تمام چیزی است که هستند. البته با راهنمایی دافا، آن چیزها، آن شکل‌ها، می‌توانند موجودی را قادر به صعود نمایند، دقیقاً همان‌طور که می‌توانند باعث سقوط یک موجود نه چندان خوب شوند. من در حال صحبت درباره‌ی مفهوم "راه بزرگ بدون شکل" بودم، که به این بحث منجر شد. آیا درباره‌ی این اندیشیده‌اید که، اگر بسیاری مشاغل و حوزه‌ها که امروز دیده می‌شوند از آن سیستم‌های موجودات بسیار دور آورده شدند، و میدان دافا در حال تزکیه در این موقعیت هستند، با تزکیه کردن میدان دافا در مشاغل مختلف، پس آیا این دقیقاً به سان اصلاح کردن [آن سیستم‌ها] با فا نیست؟ آیا این تصدیق هستی آنها نیست؟ آیا این نجات دادن آنها نیست؟

البته برای من امکان پذیر نخواهد بود که نمایش‌هایشان را در دنیای بشری برای انسان‌ها بجای بگذارم. آنچه ما در حال نجات آن هستیم موجودات آن سیستم‌ها هستند. وقتی هر چیزی به جایی که موجودات بشری هستند می‌رسد، سطح [اینجا] باعث می‌شود که آن بسیار بد و پست شود، بنابراین مسلماً دافا و میدان دافا نمی‌توانند این قالب‌های سطح پایین را به خودی خود اعتبار بخشند. به عنوان مثال، مذاهب را در نظر بگیرید. آنهایی که حقیقتاً چیزها را درک می‌کنند در حال بکاربردن آن قالب‌های کسب شده از مذاهب برای تزکیه کردن خودشان هستند، درحالی که آنهایی که این‌گونه نیستند در حال برپا داشتن قالب‌های آن مذاهب هستند. به عبارت دیگر، آنچه خدایان می‌خواهند قالب‌هایی که نوع بشر بکار می‌برد نیستند، بلکه [این است که] شما قالب‌ها را اینجا بکار برده و صعود نمایید. هنگامی که شما با استفاده از این قالب‌ها تعالی می‌یابید، در حال اعتبار بخشی به فا هستید، در حال اعتبار بخشی به خدایان هستید، و در حال نجات موجودات ذی‌شعور هستید، درست است؟ (تشویق) تزکیه‌ی میدان دافا در حرفه‌های مختلف تأیید موجودات در آن سیستم‌ها می‌باشد، و این نجات دادن تمامی آن موجودات است. این را قبلاً به شما گفته‌ام: آنچه در حال انتقال آن هستم قانون بزرگ کیهان است، که همه چیز را در بر می‌گیرد. پس درباره‌ی آن بیندیشید، آیا این فا

عظیم نیست؟ به شما می‌گویم که آن آن قدر عظیم است که بدون شکل می‌باشد، آن بدون شکل است و با این حال همه چیز را در بر می‌گیرد. (تسویقی) اصلاح- فا در حال اصلاح کردن تمامی موجودات در کیهان است و در حال انجام هر کار ممکن است که تمامی چیزهای اصیلی را که این‌جا توسط خدایان بجای ماندند نجات دهد.

در آغاز هیچ موجودی نمی‌دانست که من در حال انجام چه کاری بودم. موجودات بیرون از کره‌ی زمین حتی فکر کردند که من یکی از آنها هستم. (خنده‌ی حضار) هیچ‌کسی نمی‌دانست. این دلیل آن است که چرا خدایان در قلمروهای مختلف به شیوه‌ای عمل کرده‌اند که در حال نادیده گرفتن مداخله نیروهای کهن با اصلاح- فای من هستند. بنابراین قبلاً گفتم که در ارتباط با این موضوع، موجودات در تمامی کیهان در حال ارتکاب گناهانی بودند. من گفتم که آن‌ها همگی رهین منت من بودند زیرا من در حال نجات آن‌ها بودم. این فا زیربنای تمامی موجودات است.

حقیقت این است که، هر چیزی در اجتماع بشری، تا وقتی آن را انتخاب کنم، می‌تواند برای تزکیه‌ی میدان دافا مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال موسیقی را در نظر بگیرید، چیزی که قبلاً درباره‌اش صحبت کردم. اگر مردم درحالی که موسیقی تصنیف می‌کنند و مطالعه می‌کنند توسط دافا راهنمایی شوند، می‌توانند پیشرفت کنند و الهاماتی داشته باشند، و چیزهایی که به آن‌ها فکر خواهند کرد و خواهند آمد که ببینند، همان‌طور که مورد نیاز واقع می‌شوند، مکاشفات الهی خواهند بود. بنابراین به عبارت دیگر هر حوزه‌ای که ممکن است در آن باشید، زمانی که قادرید مهارت‌هایتان را رشد دهید، آن انعکاسی از پیشرفت پیوسته‌ی شما در صعود از نظر قلمرو است. و مردم می‌توانند ببینند که شما فرد خوبی هستید و کسی که قلب و ذهن خودش را تزکیه می‌کند. از نقطه نظر موجودات بشری، شما در حال یک انسان خوب شدن هستید. در نتیجه‌ی مطالعه‌ی فا و تزکیه‌ی درون خود، بهتر و بهتر عمل می‌کنید، و خدایان خردی را که شایسته‌ی آن هستید به شما اعطا می‌کنند و به شما الهام می‌دهند به‌طوری که درحالی که مطالعه می‌کنید به چیزهای بسیاری پی ببرید، چیزهای بهتری بیافرینید، مهارت خود را رشد دهید، و به ماوراء برسید. درباره‌اش ببینید، در اجتماع بشری این می‌تواند در هر حرفه‌ی مشروعی انجام شود، این طور نیست؟ درحالی که در محل کار بخوبی عمل می‌کنید، در حال تزکیه‌ی خودتان هستید— آیا بدان طریق نمی‌توانید رشد کنید؟ در اجتماع امروز، می‌توانستم هر شکلی را به عنوان قالبی برای تزکیه‌ی شما انتخاب کنم و تزکیه‌ی شما را قادر به موفق شدن کنم. (تسویقی) فقط این‌طور است که آن چیزها را انتخاب نکردم. آن چیزها را برای شما انتخاب نکردم. در عوض، نوع یک بودا و آموزش فای کیهان در قالب مدرسه‌ی بودا را انتخاب کردم. و با استفاده از روش پنج تمرین و روش تزکیه‌ای که به‌وجود آوردم، به شما آموختم که تزکیه کنید، بدین وسیله تمامی موجودات شامل تمامی بوداها، دأوها، خدایان و موجودات بشری را نجات دهید. از آن‌جا که قالب‌های بسیاری وجود دارد، مسلماً نمی‌توانستم تمامی آن‌ها را استفاده کنم. من قالب مدرسه‌ی بودا را برگزیدم. اما حقیقت این است که، آنچه من در حال آموزش آن هستم قانون بزرگ کیهان است. هر چند آن به شکل اصول و فای مدرسه‌ی بودا ظاهر می‌شود و من آن را از زاویه‌ی اصول و فای مدرسه‌ی بودا آموزش داده‌ام، اما آنچه که حقیقتاً در حال آموزش آن هستم قانون بزرگ نهایی کیهان است. مسیرهایی را که می‌گذارم در تزکیه‌تان در پیش گیرید، همگی مسیرهای موجودات خدایی بزرگ از سیستم‌های مختلف کیهان هستند. همه و هر چیز در حال اصلاح شدن است. هر چیزی توسط این فا دربرگرفته می‌شود، آیا این طور نیست؟ این چگونگی قانون بزرگ است.

قبلاً اشاره کردم که هنگامی که نه شرح و تفسیر برای اولین بار منتشر شد، برخی از مردم نتوانستند آن را بفهمند، و گفتند، ”آیا با انجام این کار درگیر امور سیاسی نمی‌شویم؟“ اما سیاست چیست؟ تصور کنید که من، لی هنگ‌جی، واقعاً شما را راهنمایی می‌کردم که از طریق سیاست تزکیه کنید— آیا قادر به موفق شدن در تزکیه می‌بودید؟ (تسویقی) قطعاً می‌بودید. مادامی که در روند انجام دادن کار، تزکیه کنندگان بطور پیوسته از دافا بعنوان راهنمای تزکیه‌شان و سعی‌شان برای شخصی خوب بودن و سپس حتی بهتر شدن استفاده می‌کردند و خودشان را در دافا جذب و متعادل می‌کردند، پس به‌طور پیوسته رشد می‌کردند، بطور پیوسته تعالی می‌یافتند و قادر می‌بودند به کمال برسند. اگر امروز،



شما را راهنمایی می‌کردم تا در قالب یک پادشاه و فرمان‌بردارانش، تزکیه کنید، درحالی که به عنوان فرمانبرداران تزکیه می‌کردید، آیا بدان طریق می‌توانستید تزکیه کنید؟ (تشویق) قطعاً می‌توانستید، و بطور حتم می‌توانستید به‌طور یکسان به کمال دست یابید. فقط موضوع این می‌بود که چگونه آن مسیر را طی کرد، چگونه در برابر همه موجودات مسئول بود، و چگونه موجودات را قادر به رشد کرد. تا زمانی که هدایت این قانون بزرگ پیروی می‌شد، آن می‌توانست به‌دست آید. هنگامی که به شکل‌های خاصی می‌رسد، آن چیزها را انتخاب نکردم. درحالی که امروز تا این‌جا آمده‌ایم، برای ما امکان‌پذیر نمی‌بود دوباره از نو چیز دیگری را انتخاب کنیم. این چگونگی تزکیه‌ی ماست؛ این راهی است که ما در آن راه تزکیه می‌کنیم.

مردم با بودن در میان جهالت و توهم، نمی‌توانند ببینند که این فاجعه‌ی عظیم است. اگر فردی می‌توانست حقیقتاً آن‌را ببیند، در حالی که تزکیه می‌کند، ایفای نقش وابستگی‌هایش معادل ارتکاب گناه علیه خدایان می‌بود. دقیقاً به‌خاطر اینکه مردم نمی‌توانند ببینند، آن‌ها به عنوان گناه محسوب نمی‌شوند. یک فرد ممکن است کوشا تر باشد، درحالی که یکی دیگر ممکن است درک ضعیف‌تری داشته باشد. (معلم می‌خندد) بطور نسبی صحبت کنیم، قالب توهم، [الزامات] برای تزکیه را سست می‌کند. برخی از مردم فکر می‌کنند، "این خیلی عالی می‌بود اگر من همه‌ی آن‌را می‌دانستم و می‌توانستم همه‌ی آن‌را ببینم." خوب، در آن حالت، مسیر تزکیه‌ی شما به‌حدی باریک می‌بود که مجاز به ارتکاب حتی یک ذره اشتباه نمی‌بودید. اگر بطور کامل روشن‌بین می‌شدید، به عنوان کسی که در حال تزکیه‌کردن است، در نظر گرفته نمی‌شدید و مجاز به تزکیه‌کردن نمی‌بودید. قبل از اینکه آزار و شکنجه در ۲۰ جولای ۱۹۹۹ آغاز شود، برخی از مریدان دافا در وضعیتی بودند که در سطح بالایی از روشن‌بینی تدریجی قرار داشتند. به آن‌ها اجازه داده نشده است که درگیر مقاومت‌کردن در برابر آزار و شکنجه شوند. هیچ‌کسی جرأت آزار و شکنجه‌ی آنان را ندارد و آن‌ها درگیر آن نشده‌اند. اگر آنها نیروها را ملحق می‌کردند، می‌توانستند این آزار و شکنجه را متوقف کنند، اما اکنون آن‌ها همه چیز را می‌دانند. آنچه که هم‌اکنون در حال صحبت درباره‌ی آن بودم شکل تزکیه است. اکنون که از این زاویه صحبت کرده‌ام، فکر می‌کنم که ذهن شما وسعت یافته است، چیزهای زیادی را خیلی سریع می‌فهمید و حالا درباره‌ی این‌که این قانون بزرگ چقدر عظیم است و مسئولیت‌های‌تان چقدر سنگین است ایده‌ی بهتری خواهید داشت.

با گفتن تمامی آن، مایل‌م برگردم و درباره‌ی چیز دیگری صحبت کنم. به عنوان مریدان دافا، گذشته‌ی خارق‌العاده‌ای دارید، و می‌بایستی زمان حال خارق‌العاده‌ای نیز داشته باشید. گاهی اوقات درحالی که به‌فا اعتبار می‌بخشید، غالباً درحال انجام کار دافا هستید، یا در تزکیه‌ی خودتان، بسیاری از چیزهای ناخوشایند واقعاً وجود دارد. قابل توجه‌ترین و بزرگ‌ترین مسئله‌ای که برای مدت زمانی طولانی لاینحل مانده است، چیزی است که خدایان نیز در گوشم نجوا می‌کرده‌اند، چیزی که بیشتر از همه آن‌ها را آزار می‌دهد. اما هرگز بر آن تأکید نکرده‌ام و درباره‌ی آن با کلمات تند صحبت نکرده‌ام. چرا این‌طور است؟ زیرا مریدان دافا درحالی که این روزها به‌فا اعتبار می‌بخشیدند به مقدار کمی شهامت احتیاج داشتند. این دلیل آن است که چرا درباره‌ی آن صحبت نکردم. می‌خواستم این بحث را برای زمان پایانی نگه دارم—می‌خواستم بعداً درباره‌ی آن صحبت کنم، وقتی که زمان مستعدتر باشد. پس آن چیست؟ هنگامی که مریدان دافا مرتکب اشتباهات می‌شوند، دوست ندارند مورد انتقاد قرار گیرند. هیچ‌کسی نمی‌تواند از آن‌ها انتقاد کند و زمانی که کسی انتقاد نماید، آنها را منفجر می‌کند. هنگامی که درست هستند، دوست ندارند دیگران چیزهایی را که آن‌ها می‌توانند با آن رشد کنند مطرح کنند؛ هنگامی که در اشتباه هستند، دوست ندارند مورد انتقاد قرار گیرند. به محض این‌که دیگران انتقاد می‌کنند ناراحت می‌شوند. مشکل کاملاً در حال بد شدن است. (تشویق)

چرا برای صحبت درباره‌ی آن تاکنون منتظر مانده‌ام؟ قبلاً زمانی که شما در حال اعتبار بخشی به‌فا و افشا کردن اهریمن بودید، نمی‌خواستم هنگام انجام امور بیش از حد نرم باشید، در آن حالت همان‌طور که حقیقت را آشکار می‌کردید مستعد می‌بودید آن کار را [در حالتی] کمتر از استحکام کامل انجام دهید. اگر درحالی که حقیقت را آشکار می‌کردید و دیگران [به‌طور منفی] نظر می‌دادند، شما بدون دادن هیچ توضیحی فقط همان‌جا متوقف می‌شدید، آن

یک مشکل می‌بود. اکنون که بالغ و منطقی شده‌اید و می‌دانید که امور را چگونه اداره کنید و اکنون که [شرح دادن این موضوع] آشکارسازی حقیقت شما را تحت تأثیر قرار نخواهد داد، در حال صحبت درباره‌ی آنچه برای امروز نگه داشته بودم هستیم. مشکلی که با این مسئله دارید در حال حاضر به‌نحو کاملاً بارزی در حال بیرون زدن است. به عنوان تزکیه‌کنندگان، درباره‌اش فکر کنید— من درباره‌ی این در *جوآن فالون* در آموزش‌های فای پیش‌تر خود صحبت کرده‌ام— گفته‌ام، “وقتی ضربه می‌خورید مقابله به مثل نکنید، وقتی مورد توهین قرار می‌گیرید، جوابش را ندهید.” وقتی کسی با شما بدرفتاری می‌کند، باید فقط با یک لبخند جواب بدهید و بگذارید که آن پایانی برای آن باشد. و هنگامی که دیگران درگیر یک تضاد می‌شوند و شما فقط یک ناظر هستید، باید درباره‌اش فکر کنید: “چگونه می‌توانم بهتر عمل کنم؟ اگر من در آن موقعیت بودم، آیا قادر می‌بودم که *سین‌سینگ* خود را کنترل کنم و با انتقاد و نکوهش همانند یک تزکیه‌کننده مواجه شوم؟” تزکیه درباره‌ی این است که به درون خودتان نگاه کنید. بدون توجه به این که درست باشید یا در اشتباه، باید خودتان را امتحان کنید. تزکیه، درباره‌ی رها شدن از وابستگی‌های بشری است. اگر همیشه به انتقادها و عیب‌جویی بی‌اعتنا بوده، همیشه انگشت‌تان به سمت دیگران باشد و همیشه نکوهش و انتقاد دیگران را رد کنید، آیا این تزکیه‌کردن است؟ آن چگونه تزکیه کردن است؟ شما عادت تمرکز کردن بر نقائص دیگران را رشد داده‌اید و هرگز مورد آزمایش قرار دادن خودتان را جدی نگرفته‌اید. وقتی یک روز تزکیه‌ی دیگران به موفقیت منتهی شود، درباره‌ی شما چه؟ آیا مایه‌ی امیدواری استاد نیست که شما به‌خوبی در حال تزکیه‌کردن باشید؟ چرا انتقاد را قبول نمی‌کنید و چرا به تمرکز کردن بر دیگران ادامه می‌دهید؟ چرا درون را تزکیه نمی‌کنید و خودتان را مورد آزمایش قرار نمی‌دهید؟ چرا وقتی مورد انتقاد قرار می‌گیرید ناآرام می‌شوید؟ چه تعداد از شما که این‌جا نشسته‌اید می‌توانید وقتی کسی بدون مقدمه به شما اشاره کرده و شما را مورد ملامت قرار دهد، آرامش را حفظ کنید؟ چه تعداد از شما وقتی با انتقاد و ملامت دیگران مواجه شود می‌توانید خون‌سرد بمانید و در سمت خوتان دلیل را جستجو کنید؟

این برای سرزنش کردن شما نیست— این‌طور نیست که مریدان دافای من بخوبی عمل نکرده‌اند (معلم می‌خندد) در این رابطه، اکنون، در واقع به این دلیل است که استاد اجازه داد آن چیز کوچک در شما باقی بماند. اما اکنون که درباره‌ی آن امروز صحبت کرده‌ام، از حالا به بعد شما باید شروع کنید که این مسئله را خیلی جدی در نظر بگیرید. (تشویق) این اواخر، برخی از شاگردان اغلب یادداشت‌ها، نامه‌ها یا پیام‌هایی برای من فرستاده‌اند با بیان این که چگونه این یا آن افراد در اشتباه بودند (خنده‌ی حضار)، یا این و آن اشخاص چه مشکلی دارند. من خیلی خوب می‌دانم چه می‌گذرد. خودتان را تزکیه کنید. من نمی‌خواهم محیطی که مریدان دافا دارند محیطی شود که مردم انگشت‌شان به طرف هم‌دیگر باشد. من می‌خواهم محیطی باشد که هر کسی بتواند انتقاد را بپذیرد و در همان زمان به درون خودش نگاه کند. اگر هر کسی خودش را تزکیه کند، هر کسی به درون نگاه کند و خودش را به‌خوبی تزکیه کند، آیا تضادها کم نخواهند بود؟ این اصلی است که در تمام مدت، از زمان گذشته هنگامی که در ابتدا آموزش فا را آغاز کردم، آموزش داده‌ام. آیا این‌طور نیست؟ رشد برای یک تزکیه‌کننده قطعاً نه از اشاره‌کردن انگشت به‌دست می‌آید نه از انتقاد من از شما به عنوان استادتان و نه از این که انگشت‌تان به‌سمت یکدیگر باشد یا از یکدیگر انتقاد کنید. آن از این که شما خودتان را تزکیه کنید نشأت می‌گیرد. اکنون که استاد درباره‌ی آن در آموزش فای امروز این‌جا صحبت کرد، از این لحظه به بعد باید شروع کنید که این موضوع جدی در نظر بگیرید. (تشویق پرشور)

از نظر ذهنی آماده باشید (خنده‌ی حضار)، شاید شما به محض اینکه به خانه برگردید با این چیزها مواجه شوید. اما قبل از این که با آن مواجه شوید، نمی‌دانید که آن در حال آمدن است. (خنده‌ی حضار) هنگامی که تضاد پیش می‌آید، نه با شما مانند خدایان رفتار می‌شود، نه چیزها به شیوه‌های خدایی تجلی می‌یابند. همگی معمولی ظاهر خواهند شد. و همگی همان شکل تضادهایی را دارند که مردم معمولی با یکدیگر دارند. و مطمئناً حفظ آبروی‌تان مد نظر قرار داده نمی‌شود. خود من، لی هنگ‌جی، به کنار، با هیچ کسی هیچ نوع رفتار خاصی نخواهد شد. آنچه روی می‌دهد مطمئناً فراتر از مشخصه‌های قوانین در این سطح بشری نمی‌رود. بنابراین، هر چیزی در قالب‌های خاص این سطح بشری

تجلی خواهد یافت. در این مرحله، من فکر می‌کنم از آن‌جا که شما مریدان دافایی هستید که فا را مطالعه کرده‌اید و اکنون مدت زیادی تزکیه کرده‌اید، وقتی به جزئیات اصول ارتباط پیدا می‌کند، آن‌ها را می‌دانید و بدون صحبت من درباره‌ی آن‌ها به آن آگاه هستید.

مشکل کاملاً بارز شده است. آیا می‌دانستید در طول چند سال گذشته موجودات سطح بالا مکرراً در این باره در گوش من نجوا می‌کرده‌اند؟ با این حال من تغییر موضع ندادم. من احتیاج داشتم مریدان دافا درحالی که برای اعتبار بخشی فا می‌رفتند برای نشان دادن حقیقت شهادت داشته باشند، و لذا در باره‌ی آن صحبت نکردم. می‌خواستم برای انجام چنین کاری، زمانی را، یک فرصت مناسبی را برای صحبت درباره‌ی این موضوع انتخاب کنم. امروز زمان مناسب آن است، بنابراین آن‌را مطرح کردم. ضمناً، به شما می‌گویم که این موضوع برای ما به صورت کل، کاملاً چشمگیر شده است. در ارتباط با برخی از افراد آن به حدی بد شده است که هیچ‌کسی نمی‌تواند کلمه‌ای درباره‌ی آن‌ها بگوید. به نظر می‌رسد بدون اشاره به آن نمی‌توانم بیش‌تر به جلو بروم. برخی افراد شبیه کبریت شده‌اند - با یک حرکت مشتعل می‌شوند. شبیه مین هستند -- با یک گام منفجر می‌شوند. [این‌طور رفتار می‌کنند که] "شما نمی‌توانید از من انتقاد کنید. من نمی‌توانم هیچ انتقادی را بپذیرم." دیگر به هیچ‌گونه توضیح حاکی از اعتراض یا مخالفت گوش نمی‌دهند، خواه [این توضیحات] از روی نیت خوب باشد یا بد، از روی قصد باشد یا بدون قصد، هر چیزی را با حداکثر قدرت رد می‌کنند، و حتی کمتر خودشان را مورد آزمایش قرار می‌دهند. این کاملاً وخیم شده است. من درحال سرزنش شما نیستم، اما از حالا به بعد باید به آن توجه کنید. باید به مرحله‌ای برسید که قادر به پذیرفتن انتقاد باشید، بدون در نظر گرفتن اینکه از طرف چه کسی است. اگر در آن حقیقت وجود دارد، خودتان را درست کنید، و اگر نیست، آن‌را مدنظر قرار دهید. اگر بتوانید درحالی که مورد انتقاد یا نکوهش قرار می‌گیرید آرام بمانید، در حال رشد هستید. (تشویق)

ما اغلب شاگردانی داریم که می‌گویند، "برخی از شاگردان می‌دانند که آن‌ها نواقص و مشکلات خاصی دارند، اما هنوز اجازه نمی‌دهند دیگران از آن‌ها انتقاد کنند." البته، من در حال ارائه‌ی این پیشنهاد نیستم که همگی بروید و از دیگران انتقاد کنید. اما وقتی دیگران مسئله‌ای را می‌بینند، یا می‌بینند که مسئله‌ای ممکن است آشکارسازی حقیقت شما را تحت تاثیر قرار دهد یا مانع کارکردن شما با هم شود، باید به آن اشاره کنند. بدن‌های قانون من از دهان شاگردان دیگر ممکن است به شما هشدار دهند. شما از میان یک چنین روند طولانی از تزکیه گذر کرده‌اید و وقت زیادی را صرف کرده‌اید. حقیقتاً به سختی کار کرده‌اید. هر چیزی را که انجام داده‌اید می‌بینم. حقیقتاً فوق‌العاده است. اما این گفته‌ی مذکور، چیزی است که در سطحی بنیادین ثابت می‌کند که آیا فرد در اصل یک تزکیه‌کننده است؛ بنابراین آن چیز که شما را هدایت می‌کند که انتقاد را نپذیرید، آن چیز باید برداشته شود. حتی اگر در تمام زمینه‌های دیگر بخوبی عمل کرده باشید و فقط در این یک مورد خیلی بد باشید، هنوز یک تزکیه‌کننده نیستید. در گذشته، تزکیه‌کنندگان در ابتدا روی این موضوع کار می‌کردند و آن یک شرط لازم برای انتخاب شدن به عنوان یک مرید بود. قبل از این که آزار و شکنجه در ۲۰ جولای ۱۹۹۹ آغاز شود من همان کار را انجام دادم. بعد از ۲۰ جولای ۱۹۹۹، روی آن تأکید نکردم. امروز این موضوع را دوباره مطرح می‌کنم، و با این [کار]، در حال از بین بردن ماده‌ی فیزیکی‌ای که شکل گرفته شده هستیم. (تشویق) اما لازم است گرایشی را که شکل داده‌اید اصلاح کنید -- باید این کار را بکنید. مطمئن باشید که به این موضوع توجه می‌کنید! از این لحظه به بعد، هرکسی که نتواند انتقاد را قبول کند کوشا نیست، هرکسی که نتواند انتقاد را بپذیرد، درحال به نمایش گذاشتن حالت یک تزکیه‌کننده نیست، یا حداقل در رابطه با این موضوع. (تشویق) اگر فردی هنوز قادر به گذراندن این آزمون نباشد، به شما می‌گویم، او در وضعیتی بسیار خطرناک است، زیرا برای یک تزکیه‌کننده این بنیادی‌ترین چیز است، این در رأس لیست چیزها برای از بین بردن است، و آن باید از بین برده شود. اگر از آن رهایی نیابید، به کمال نائل نخواهید شد. کاری نکنید که آن‌طور شود که این افراد عادی هستند که در حال انجام کار مریدان دافا هستند. شما می‌خواهید به کمال برسید، نه به دارایی.

اگر مردم معمولی بخواهند کارهای دافا را انجام بدهند، آیا می‌توانند؟ آن‌ها تاکنون انجام داده‌اند. [برخی از مردم خواهند گفت،] "من اعلان کردم،" دافا عالی است" و فلایر پخش کردم. "هنگامی که فردی معمولی آنچه را که مریدان دافا انجام می‌دهند انجام داده باشد ولی تزکیه نکند، آیا قادر خواهد بود به شیوه‌ای که مریدان دافا به کمال می‌رسند به کمال برسد؟ خیر، نخواهد توانست. اما چنین کار عظیمی را انجام داده است و در این لحظه‌ی حساس تاریخی کار کمی نیست. بنابراین به این موجود چگونه نگریسته می‌شود؟ او در پاسخ واقعاً خوش‌بختی به‌دست می‌آورد، خوش‌بختی بی‌اندازه‌ای. باید امیدوار باشم آن عده از شما که این‌جا نشسته‌اید، کسانی که برای چنین مدت زیادی تزکیه کرده‌اید، به [دریافت] پاسخ خوش‌بختی به پایان نرسانید، درست است؟ (خنده‌ی حضار) آنچه برای شما در ذخیره است، چیزهایی حتی عظیم‌تر، باشکوه‌تر هستند و داشتن همگی آن‌ها حقیقتاً برای یک موجود فوق‌العاده است. بنابراین تزکیه‌ی مریدان دافا درباره‌ی ایمن کردن پاداش خوش‌بختی نیست. از حالا به بعد، به موازات روابط متقابل شما با مردم عادی، لازم است وقتی به چگونگی تعامل شما با مریدان دافا ارتباط پیدا می‌کند کاری کنید که عمیقاً رشد کنید. اکنون که تمامی این‌ها را گفتم، لازم است آن را پیروی کرده و باعث روی دادن آن شوید. (تشویقی پرسور)

در ادامه به چیزی اشاره خواهم کرد. در دوره‌های اخیر موضوعی وجود داشته است، و آن به مریدان دافا در مناطقی غیر از مورد بارز آمریکای شمالی ارتباط دارد... بسیاری از مریدان دافا درگیر فروش بلیت و برنامه‌ریزی برای جشن سال نو چینی تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید [NTDTV] شده‌اند. هوا سرد بود، بنابراین کاری که انجام دادید بسیار سخت بود، و شما قلب‌تان را برای آن گذاشتید. من شاهد بودم که به منظور افزایش میزان فروش بلیت، مریدان دافا در خیابان‌ها با لباس‌هایی نازک در سرمای یخبندان کار می‌کردند. شاید به خاطر این که شما همگی آن کار را انجام می‌دادید، زیاد درباره‌ی آن فکر نکردید. اما در چشم خدایان آن متفاوت بود. و به عنوان استاد شما، من نیز واقعاً تحت تأثیر قرار گرفتم. شما حیرت‌انگیز هستید. با صحبت در این باره، درباره‌ی این که چرا جشن جهانی چینی بسیار اهمیت دارد صحبت خواهم کرد. آیا متوجه می‌شوید که چه چیزهای مهمی به این جشن جهانی سال نو چینی ارتباط دارد؟

حکچ پلید همیشه هنرهای نمایشی را به ابزاری برای ترفیع فرهنگ حزب و شستشوی مغزی و تعلیم مردم چین ساخته است. مردم چین همگی می‌دانند که هر سال آن نمایش "فستیوال بهار [CCTV]" را تدارک می‌بیند و همه‌ی آن برنامه‌ها حزب پلید را مورد ستایش قرار می‌دهد و بسیار سیاسی هستند. اما جشن سال نو چینی‌ها از تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید حتی بزرگتر است -- آن "جشن جهانی سال نو چینی" نامیده می‌شود. "جهانی" -- که البته شامل چین نیز می‌شود. بنابراین، درباره‌اش فکر کنید، آیا این کار عظیمی نیست؟ "جهانی" به معنای بین‌المللی است. و اگر آن بین‌المللی است، پس آن باید در حد کیفیت بین‌المللی باشد، درست است؟ شاگردان ما حقیقتاً برجسته هستند، با در نظر گرفتن این که چگونه برنامه‌ریزی کرده‌اند تا جشن‌های چند روز گذشته را به این خوبی نمایش دهند و به یک چنین کیفیت بالایی رسیده‌اند. بدون توجه به این که کیفیت کلی آن یا اجراهای فردی چگونه بوده‌اند، حداقل این که، مردم نتوانستند متوجه هیچ اشکال بارزی شوند. (استاد می‌خندد) (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند) بازتاب بسیار مثبت بوده‌است. این دلیل آن است که چرا الزامات برای هر یک از اجراکنندگان، طراحان رقص، و گردانندگان، آهنگ‌سازان، ارکسترها، و غیره بالا هستند. بنابراین در ارتباط با کارهای خاص لازم است که ما از پایه‌ها آغاز کنیم. همچنین همان‌طور که می‌دانید، من چیزی را قبلاً گفتم: خواه تأثیر کلی جشن باشد، یک آواز که خوانده می‌شود، یا یک نت موسیقی که نواخته می‌شود، همه‌ی این کارهایی که مریدان دافا انجام می‌دهند در بُعدهای دیگر تأثیر اعتباربخشی به فا را دارند. انرژی ساطع شده واقعاً قدرتمند است و آن اهریمن را نابود می‌کند. چیز دیگر این است که، مردم آینده آنچه را که مریدان دافا امروز انجام می‌دهند پیروی خواهند کرد. مریدان دافا در بجای گذاشتن فرهنگی ویژه برای مردم آینده در حال به‌عهده گرفتن نقشی اصلی هستند، در حال پاک‌سازی فرهنگ حزب شیطانی هستند، آیا این‌طور نیست؟ این دلیل آن است که چرا حکچ فرومایه چنین شرارت‌بار شده و سعی دارد که ایجاد مزاحمت کند.

اجراها تأثیر مستقیم اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور را دارند. بنابراین تأثیرشان کاملاً با شکوه است، اثرشان کاملاً خوب است. اگر ما می‌توانستیم این را بی‌وقفه ادامه دهیم، بجای این که مثل هم‌اکنون فقط تعدادی نمایش داشته باشیم، اگر می‌توانستیم نمایش‌های بیشتری بگذاریم، پس تصور کنید که چه تعداد از موجودات ذی‌شعور نجات می‌یافتند! آیا متوجه می‌شوید وقتی آنهایی که مراسم جشن را تماشا کرده‌اند تئاتر را ترک می‌کنند، همه و هر گونه افکار بدی که داشتند محو شده است؟ تمامی افکار بدشان رفته‌است. (تسویق) این دلیل آن است که چرا مردم آن را بسیار قدرتمند یافتند.

این همه‌ی آن چیزی است که می‌گوییم. البته، می‌دانم که شما می‌خواهید بیشتر بشنوید (معلم می‌خندد) (تسویق) می‌دانم که در طی این دوره از زمان مسائل زیادی در تزکیه دارید و نظرات مختلفی مابین شاگردان مان وجود دارد. اکنون مقداری وقت خواهیم گذاشت تا به سؤالات شما پاسخ دهم. می‌توانید ورقه‌های سؤال‌تان را بالا بدهید. (تسویق) به‌طوری که بتوانیم برخی از موضوعات ملموس را اینجا حل کنیم، از شاگردانی که می‌خواهند ورقه‌های سؤال را تحویل دهند خواهش می‌کنم سؤالات‌شان را مورد بررسی دقیق قرار دهند و ارزیابی کنند که آیا باید پرسیده شوند. (معلم می‌خندد) در غیر این صورت ممکن است مقدار زیادی ورقه‌ی سؤال بدهید، و ما قادر نباشیم به همه‌ی آنها پاسخ دهیم. حالا می‌توانید ادامه داده و ورقه‌های سؤال را بدهید.

*مرید می‌پرسد: ما آشکارسازی حقیقت و افشای اهریمن را از زاویه حقوق بشر با فرستادن ایمیل به انجمنهای اصلی جامعه، دولت‌ها، و ارگانها در کشورهای مختلف، بطور مداوم انجام داده ایم و نتایج خوبی داشته‌است. حالا ما مجموعه اطلاعات داریم که میلیون‌ها آدرس را دربر می‌گیرد. بعضی از افراد فکر می‌کنند که این منبع با ارزش ما باید عمدتاً برای کارهای اصلی ما که آشکارسازی حقیقت و افشای اهریمن است، بکار برده شوند، در حالیکه افراد دیگر فکر می‌کنند که ما باید از این منبع از طریق استفاده‌ی آن برای فرستادن چیزهایی مثل اطلاعیه و قایع، اطلاعیه‌ها، انتشارات گالا و برقراری ارتباطات در مورد فعالیت‌هایی که مربوط به آزادی حقوق بشر در چین می‌شوند، و غیره حداکثر استفاده را بکنیم. این سؤال خاص است، اما خیلی مهم است، زیرا اگر در مورد آن بخوبی عمل نشود می‌تواند تأثیر منفی بگذارد.*

**معلم:** شما اول از همه باید در مورد آنچه امروز در حال انجام آن هستید روشن باشید. شما موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید، پس چیزهایی که به نجات دادن موجودات ذی‌شعور ربطی ندارد اموری نیستند که شما احتیاج به انجام آن دارید. همین که به مردم درباره‌ی شکنجه و آزار مریدان دافا، و درباره‌ی دافا واقعیت‌ها را گفته‌اید، چیزهای دیگر اهمیت کمتری دارند.

البته، موارد خاص باید مورد به مورد نگاه شوند. تحریک کردن آنها برای اینکه به جریانات حقوق آزادی مردم عادی بپیوندند، مسئولیتی نیست که مریدان دافا دارند. رسانه‌ای که شما اداره می‌کنید می‌تواند به نوعی در آن فعالیتها تمرکز کند. در مورد آنها اطلاعاتی را برای عموم فراهم کند، و ح‌ک‌چ اهریمنی را افشا کند. البته، یک چیز هست که شما باید در مورد آن روشن باشید. هدف موجودیت شما برای کوششهای حقوق آزادی نیست، برعکس، تلاشهای حقوق آزادی برای همیاری کردن مریدان دافا در اعتبار بخشی به فا رخ داده‌اند. (تسویق) شما لازم است آنچه را که برایتان مقدم‌ترین است بدانید و حفظ کنید! اگر شما بلیطهای گالا را رواج می‌دهید، آن البته به منظور کمک کردن به آنها است تا درباره‌ی دافا و مریدان دافا بدانند. (معلم می‌خندد)

*مرید می‌پرسد: ما فکری داریم. ما در حال فکر کردن درباره‌ی ساختن مستندات درمورد دوره معاصر چین و تاریخ اخیر چین هستیم که بتواند عمومی شود، و ما این کار را می‌کنیم تا افکار اشتباه مردم را درباره‌ی تاریخ اصلاح کنیم.*

**معلم:** بله، در مورد آن چیزها می‌دانم. می‌توانید بروید و آنها را انجام دهید.



ندارد آن را قبول کنید، و شما می‌توانید آنرا در جایی که بیش از همه احتیاج است و جایی که کمبود مالی وجود دارد، بکار ببرید. همین. من به شما نصیحت نمی‌کنم آنرا انجام دهید، اما اگر کسی واقعا اصرار بر دادن اهدایی را دارد، آنوقت بعضی اوقات اگر آنرا نپذیرید آنها ممکن است آنرا غریب بیابند. در این مورد، آنرا قبول کنید. بعضی اوقات فقط وقتی می‌توانید مردم را نجات دهید که کارهایی که انجام می‌دهید برای آنها قابل درک باشد. پس اگر واقعا با موقعیتی مثل این روبرو شدید، آنوقت فقط [اهدایی را] بپذیرید.

بهر حال، مواظب باشید که پشتوانه‌های مالی بطور نامناسبی اداره نشود. می‌دانم که ما مشکلاتی در ارتباط با اداره کردن پشتوانه‌های مالی برای بعضی از پروژه‌ها در بعضی مناطق داشته‌ایم. اگر چه، نمی‌خواهم وارد جزئیات آن شوم. اگر در این مورد مشکلی در شما وجود داشته باشد، در نظر من چنین می‌نماید که شما دیگر نمی‌خواهید تزکیه کنید. تمامی خدایان شما را تماشا می‌کنند. اگر تزکیه کننده‌ای این اشکال را داشته باشد، واقعا مورد جدی است.

*مرید می‌پرسد: ما چگونه باید بطور درستی رابطه بین تلاشهای مردم برای حقوق آزادی بمنظور پایان دادن به شکنجه و آزار را و تشویق کردن مردم برای ترک و کناره‌گیری از سه سازمان را اداره کنیم؟*

**معلم:** (با ترغیب به) ترک و کناره‌گیری از "سه سازمان"، شما در حال نجات دادن مردم، موجودات ذی‌شعور، و مردم سرزمین چین هستید. این موضوعی مربوط به خارج از سرزمین چین نیست. همانطور که گفته‌ام، وقتی که تمامی بلوک شرق کمونیست پلید فرو باشید، مردم آنجا آنچه را که باید انجام دهند، انجام دادند- آنها باعث فروپاشی‌اش شدند. مردم در سرزمین چین هنوز باید این عمل را انجام دهند، بنابراین برای آنکه آنها خودشان را پاک کنند باید خودشان را از سازمان‌های پلید ح‌ک‌چ اهریمنی جدا کنند.

همانطور که پیشتر گفتم، اقدامات حقوق آزادی، امور مردم عادی است، و فالون گونگ قطعاً یک گروه سیاسی نیست. باید این را در ذهن‌تان به روشنی حفظ کنید: خواه این‌ها، افرادی از سرزمین چین باشند که به سمت خوب تغییر جهت داده‌اند، یا آنهایی که قدم به جلو گذاشتند و برای فالون گونگ بی‌پرده سخن گفتند، این بدین دلیل است که خدایان برای آنها همیاری کردن با مریدان دافا را برنامه‌ریزی کرده‌اند، و مسلماً این طور نیست که مریدان دافا قرار است آنها را همیاری کنند. برای رسانه‌های ما هیچ اشکالی ندارد که پوشش بیشتری به آنها بدهند و علاقه‌شان را به آنها نشان دهند. اما شما نباید اولویت‌هایتان را عوضی بگیرید، و نباید در آنچه باید و نباید انجام دهید نیز سردرگم باشید. شما باید در مورد این چیزها روشن و آگاه باشید! ما یک گروه سیاسی مردم عادی نیستیم، پس شما نمی‌توانید خودتان را کاملاً وقف آن چیزها کنید. اما می‌توانید از رسانه‌هایتان برای گزارش در مورد آنها و افشا کردن شکنجه و آزار استفاده کنید. البته، بعضی از افراد مستقیماً شکنجه و آزار شده‌اند زیرا قدم جلو گذاشته‌اند و بی‌پرده برای فالون گونگ حرف زده‌اند. در این مورد می‌توانید توجه بیشتری به آن بکنید و آن وقایع را بیشتر پوشش دهید، مخصوصاً، باید حواستان به امنیت آنها باشد. هیچ اشکالی در انجام دادن آن چیزها نیست. نکته‌ی کلیدی این است که باید روشن و آگاه باشید- حالا به دقت گوش کنید- که برای شما اشکالی ندارد به آنها در انجام دادن چیزهای معینی کمک کنید، اما باید روشن باشید که آن چیزها اتفاق افتاده‌اند به قصد همیاری کردن با شما، و برای شما تزکیه و نجات موجودات ذی‌شعور اولین و مهمترین چیز است. (تشویق)

*مرید می‌پرسد: آیا فرمول‌های پنج تمرین می‌تواند به زبان‌های دیگر ترجمه شوند؟*

**معلم:** اوایل وقتی که روی ترجمه‌ی انگلیسی کار می‌کردند، گفتم که فرمول‌های اصلاح- فا نباید ترجمه شوند. پس چرا نمی‌باید ترجمه می‌شدند؟ فرمول‌های اصلاح- فا به صوت در عالم، به عوامل بسیار در عالم، و به پیام‌ها در کیهان وصل هستند. تنها با شمرده تلفظ کردن و فعال کردن آنها، اثر عظیمی تولید می‌شود که از همکاری دسته‌جمعی کیهانی فراهم می‌شود. اگر صدا و صوت عوض شود آنها آن اثر را نخواهند داشت. خدایان آنها را درک می‌کنند. آنها آنچه را که در حال شمرده تلفظ کردن هستند می‌دانند حتی وقتی که صدایی تولید نمی‌کنید و فقط به آن فکر می‌کنید.

اگر بخواهید اثر مستقیمی داشته باشد، بهر حال، اثر نخواهد کرد، [مگر آنکه صوت درست را تولید کند]. به همین دلیل است که چرا به شما گفته‌ام آنها را ترجمه نکنید.

در واقع، همانطور که بارها گفته‌ام، فرهنگ چینی، فرهنگی است که خدایان آنرا به انسان‌ها منتقل کرده‌اند. یک فرهنگ نیمه‌خدایی است. به همین خاطر است که چرا عناصر بسیاری از آن فرهنگ، محتوای با ارزش و مهمی دارد. از سوی دیگر، زبان‌ها و دست‌خط‌های گروه‌های قومی دیگر، در آسمان‌ها وجود ندارند. اما الفبای چینی، بسیار شبیه آنچه در آسمان‌ها است می‌باشند. شکلی که نوشته می‌شوند مثل همانی است که در آسمان‌ها است، اما ترکیب علائم متفاوت هستند. شکل‌های نوشتاری گروه‌های زبان‌های قومی دیگر، در آسمان‌ها حضور ندارند. وقتی که افرادی می‌بینند خدایان آسمانی چیزهای معینی را با نوشتن چیزی برای انسان‌ها با استفاده از زبان‌های گروه‌های قومی معین، به آنها نشان می‌دهند، در حقیقت این حالتی است که خدایان برای انسان‌ها چیزهایی را به کلماتی که قادرند درک کنند تغییر شکل می‌دهند، هم‌اشار همین است. فرهنگ چینی درحالی که یک فرهنگ نیمه‌خدایی است، نه کاملاً الهی است و نه کاملاً غیرالهی - به این گونه است.

مرید می‌پرسد: شغل‌هایی که مریدان دافا انجام نمی‌دهند [در آینده] وجود نخواهد داشت، مگر نه؟ (حضار می‌خندند) بطور مثال مثل جاسوس بودن؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** درست است، همانطور که قبلاً گفته‌ام، جاسوسان در آینده وجود نخواهند داشت - آینده آنها لغو شده است. (تسویق) در مورد اینکه آیا شغل‌های دیگر وجود خواهند داشت، تا آنجا که من می‌دانم بنظر می‌رسد که مریدان دافا در واقع در تمام مشاغل هستند. می‌دانم که مریدانی در سطح رئیس جمهوری وجود دارند، و مریدانی در مقام‌های بسیار بالای اجتماعی وجود دارد، فقط این‌طور است که آنها بطور متفاوتی کارها را انجام می‌دهند. مریدان دافا در سرزمین چین در تمام اصناف و تخصص‌ها هستند، در هر شغلی افراد وجود دارند که در دافا در حال تزکیه کردن هستند.

مرید می‌پرسد: از آنجا که روح اهریمنی کمونیسیم در کمون پاریس ظاهر شد، آیا هنوز ریشه‌اش را در آنجا دارد؟ آیا هنوز بطور مشخص در پاریس و فرانسه وجود دارد؟ و چه تأثیری هم‌اکنون دارد؟

**معلم:** ریشه‌اش در آنجا نیست، ریشه‌اش در چین بود، اما هم‌اکنون از ریشه کنده شده است. تمامی روح پلید حزب پست و فاسد، کل اژدهای سرخ پلید، هم‌اکنون خرد شده است. و عواملی را که زمانی طولانی در ذهن مردم و در هر فضای فرهنگی پایه گذاشته است - تمام آن چیزها نیز درحال ازبین برده شدن هستند. درخصوص [تأثیر آن بر] دیگر کشورها، بسیار خوب، هیچ تأثیر مستقیمی بر کشورهای که توسط آن حزب فاسد [اداره نمی‌شوند] ندارد.

مرید می‌پرسد: ممکن است برای ما درباره‌ی نقش وب‌سایت مینگهویی، و مخصوصاً نقش هم‌تاهایش به زبان‌های گوناگون دیگر بیشتر صحبت کنید؟

**معلم:** مشخصه‌ی اصلی مینگهویی این است که اساساً در مورد حقایق شکنجه و آزار مریدان دافا در سرزمین چین گزارش می‌دهد. آن گزارشات اطلاعات دست‌اولی هستند که اهریمن را برملا می‌کند، و بیش از ۹۹ درصد - یا حتی تا صد در صد از اطلاعات گزارش شده دقیق هستند. آن از دیگر رسانه‌های متداول، مجزا است. شما می‌توانید واقعیت‌هایی را که [گزارش می‌دهد] به زبان‌های گوناگون ترجمه کنید و آنها را به اینترنت بفرستید. اگر شما توانایی و منابع را دارید، می‌توانید آن کار را بکنید، و شما می‌توانید وب‌سایت‌های مینگهویی چند زبانه‌ای را بوجود آورید که تمام مردم دنیا بتوانند محتوای هر روزه‌ی روی مینگهویی را ببینند.

مرید می‌پرسد: آیا برای نیروهای کهن این امکان وجود دارد که موجودات منفی را در روح‌های کمکی مریدان دافا بکارند؟



**معلم:** درباره‌ی این چیزها زیاد فکر نکنید. (حضار می‌خندند) این حقیقت دارد که نیروهای کهن از هر فرصتی که بدست آورده‌اند، استفاده کرده‌اند. آنها حتی نسبت به مریدان دافایی که من واقعاً در تاریخ هدایت و راهنمایی کردم کارهای بدی انجام داده‌اند. در هر حال، تا آنجائی که مریدان دافا بتوانند ملزومات برای اعتبار بخشیدن به فا و ملزومات دافا را پیروی کنند، هیچ مشکلی وجود نخواهد داشت.

مرید می‌پرسد: اگر امکان دارد، برای مریدان دافا درست است که با هم در اطراف آن تمرین کننده افکار درست بفرستند برای اینکه کاملاً آن چیزها را رد کنند و از بین ببرند؟

**معلم:** این چیزی است که شما در حال حاضر وقتی افکار درست می‌فرستید و خودتان را از عوامل بد پاک می‌کنید، در خود دارد. شما از خیلی وقت پیش انجام آنرا شروع کردید.

مرید می‌پرسد: ممکن است استاد درباره‌ی تأثیری که مکانیزم‌هایی که توسط صفحه‌ی شماره‌گیر نیروهای کهن جا داده شده‌اند، بر تلاش‌های مریدان دافا در نجات موجودات ذی‌شعور دارد صحبت کنید؟

**معلم:** در هر بُعدی صفحه‌ی شماره‌گیر وجود دارد، و صفحات شماره‌گیر در واقع یک تجلی فای کیهان گذشته هستند. آنها از جهان بینی کوچک تا جهان بزرگتر رسوخ می‌کنند، یعنی، این صفحات شماره‌گیر از بُعدهایی که از ذرات میکروسکوپی تشکیل شده‌اند تا آنهایی که از بزرگترین ذرات که در لایه‌ی سطحی هستند تشکیل شده‌اند، رسوخ می‌کنند. و آنها یک محور دارند. این تجلی فای کیهان گذشته است. در آینده این‌گونه خواهد بود. (معلم لبخند می‌زند) این دلیل آن است که چرا می‌توانم درباره‌ی آن به موجودات ذی‌شعور بگویم. اما آنها یک صفحه‌ی شماره‌گیر خاص برای اصلاح- فا ساختند، و در هر بُعدی آنها چیزهای نهانی معینی را انجام داده‌اند. آنها حتی مردم دنیا را درگیر کرده‌اند، و یک چنین صفحه شماره‌گیر را در بدن‌های انسان‌ها کاشتند. این دلیل آن است که چرا وقتی [صفحه‌ی شماره‌گیر] حرکت می‌کند، جابجایی و تغییر وضعیت امور برای انسان‌ها بر روی زمین اتفاق می‌افتد. دقیقاً به این خاطر که آن چیزها دست بکارند. در دوره‌ی اصلاح- فا آن چیزها همگی در روند از بین بردن هستند، پس آنها دیگر یک نقش قطعی را ایفا نمی‌کنند.

مرید می‌پرسد: چگونه بلوغ حاصل شده از روند آبدیده شدن مریدان دافا به عنوان یک کل، به پایان اصلاح- فا مربوط می‌شود؟

**معلم:** شکلی که هم‌اکنون امور به نظر می‌رسند، این است که آنها ظاهراً اساساً به صورت موازی در حال پیشرفت کردن می‌باشند.

مرید می‌پرسد: اگر ماموران مخفی شرور به خانه‌ی ما بریزند، آیا می‌توانیم از خودمان دفاع کنیم؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** بله، درست است که از خودتان دفاع کنید. اگرچه، در حقیقت، وقتی شما افکار درست قوی دارید، می‌توانید آنها را بی‌حرکت کنید. (تشویق) اما اگر، یک تزکیه‌کننده باشید، و در عوض ذهن‌تان ناخالص و بدون افکار درست باشد و در درون بترسید، آن وقت شما قادر به رخ دادن آن نخواهید شد.

مرید می‌پرسد: چگونه گروه مارش سرزمین الهی، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد؟ ممکن است درباره‌ی آن مقداری راهنمایی کنید؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** چون شما علاقمند هستید درباره‌ی آن به شما می‌گویم. (تشویق) می‌دانید، وقتی گروه موسیقی در رژه‌ها در منطقه‌ی چینی نیویورک و در مناطق پر رفت و آمد نیویورک شرکت کرد، در هر دو موقع این صحنه را دیدم: وقتی که گروه در حال نواختن بود، انرژی که منتشر می‌کردند بسیار عظیم بود. خواه انرژی باشد که منتشر می‌کردید، آهنگهایی که ساختید، یا موسیقی و خودنت‌ها، همگی تأثیر اعتبار بخشی به فا و به بیرون فرستادن انرژی را داشت.

آن روز در راهپیمایی منطقه‌ی چینی، در هر بُعدی از آسمان‌ها، خدایان بیشمار - خدایانی که آسمان را پر می‌کنند - به طبل‌های نظامی می‌زدند. و سربازان و ژنرال‌های آسمانی بسیار، بسیاری به جلو حرکت می‌کردند. و همین‌طور که میدان دافا دستگاه‌های بادی را می‌نواختند، انرژی که منتشر می‌شد بسیار قدرتمند بود. شما در فیلم‌ها دیده‌اید که موج‌های انفجاری که از انفجار بمب اتمی تولید می‌شوند چقدر بزرگ هستند، مگر نه؟ خوب، [انرژی منتشر شده] حتی از آن قدرتمندتر بود. (تشویق) این بدین دلیل است که اجزاء ترکیب‌کننده‌ی انرژی منتشر شده توسط میدان دافا بزرگتر از اتم‌ها بود و ذرات در هر سطح آن، همگی بسیار قدرتمند بودند. به کلامی دیگر، هر دفعه، هر کجا که صدا تولید می‌شد منطقه‌ی وسیعی در نوری روشن، پوشیده می‌شد. مدت زمانی برای انفجار یک بمب اتمی طول می‌کشد که تمام شود، و آنوقت موج‌های انفجار یک طوفان گرد و غبار عظیم تولید می‌کند، مگر نه؟ و منطقه فقط بعد از آنکه طوفان فرو نشیند صاف و پاک می‌شود. [در مورد ما،] منطقه بلافاصله تمیز شد. و آنوقت بسیار دورتر از نورهای درخشان، مقدار عظیمی از دود و گرد و غبار ناشی از انفجار وجود داشت، و همان‌طور که موسیقی به نواختن ادامه می‌داد نورهای درخشان، به سرعت شدیدتر می‌شد. به سرعت دوباره منطقه پاکیزه می‌شد، و دود و غبار بطور پیوسته در فاصله‌ی دور بالا می‌رفت. هر کجا که نورهای درخشان رسیدند، آنجا تمیز شد.

این دلیل آن است که چرا وقتی گروه موسیقی هنگام راهپیمایی به انتهای خیابان‌ها می‌رسید، بسیاری از مردم که درحال تماشا بودند - و من در حال تماشا کردن ذهن آن مردم عادی بودم - آنها اساساً بی‌حس و کرخت بودند. (حضار می‌خندند) و مردم چینی به‌طور بی‌بیان، فقط در حال تماشا کردن بودند. ذهن‌شان خالی بود. "چه خبر است"، [آنها متحیر بودند]. تمام افکار بد آنها پاک شده بود، بعد از آن آنها دوباره شروع کردند به فکر کردن (تشویق) و گفتند "اوه، فالون گونگ بسیار عالی است!" (حضار می‌خندند). بعضی از افراد گفتند "اوه، چگونه فالون گونگ به یکباره یک چنین موسیقی بزرگی را در امریکا سر و سامان داد؟" (حضار می‌خندند) حتی برای امریکا گروه موسیقی بزرگی در نظر گرفته شد. [مردم احساس کردند که،] یک دفعه بسیاری افراد پیدا شدند، تمام این دستگاه‌های بادی را می‌نوازند! و تعجب‌آورتر اینکه گروه موسیقی اغلب از قیافه‌های چینی تشکیل شده بود. تعداد کمی از میدان غربی دافا وجود داشتند، بنابراین بیشتر چهره‌ها چینی بودند. پس مردم چینی در منطقه‌ی چینی نشین بعد از آنکه آنها را دیدند، همگی درباره‌ی آن درحال فکر کردن بودند، و آنها حقیقتاً حس کردند که [گروه موسیقی] باعث شده بود مردم چینی خوب بنظر آیند. (حضار می‌خندند) یعنی، چیزهای مخالفت‌آمیز در ذهن‌شان از بین رفته بودند. افکاری که نقش منفی ایفا می‌کرد رفته بودند. [گروه موسیقی] واقعاً چنین تأثیری داشت. این درباره‌ی [ناظران] چینی است. برای غربی‌ها هم منظر کاملاً غیر معمولی بود - آنها قبلاً هیچوقت چیزی شبیه آنرا ندیده بودند. [آنها احساس کردند] یک دفعه یک چنین گروه موسیقی بزرگی ظاهر شد، با این همه صورت‌های چینی! بسیاری از مردم کف می‌زدند و فریاد می‌کشیدند، "دوباره!" پس تأثیر بسیار خوب و عالی بوده است.

البته، گروه موسیقی، میدان دافایی از گروه‌های قومی دیگر را نیز دارد، و آنها، نیز، فوق‌العاده‌اند، زیرا میدان دافا یک بدن هستند. وقتی شاگردانی که بخشی از گروه موسیقی بودند درحال نواختن بودند، آنها خودشان هم به‌واقع تحت تأثیر قرار گرفته بودند. آنها احساس کردند واقعاً مقدس بود.

مرید می‌پرسد: آیا جشن [سال نو] سال بعد می‌تواند بین‌المللی سفر کند؟

**معلم:** امور سال آینده به موقعیت و وضعیت بستگی خواهد داشت. اگر منابع مالی ما زیاد نباشد، قابل انجام نیست. شما می‌دانید، مسافرت برای یک صد نفر با تعداد بسیاری زیادی از افراد بسیار گران است.

مرید می‌پرسد: تحت تأثیر حک‌چ بودن، بعضی از مقامات دولتی در جامعه‌ی غربی بسیار بد و ضعیف عمل کرده‌اند. وقتی که به آنها آشکارسازی حقایق می‌کنیم، آیا می‌توانیم به آنها بگوییم که آنها بیشتر مثل مقامات حک‌چ عمل می‌کنند تا مثل مقاماتی از یک کشور دموکراتیک؟

**معلم:** مطمئناً آن اشکالی ندارد. بسیار مشکل است گفته شود که روح اهریمنی ح کچ پست ممکن است چه کسی را کنترل کند. می‌تواند مقامی غربی باشد یا یک مقام چینی. هرگاه طرز فکر شخصی موافق آن باشد، او را کنترل خواهد کرد.

مرید می‌پرسد: آیا ما باید باور کنیم که فا به ما خرد و بصیرت خواهد داد؟ آیا کلاس‌های معمولی رفتن فایده دارد؟ اخیراً در پروژه نوشتنم با مقداری مشکلات روبرو شدم. نمی‌دانم که آیا لازم دارم که فنون نوشتاریم را تقویت کنم یا اینکه دلایل دیگری وجود دارد.

**معلم:** اگر آنچه که در حال آفریدن هستید در مسیر درستی است، مشکلات کمی وجود خواهد داشت. اگر در راه درستی نباشد، مشکلات بیشتری وجود خواهد داشت. یا، وقتی مشکلی در درک شما از مسئله‌ای است، بیشتر مشکلات وجود خواهد داشت، و وقتی درک‌تان مشکلی ندارد، مشکلات کمتر خواهد شد. این مسلم است. مریدان دافا معجزات بسیاری فراهم کرده‌اند. شما می‌توانید بروید و چیزهای معینی را یاد بگیرید. البته، این عیبی ندارد. اما اگر در نظر دارید که زمان زیادی را صرف کنید - مثلاً، ماه‌ها و سال‌ها - تا چیزی را یاد بگیرید و آنوقت برگردید و به فا اعتبار بخشید، آنوقت می‌گوییم امور تا آن موقع تمام شده‌اند. (حضار می‌خندند) و شما آنرا بیهوده یاد گرفته‌اید. این دلیل آن است که چرا وقتی به موضوعات معینی می‌رسد، می‌گوییم که شما باید در مورد امور بیشتر فکر کنید و خودتان امور را سبک و سنگین کنید. بعنوان یک مرید دافا، درباره‌ی این چیزها باید مثل یک تزکیه‌کننده فکر کنید.

مرید می‌پرسد: آیا نه شرح و تفسیر برای مردم ویتنام مهم است؟ آیا ویتنامی‌ها لازم است از حزب کمونیست کناره‌گیرند؟

**معلم:** خواه ویتنام، کوبا یا کره شمالی باشد - وقتی رژیم کمونیستی چین سقوط کند، آنها هم سقوط می‌کنند. هستی آنها برای این برنامه‌ریزی شد تا کمی روحیه ح کچ را پر و بال دهند. اگر ح کچ به واقع خودش به تنهایی مانده بود، آن افراد [ح کچ] آنقدر قادر نبودند سرشان را در برابر دنیا بالا بگیرند. حقیقت امر این است که، این برنامه‌ی نیروهای کهن است. آنچه مریدان دافا به آن اهمیت می‌دهند تزکیه‌ی خودشان است، به این خاطر که ح کچ پست شکنجه و آزار فالون گونگ را شروع کرد، است که مریدان دافا در پاسخ به شکنجه و آزار ح کچ پست، در حال برملا کردن او و از کار انداختن دستگاه شکنجه و آزارش بوده‌اند. ریشه در چین است. وقتی که عوامل ح کچ از بین می‌رود، تمامی سایرین دیگر نابود خواهند شد. هیچ لزومی ندارد که کار خاصی درباره‌ی آنها انجام دهید. اگر چه آنها همگی جوامعی هستند که زیر سلطه‌ی حکومت حزب پست هستند، اما هیچ شکنجه و آزار مریدان دافا در آنجا رخ نداده است. بنابراین لازم نیست که آنها را مقدم بشمارید. در آینده، وقتی که ح کچ فرو می‌پاشد، همه‌ی آنها فرو خواهند پاشید و کارشان به پایان می‌رسد. پس همین الان با آنها کاری نداریم.

مرید می‌پرسد: بسیاری از مریدان دافا چیزهای هنری بسیار عالی را آفریده‌اند مثل موسیقی، شعرها و آوازها. آیا می‌توانیم بعد از کمی رنگ و جلا دادن هنری به آنها، آنها را به عموم معرفی کنیم؟

**معلم:** البته فکر خوبی است. اگر همه‌ی مردم شروع کنند به خواندن آوازها یا موسیقی ما، آیا آن عالی نخواهد بود؟ اگر افراد زیادی در سراسر دنیا، به اضافه‌ی مردم در سرزمین چین، همگی بلوزی با نوشته‌ی "فالون دافا عالی است" را می‌پوشیدند، می‌توانم بگویم که ح کچ پست واقعا گیج می‌شد که چکار بکند. (حضار می‌خندند) بعضی از افراد نوشتن "فالون دافا عالی است" یا "کنار کشیدن از حزب" را روی اسکناس پیشنهاد کرده‌اند. (حضار می‌خندند) فکر می‌کنم که این ایده عالی است. (تشویق) شما نمی‌توانید پول را دور بیندازید، و نمی‌توانید آن را از بین ببرید. (حضار می‌خندند).

مرید می‌پرسد: تمام مریدان دافا در منطقه‌ی های‌دی‌آن در پکن بر استاد درود می‌فرستند. استاد ما دلمان برای شما بسیار تنگ شده است (معلم: متشکرم) (تشویق) استاد لطفاً مطمئن باشید، که ما قطعاً سه کار را بخوبی انجام خواهیم داد و موافق انتظار استاد بزرگوار رفتار خواهیم کرد! (معلم: شما را باور می‌کنم) (تشویق).

**معلم:** اگر آن چند سال پیش گفته شده بود، احساس می‌کردم که شاگردان سعی دارند مرا دل خوش کنند. (معلم لبخند می‌زند) اکنون احساس می‌کنم که آن حقیقتی است، و باورش می‌کنم.

مرید می‌پرسد: چطور می‌توانیم بطور موثری همجنس‌بازها را نجات دهیم؟

**معلم:** آنها موجودات ذی‌شعور هستند، پس آنها را درست مثل دیگر موجودات ذی‌شعور معمولی، نجات دهید. اگر می‌توانید نجات‌شان دهید و مثل بقیه با آنها رفتار کنید. هر چه بیشتر آنها را بعنوان گروه خاصی در نظر بگیرید، کمتر قادر خواهید بود آنها را نجات دهید. درست همانطور که هر فرد دیگری را نجات می‌دهید آنها را نجات دهید. نجات‌شان دهید اگر می‌توانید. اگر نمی‌توانید، پس نمی‌توانید.

مرید می‌پرسد: در ویدئوی قبلی معرفی تمرین‌ها، صحنه‌ای هست که استاد در دانشگاه امنیت عمومی [مردم چین] با پرچم حزب اهریمنی که در پس صحنه است در حال آموزش دادن هستند. آیا آن را به شکلی باید پاک کنیم؟ یا آن را به‌عنوان سند تاریخی نگه داریم؟

**معلم:** اشکالی ندارد که آنرا پاک کنید. [آنجا بود] برای اینکه در آن زمان واقعاً نمی‌خواستیم ح‌ک‌چ را به‌عنوان پلیدترین چیز در نظر بگیریم و نابودش کنیم، همان‌طور که به تمام موجودات فرصتی داده می‌شود. به این خاطر که ح‌ک‌چ پست فالون گونگ را شکنجه و آزار داد، است که در رابطه با تمام موجودات در کیهان، یک شیطان پلید شد. و این دلیل آن است که چرا لازم می‌شود از بین برده و پاک شود- این انتخاب خودشان است.

مرید می‌پرسد: آیا باید مریدان در مناطق دیگر همانطور که در شهر نیویورک انجام داده‌اند، منطقه‌ی چینی سان‌فرانسیسکو را حمایت کنند؟

**معلم:** فکر می‌کنم اگر یک مرید توانایی دارد و موقعیت و وضعیت درستی دارد باید برای کمک برود. من این را با تمرین‌کنندگان مسئول در سان‌فرانسیسکو صحبت کرده‌ام.

مرید می‌پرسد: کسی فا را کسب کرد و از حزب کنار کشید، اما از ترس به دافا بی‌اعتنا بود و حالا درگذشته است. آیا افرادی مثل این هنوز آینده‌ای دارند؟

**معلم:** این به شرایط خاص مربوط می‌شود. برای یک مرید دافا، از حزب کنار کشیدن مهمترین چیز نیست، برعکس، نجات دادن موجودات ذی‌شعور و اینکه باعث شود موجودات ذی‌شعور از حزب کنار بکشند مهمترین است. اما راجع به اینکه کسی مثل این هنوز آینده‌ای دارد، خوب، این واقعیت که او فا را بدست آورد ولی فا را اعتبار نبخشید، مهمترین چیز در نظر گرفته می‌شود.

مرید می‌پرسد: هر کسی که امسال جشن [سال نو] را دید، گفت که خوب بود. می‌توانیم از مریدان در چین بخواهیم آنرا بطور وسیعی پخش کنند، و بر قلب و روح تعداد زیادی از موجودات ذی‌شعور به این شیوه تأثیر گذاشت؟  
**معلم:** بله، می‌توانید آن کار را بکنید.

مرید می‌پرسد: استاد، شما گفته‌اید که هشتاد درصد چیزهایی که در زمان ماقبل تاریخ تصمیم گرفته شد توسط نیروهای کهن خرابکاری شده است. آیا این به اینکه چقدر عالم آینده فوق‌العاده عالی، در هماهنگی، و برای همیشه خدشه‌ناپذیر باشد- همانطور که در ابتدا قرار بود- تأثیر خواهد گذاشت؟

**معلم:** آنچه آنها از بین برده‌اند فقط چیزهایی بود که طرح‌ریزی شده بود. آنها نمی‌توانند ببینند که کیهان جدید چه شکلی است، حتی اگر بخواهند. علاوه بر این، بعد از آنکه یک مرید دافا تزکیه‌اش را به پایان رساند و یک خدا یا بودا شد، وقتی بخواهد یک جهان متعلق به خودش را بیافریند، آن را می‌تواند فقط با یک فکر انجام دهد، زیرا فای او دیگر بنا شده است. پس، هیچکدام از [چیزهایی که شما مطرح کردید] مسئله نیست، و تمام آنها چیزهای ناچیزی است. اما راجع به اینکه آنها چه مقدار را نابود کرده‌اند و چه مقدار از دست رفته است، همگی به این بستگی دارد که آیا چیزی خواسته شود. هر آنچه خواسته شود می‌تواند شکل گیرد، حتی تا حدی که کاملاً به حالت نخست برگردانده شود بدون یک ذره تفاوت.

مرید می‌پرسد: در حدود شش ماه پیش تعدادی از مریدان، پروژه‌ای را شروع کردند. اما به دلیل اینکه فرد (افراد) که مسئول بودند، حسادت‌شان را از بین نبرده بودند، مزاحمت سر بر آورد و برای سایر مریدانی که درگیر بودند باعث سختی و ناراحتی زیادی شد تا بتوانیم راه‌مان را ببیمیم. در طی انجام کارها، مسیرها و تاکتیک‌هایی که بکار گرفته شد بسیار بد بوده‌اند، و آنها آغشته به فرهنگ حزب بودند. همچنین، بیشتر [اعضای تیم] همیشه به فرد (افراد) مسئول و انجمن دافا متکی بودند، بنابراین، آن واقعیت باعث شد که آنها بدترین عدم‌درک را از بقیه‌ی ما داشته باشند. در آن زمان خیلی از چیزها را توضیح ندادم، چون بنا بر درکی که در آن زمان داشتم، نه تنها من نبودم که باید تزکیه می‌کرد، بلکه هم تزکیه‌کنندگان من نیز باید تزکیه می‌کردند. اما متوجه نشدم که اهریمن داشت بر سر زمان با ما مسابقه می‌گذاشت. تمامی این چیزها به این معضلی که الان داریم ختم شد و نمی‌دانم چه کار کنم.

**معلم:** شما باید بیشتر نگاه کنید، ببینید که آیا فکر خودتان درست است یا نه. در کشمکش، هر چه طرف مقابل رفتار ناخوشایندتری با شما داشته باشد، برای شما آسان‌تر است که فکر کنید که او در اشتباه است - "او مسلماً در اشتباه است". تزکیه چیز بسیار پیچیده‌ای است، و از شر وابستگی‌ها و تمایلات بشری رها شدن، سخت‌ترین است. سعی کن درونت را بیشتر نگاه کنی، و سعی کن وابستگی‌های خودت را پیدا کنی. هر کسی باید خودش را بررسی کند و سعی کنی با یکدیگر بخوبی کار کنی. این مهمترین چیز است.

مطرح کردن بعضی پیشنهادات در موارد مشخص و معین اشکالی ندارد. اما باید در نظر بگیرید که آیا نکته‌ای که دوست دارید مطرح کنید به موقعیت و وضعیت وسیع‌تر می‌خورد یا نه. شخص مسئول هم، چالش‌های خود را دارد. وقتی شما به جای او نیستید، امور را از دیدگاه او نمی‌نگرید. بسیاری از تمرین‌کنندگان ما مستقیماً از دنیای درس و تحصیل آمده‌اند و هرگز هیچ کار مدیریتی انجام نداده‌اند؛ آنها کمبود چنین تجربه‌ای دارند. بنابراین جلو بردن و راندن پروژه برای آنها یک امتحان است. از این گذشته، نامه‌های تعدادی از شاگردان را که برای من نوشته‌اند، خوانده‌ام. اگر چه نامه از مشکلات و اشکالات افراد دیگر می‌گفت، بین خطوط، آنچه می‌فهماند قصور و کوتاهی‌های تزکیه‌ی خود نویسنده بود. بعضی از آنها هنوز وابستگی‌های بسیار شدید داشتند، تعدادی حتی کاملاً افراطی، و بعضی با طرز فکر بشری حرف می‌زدند، خشم و غیظشان را خالی می‌کردند. هماهنگ‌کنندگان باید به پیشنهادات معتبر گوش بدهند، و آنهایی که مسئول نیستند باید در مورد انجام امور بخوبی همکاری کنند. شما درحال تزکیه کردن هستید، نه اینکه مقداری کار انجام می‌دهید بخاطر اینکه انجام داده باشید.

البته، شما هنوز باید نظرات‌تان را بیان کنید یا به هر مشکلی که می‌بینید، اشاره کنید وقتی آن کار درستی است که بکنید. اما باید در هر کاری که انجام می‌دهید مثل یک مرید دافا رفتار کنید. شما هماهنگ‌کنندگان یک پروژه، وقتی [انتقاد یا نظرات متفاوت] می‌شنوید، مثل بقیه، باید خودتان را امتحان کنید، و خودتان را باید بخوبی تزکیه کنید، درست مثل بقیه که انجام می‌دهند. فقط آن وقت است که چیزهایی که انجام می‌دهید محترم و مقدس خواهد بود.

مرید می‌پرسد: مریدان دافا از شهرهای زیان و چنگ‌دو استان سی‌چوان، بی‌لی از منطقه‌ی مستقل شین‌جیانگ، شهر هاربین، شهر نان‌جینگ، شهر نان‌نینگ از استان گوانگ‌سی، شهرهای بی‌چانگ و هوانگ‌گنگ از استان هوبئی، شهر جیایوگوان از استان گان‌سو، لیوجیا از استان لیائونینگ، کایی آن از استان جی‌لین، شهر هانگ‌دو، استان شان‌سی، شهر

شائوگوان، شهر فوژو، شهر جی آن، آلاباما، هوستون، و سیاتل در ایالات متحده، مدرسه‌ی رقص فی‌تی‌آن، تورنتوی کانادا، سنگاپور، نیوزلند، ژاپن، و چی‌با از ژاپن، درودهای‌شان را برای استاد بزرگ و نیکخواه‌مان می‌فرستند!

**معلم:** از همه متشکرم! (تشویق) مریدان دافا در سرزمین چین و دیگران از جاهای دیگر، هم‌اکنون اساساً همگام در حال پیشرفت هستند. در گذشته فاصله‌ی مشخصی وجود داشت. مخصوصاً، چند سال قبل شکاف بسیار زیاد بود. اخیراً دیده‌ام که مریدان دافا در سرزمین چین بیشتر و بیشتر بالغ و ساخته شده‌اند. پس، از این نظر، مریدان دافا در خارج سرزمین چین - یعنی، مریدان دافا در دیگر مناطق دنیا و از ملیت‌های دیگر - اطمینان حاصل کنید که شما از مریدان دافا در سرزمین چین عقب نیفتید. (تشویق) باید سخت کار کنید!

مرید می‌پرسد: *استاد، فعالین دموکراسی در داخل و خارج چین از اعتصاب غذای شروع شده در سرزمین چین که برای فراخواندن حق‌شان است، در حال پشتیبانی کردن هستند. آیا مریدان دافا در سرزمین چین باید در آنها شرکت کنند که به این طریق آزادی عقیده مریدان دافا را پشتیبانی کنند؟*

**معلم:** همان‌طور که پیش‌تر گفتم، تزکیه و نجات دادن موجودات برای مریدان دافا قبل از هر چیز است - اینها چیزهایی است که آنها باید انجام دهند. تا آنجا که به چیزهایی که اشاره کرده‌اید واقع می‌شود، آنها در واقع بمنظور همیاری کردن مریدان دافاست. البته وقتی یک وکیلی که به نمایندگی از طرف مریدان دافایی که در حال شکنجه و آزار توسط حزب پست هستند، دادخواهی کرده است، ما باید پشتیبانی کنیم. این کاملاً درست است که با چیزهایی خاصی به آنها کمک کنیم، اما باید مواظب باشید که زیاده‌روی نکنید. شما یک گروه سیاسی نیستید. شما تزکیه‌کننده هستید.

مرید می‌پرسد: *بعضی از مریدان غربی دافا خودشان را کاملاً برای کار در زبان‌های غربی مجله‌ی اپک تایمز وقف کرده‌اند، تا جایی که حتی وقت ندارند که در فعالیت‌هایی که توسط مریدان دافا ترتیب داده شده یا در کنفرانس‌های فا شرکت کنند. بعضی از هم‌تمرین‌کنندگان چینی فکر می‌کنند مریدان غربی توسط وابسته بودن به انجام دادن کارها غرق شده‌اند. استاد، وقتی که ما نسبتاً تعداد بسیار زیادی از فعالیت‌های جاری مهم دافا را داریم، آیا می‌توانیم درباره‌ی کیفیت روزنامه زیاد سخت‌گیر نباشیم و به سرعت انجامش دهیم (حضرار می‌خندند)، که بنابراین بتوانیم در فعالیت‌های دیگر شرکت کنیم؟*

**معلم:** همه خندیدند. اگر کیفیت آن را تضمین نکنید، آیا هنوز می‌تواند نقش خوبی را در نجات موجودات ذی‌شعور ایفا کند؟ (حضرار می‌خندند) نمی‌توانید آن را انجام دهید. پس چکار باید کرد؟ در حال حاضر ما چالش‌هایی را داریم. اگر چه، چالش‌ها ممکن است موقتی باشند. ما کمبود منابع انسانی و مالی داریم، پس قطعی است که فقط تعداد بسیار کمی از مریدان دافا را داشته باشیم که در آن مشغول به کار باشند. استاد از این به خوبی باخبر است. در واقع، اوایل، اپک تایمز زبان چینی هم مثل این بود. اما همیشه این‌طور نخواهد بود. چیزهای معینی ممکن است در یک دوره‌ی زمانی بطور موقتی به تأخیر بیفتند، یا، شما می‌توانید با کمک کردن به یکدیگر راهی را برای حل کردن [چالش‌ها] پیدا کنید. وقتی به این امور خاص مربوط می‌شود، فکر می‌کنم باید آنها را با بحث و گفتگوی با یکدیگر حل کنید.

مرید می‌پرسد: *تمام مریدان دافا از لنگ‌فنگ استان هی‌بی به استاد درود می‌فرستند! مریدان به شدت دلتنگ استاد هستند!*

**معلم:** متشکرم! من از مریدان دافا در منطقه لنگ‌فنگ تشکر می‌کنم! (تشویق)

مرید می‌پرسد: *در سرزمین چین، تعدادی از مریدان مرتباً غیرقانونی زندانی شده‌اند و با زجر دادن شکنجه شده‌اند، اما محکم و کوشا باقی می‌مانند، درحالی که تعدادی دیگر از مریدان هنوز توانایی ندارند که قدم به جلو بگذارند از آنجایی*

که یا درباره‌ی شکنجه و آزار احساس ناتوانی می‌کنند یا به دنبال راحتی هستند. استاد، آیا مریدانی که بطور مرتب شکنجه و آزار شده‌اند برای مریدانی که نمی‌توانند قدم به جلو بگذارند در حال فداکاری کردن و تحمل کردن هستند؟  
**معلم:** خیر، این طور نیست. تزکیه‌ی شخصی، امر مربوط به خود فرد است. آنچه می‌توانید انجام دهید تا ببینید در خصوص افرادی که قدم پیش گذاشته‌اند وضعیت چگونه است و سعی کنید کمک‌شان کنید.

مرید می‌پرسد: ایستادگی و قدرت اراده، ذاتی و تقدیری هستند. قدرت اراده‌ی من ضعیف است. وقتی که دندان‌هایم را به هم فشار می‌دهم و تصمیم می‌گیریم که سخت تلاش کنم، می‌توانم برای چند روز خوب عمل کنم، ولی نه طولانی. بخاطر این بسیار احساس عجز می‌کنم، و نمی‌دانم اشکالم کجاست. بسیار تلاش کردم که فا را مطالعه کنم و فا را حفظ کنم، اما هیچ پیشرفتی ندیدم. آیا بخاطر این است که طرز فکر من درباره‌ی تقویت کردن اراده‌ام از طریق خواندن فا، یک شکلی از به دنبال چیزی بودن است، یا بخاطر این است که فا را به اندازه کافی مطالعه نکرده‌ام؟ اگر دلیل اصلی این است که من به خودم بها نمی‌دهم، آیا هنوز برای من امیدی هست؟

**معلم:** اگر این یک مرید دافا باشد که خودش را خیلی خوب تزکیه می‌کند و کسی باشد که ترتیبی می‌دهد که بطور منطقی درک کند دافا چیست، او قطعاً با تلاش نسبتاً زیادی روی آن کار می‌کند و وقتی به این می‌رسد، باز نمی‌ایستد. از طرف دیگر، آنهایی که کوشا نیستند نیز فا را مطالعه می‌کنند و می‌دانند که فا بسیار خوب است، اما ذهن‌شان در فا استوار نشده است و آنها افکار درست کافی و فراوانی ندارند. پس، طبیعتاً درک‌شان بالا نیست، آنها نمی‌توانند با ارزشی و گرانبها بودن فا را درک کنند. به همین خاطر است که آنها آنقدرها انگیزه و تحرک ندارند.

مرید می‌پرسد: آیا خوردن ماهی خام، کشتن است؟

**معلم:** خوردن ماهی که فرد دیگری کشته است، همین‌طور هم خوردن ماهی خام، به‌عنوان کشتن به حساب نمی‌آید. اما مردم در گذشته همگی این مطلب را می‌دانستند، تو برای هر آنچه می‌خوری، پرداخت خواهی کرد. برای افراد عادی قطعاً این‌طور است. هر آنچه شخص انجام دهد، باید برایش بپردازد. بنابراین قاتل در زندگی بعدی‌اش کشته خواهد شد یا به جهنم فرستاده می‌شود. اگر چه، این مسئله‌ای برای مریدان دافا نیست. مخصوصاً امروز، وقتی دافا در میان مردم عادی پخش می‌شود، از اموری مثل این باید مواظبت شود. به کلامی دیگر، تزکیه کردن مریدان دافا به سمت کمال اولین و مهم‌ترین چیز است، درحالی که اشتباهات و اعمال بدی که در مورد دیگران انجام داده‌اند و در گذشته باعث ظلم‌هایی شده‌اند، برای آنها با برگرداندن آن چیزها به عواملی که به آنها کمک می‌کند در دوره‌ی تزکیه به‌سوی کمال رشد کنند جبران می‌شوند و/ یا با رحمت‌هایی [به طلب‌کاران] جایگزین می‌شوند.

به شکل دیگری بگوییم، بدهی‌ها و ظلم‌هایی که بده کار هستید باید با برکت‌هایی بازپرداخت شوند و/ یا قطعاً [موجودات ضربه خورده] باید در طی تزکیه‌ی شخص به سمت کمال نجات داده شوند. استاد وقتی برای هر مرید دافا راه تزکیه را برنامه‌ریزی می‌کرد، آن را انجام داد، من [بازپرداخت] ظلم‌ها و چیزهایی مثل آن را برنامه‌ریزی و ترتیب داده‌ام، در آینده، وقتی در تزکیه به کمال می‌رسید و یک خدا می‌شوید، بعضی از آنها موجودات ذی‌شعور در بهشت شما خواهند شد. موجود ذی‌شعور در بهشت یک خدا، البته یک موجود الهی نیز می‌باشد. او - موجودی از یک قلمرو پائین - با یک حرکت به بهشت برده خواهد شد. وقتی یک موجود، گردش بازپیدایی را در قلمرو بشری طی می‌کند، او در حال بازپیدا شدن در میان سختی‌هاست هر چقدر هم که زندگی‌اش عالی باشد و هر چقدر هم خوشبخت باشد، قلمرو او بالاتر نمی‌رود. خوب - بلافاصله موجودی از یک سطح بالا شدن - همه این را می‌خواهند! قبلاً برای شما آیا یک داستان تزکیه را نگفتم؟ گفتم که راهب بودیستی بود که در معبد در حال وعظ کردن بود و دو پرنده را دید که لبه‌ی پنجره نشستند و نمی‌خواستند بروند. پس به آنها گفت، "اگر شما دو تا می‌خواهید به متون بودیستی گوش کنید، بروید بصورت انسان باز پیدا شوید و برگردید و گوش بدهید." آنگاه دو پرنده به ناگهان پرواز کردند، به یک تنه‌ی درخت در بیرون از معبد برخورد کردند و مردند. (استاد لبخند می‌زند) بیست سال بعد، دو مرد جوان آمدند و خواستند راهب

شوند. (استاد لبخند می‌زند) من فقط در حال مطرح کردن نکته هستم. وقتی موجودی می‌داند که می‌تواند به قلمرو بهشتی و خدایی برود، هیچ چیز با آن همپایی نمی‌کند و او ترجیح می‌دهد برایش بمیرد. وقتی قرار است در عوض ظلم‌ها و سختی‌های تان برکت‌هایی به آن عظمت دریافت کنید، مسلم است که شما به شوق خواهید آمد. برای شما به‌عنوان مریدان دافا، هر چیزی را که در گذشته بدهکار بودید از طریق اعطای برکات به موجودات ذی‌شعور، بازپرداخت خواهد شد. حالا بعضی از افراد ممکن است فکر کنند "خوب، پس، دیگر درباره‌ی اینکه چه عملی انجام می‌دهم، نگران نخواهم بود. حتی جرأت کشتن آدم‌ها را خواهم داشت". خیر، شما نمی‌توانید این‌گونه باشید! شما در حال تزکیه کردن نیک‌خواهی هستید، و انجام دادن کارهای خوب برای موجودات ذی‌شعور بخشی از تزکیه‌ای است که شما به‌عنوان مریدان دافا انجام می‌دهید. اگر شما واقعاً آدم می‌کشید، آتش‌سوزی راه می‌انداختید و مرتکب اعمال بد می‌شدید، پس یک تزکیه‌کننده نمی‌بودید، تا چه رسد به این که بتوانید به کمال برسید، اعطای برکات به موجودات ذی‌شعور ابداً قابل اجرا و شامل حال نمی‌شد. همچنین، محنت‌ها و سختی‌ها در تزکیه‌تان بمنظور بازپرداخت بدهی‌هایی که شما بابت رنج روحی بده‌کار هستید، هستند، پس سختی‌ها و رنج‌های افزوده ممکن است شما را از تزکیه کردن ناتوان سازد، و آنوقت نمی‌توانستید باز هم تزکیه کنید. من در حال اشاره کردن به اموری بودم که قبل از آنکه شما تزکیه را شروع کنید، بده‌کار بودید، و به چیزی که از نیاز به حفظ یک زندگی عادی همان‌طور که تزکیه می‌کنید منتج می‌شود.

پس در مورد خوردن غذاهای گوشتی خام، آن بدترین است. بخاطر می‌آورم که پیه‌ه به مردمی که آفرید، گفت: "شما باید غذای پخته بخورید." برای انسان‌ها، گوشت قبل از آنکه خورده شود باید پخته شود. چرا؟ تزکیه‌کنندگان هم، در گذشته این را دیدند: وقتی یک انسان یا یک حیوان بمیرد، سلول‌های او یا بدنش نمرده‌اند. و قبل از آنکه آن سلول‌ها بمیرند، روح هر سلول شکل آن فرد یا حیوان را دارد. آیا دانشمندان هم، هم‌اکنون آنرا کشف نکرده‌اند؟ بعد از آنکه یک موش سفید کوچک برش داده می‌شود، تصویری که از [سلول‌های بافتی او] از طریق فیبر نوری بر روی پرده نمایش داده می‌شود، تصویر یک موش سفید کوچک را در بر دارد. یعنی گوشت خامی که شما می‌خورید، یک دسته بزرگ حیوانات زنده است.

گوشت پخته، در عوض، آن ارواح را در خود ندارد. اما اگر خام باشد، وقتی آن را به معده‌تان می‌فرستید به چه شکلی است؟ مثل این می‌ماند که شما حیوانات زنده را در معده‌تان گذاشته‌اید. از آنجا که بسیار ریز هستند، شما هیچ تفاوتی را در حال حاضر حس نمی‌کنید، اما با گذشت زمان به بیماری‌های جدی کشیده می‌شود، عکس‌العمل‌هایی را باعث می‌شود. از آنجا که بدن انسان خاص است و ساختارش مثل یک جهان است، یک جهان کوچک نامیده می‌شود. وقتی چیزهایی که می‌خورید نتوانند از آنجا دوباره بازپیدا شوند، در بدن شما باقی خواهند ماند و با گذشت زمان رنج و خشم و کارمای نتیجه شده، زمینه‌ای را برای پروراندن بیماری فراهم می‌سازد. مقدار زیادی کارما اندوخته می‌شود. آنوقت شما مشکل معده خواهید داشت، سرزدن موارد جدی بیماری‌های معده، زخم و التهاب معده، سرطان معده... هر چیزی ممکن است. در سرزمین چین افرادی را دیدم که خون تازه مار را می‌نوشند. اما هر ذره هر سلول آن خون، یک مار بود، پس آیا بلعیدن آن همه مار در شکم‌تان می‌تواند نفعی برای تان داشته باشد؟ (حضار می‌خندند). چیز مادی می‌تواند جذب شود و با ظرفیت‌های بدن انسان تغییر شکل یابد، اما روحش در معده‌تان باقی می‌ماند، مگر نه؟ این دلیل آن است که چرا باید مواظب باشید هیچ نوع گوشت خام نخورید. این روزها بعضی از افراد جذب خوردن گوشت خام هستند. آن هم بسیار بد است. آن مسلماً نوعی خوراک فرهنگی نیست. آن وحشتناک است. بنابراین نمی‌توانید [غذاهای گوشتی] خام بخورید - اطمینان حاصل کنید که نمی‌خورید. به‌عنوان تزکیه‌کنندگان بیشتر شامل شما می‌شود که قطعاً نمی‌توانید هیچ نوع گوشت خام بخورید.

در مقابل، همان‌طور که گفته‌ام، وقتی چیزها، خوب پخته شده‌اند، مرده هستند، مگر نه؟ جان‌ها از بین برده می‌شوند و آنچه از لحاظ ظاهری می‌ماند یک جوهر مادی است. تزکیه‌کنندگان فقط وقتی بتوانند زندگی‌شان را حفظ کنند می‌توانند در اینجا تزکیه و زندگی کنند. انسان‌ها راهی دارند که بر مبنای آن می‌توانند زندگی کنند، و تا جایی که



روش‌های عادی زندگی کردن را دنبال می‌کنند کارمای کمی تولید می‌شود، و این در مورد تزکیه‌کنندگان بیشتر صدق می‌کند. برای تمرین کنندگان مشکلی نیست که از این نوع کارمای [ایجاد شده از زندگی عادی] خلاصی یابند، و برای آنها لازم نیست آن را در زندگی بعدی‌شان بازپرداخت کنند. اگر در این زندگی به کمال و خدایی شدن دست یابید، استاد شما به شما کمک خواهد کرد آن را حل کنید، و شما هم در مدت تزکیه‌تان آن را آب می‌کنید. بنابراین، این به حساب برخی از پریشانی‌های مشکلاتی که در روند سخت تزکیه کردن خودتان گذاشته می‌شود. پس آنها را پس نزنید. مثل چیزی که چند لحظه پیش می‌گفتم، [بعضی از تمرین کنندگان] وقتی چیزی منفی درباره‌ی آنها گفته می‌شود، نمی‌توانند تحمل کنند، و هیچ انتقادی را تحمل نمی‌کنند. شما باید بدانید که وقتی آن چیزها رخ می‌دهند کارمای شما در کار است.

میرید می‌پرسد: آیا برای شهرهای تای‌په، تای‌چانگ، کائوسیننگ کشور تایوان لازم است هر کدام از آنها گالای سال جدید را برگزار کنند؟ آیا این بر آشکارسازی حقیقت در سرزمین چین تأثیر نمی‌گذارد؟

**معلم:** نمی‌توانید بگذارید که در آشکارسازی حقیقت در سرزمین چین مزاحمت و مداخله ایجاد کند. این‌گونه به آن می‌نگرم. به نظر می‌رسد که تمام مریدان دافا نمونه‌ای که در امریکای شمالی، مخصوصاً نیویورک انجام داده می‌شود را دنبال می‌کنند، زیرا شما می‌دانید که استاد در شهر نیویورک است. پس فکر می‌کنید: "پس هر آنچه آنها در آنجا انجام می‌دهند ما هم انجام می‌دهیم." اما نباید این‌طور باشد، زیرا، وضعیت‌ها و موقعیت‌ها متفاوت هستند، و هر منطقه‌ای باید امور را بر مبنای موقعیت خودش انجام دهد.

در تایوان هیچ کسی فالون گونگ را مورد شکنجه و آزار قرار نمی‌دهد، و انبوه اکثریت مردم در تایوان در باره‌ی فالون گونگ می‌دانند. پس [اگر شما به این فکر می‌کنید که] چطور به مردم تایوان آشکارسازی حقیقت کنید و چگونه عوامل ح‌ک‌چ اهریمنی را در ذهن مردم تایوان از بین ببرید، خوب، انجام دادن آن کار با وضعیت و موقعیت آنجا جور در نمی‌آید، زیرا تایوان آن مشکل را ندارد. البته، امروزه بعضی از افراد جوان درباره‌ی تاریخ چین زیاد روشن نیستند، و هر وقت ح‌ک‌چ فرومایه یک "جبهه‌ی متحد" راه می‌اندازد، آنها گول می‌خورند. در این مورد شما باید پلیدی حزب فرومایه را به مردم تایوان نشان دهید. به‌طور خلاصه، شما باید این را در میان خودتان بر مبنای وضعیت خودتان به بحث بگذارید.

اما کمک کردن شاگردان تایوانی برای آشکارسازی حقیقت به مردم سرزمین چین، هنگ‌کنگ و جوامع چینی در مناطق دیگر بسیار مهم است. استاد به‌طور مسلم اموری را که درحال انجام هستید تصدیق می‌کند. شما تلاش‌ها و زحمت زیادی را برای آشکارسازی حقیقت مخصوصاً در چین به کار برده‌اید، و تأثیر بسیارعالی بوده است! این را بارها به شاگردان تایوانی گفته‌ام - آنها این کار را واقعاً به خوبی انجام داده‌اند. (تشویق)

میرید می‌پرسد: چرا بعضی از خانواده‌های مریدان دافا حتی وقتی چندین نفر در خانواده تزکیه‌کننده هستند هنوز قادر نیستند درگیری‌ها و اختلافات‌شان را حل کنند؟ بعضی از آنها حتی به‌طور وحشتناکی با هم دعوا کرده‌اند (حضرار می‌خندند) و در نتیجه اعضای غیر تمرین‌کننده‌ی خانواده، دیگر از دافا پشتیبانی و حمایت نمی‌کنند.

**معلم:** فراموش نکنید که انسان‌ها درحال تزکیه هستند نه خدایان. مردم عادی دچار اشتباهاتی می‌شوند، همین‌طور تزکیه‌کنندگان، فقط این‌طور است که تزکیه‌کنندگان اشتباهات کمتری می‌کنند و سپس اشکالات و مشکلات در خودشان را اصلاح و حل می‌کنند. وقتی از آن نوع اموری که [شما ذکر کردید] اتفاق می‌افتد، قطعاً به این خاطر است که آن شاگردان به‌خوبی عمل نکرده‌اند. شما نباید به سر و صدا و دعوای بزرگی کشانده شوید ولو اینکه آن امر چیزی باشد که مریدان دافا ملزم هستند که انجام دهند. (حضرار می‌خندند)

حالا که برسر این موضوع هستیم، مایلیم چیزی را ذکر کنیم. بعضی از شما آشکارسازی حقیقت را به افراد خانواده‌تان به‌طور ضعیفی انجام داده‌اید و آن به این دلیل است که آن را درست انجام نداده‌اید. یک علتش این است که نکته‌ای را که آنها در آن گیر کرده‌اند نمی‌دانید، درباره‌ی علت آن [درک] روشنی ندارید. علت دیگر این است که وقتی به اعضای

خانواده‌تان آشکارسازی حقیقت می‌کنید همیشه آنها را به‌عنوان خانواده‌تان در نظر می‌گیرید، به جای آنکه به‌عنوان موجودات ذی‌شعوری که باید نجات داده شوند. شما یک تزکیه‌کننده هستید و شما فراتر از مردم عادی هستید. شما می‌دانید که در این دوره‌ی زندگی، شما خانواده هستید، اما آیا می‌دانید که در زندگی قبلی‌تان ممکن است خانواده نبوده باشید؟ شما می‌دانید که در این زندگی، این شخص زن شما است، اما در زندگی بعدی چه کسی می‌داند که او همسر چه کسی خواهد بود. در این دوره‌ی زندگی آن شخص، کودک شما است، اما در زندگی قبلی، او فرزند چه کسی بوده است؟

به‌عنوان تزکیه‌کنندگان، همه‌ی شما باید در این مورد کاملاً روشن باشید، و شما نمی‌توانید در آن نوع تصور عمومی که افراد عادی در مورد خویشاوندی دارند، گرفتار شوید و فرو روید. او را یک موجود ذی‌شعور بدانید و او را همان طور که هر موجود ذی‌شعور دیگری را نجات می‌دهید، نجات دهید. پس وقتی با او صحبت می‌کنید، قطعاً نتیجه متفاوت خواهد بود. اول او را به‌عنوان خانواده در نظر نگیرید. در عوض وقتی با او به‌عنوان کسی که باید نجات داده شود صحبت می‌کنید، متفاوت خواهد شد. در واقع، بخش آگاه وجود او آگاه است که، "شما و من در این زندگی خانواده هستیم، اما در زندگی بعدی‌ام فردی از خانواده‌ی دیگری خواهم بود." هستی وجودی او این را می‌داند. وقتی که او را با افکار واقعاً درستی که دارید نجات می‌دهید، افکار درست او آشکار خواهند شد، و او دیگر در احساسات مردم عادی فرو نخواهد رفت.

مرید می‌پرسد: *مریدان خارج از چین که در فهرست سیاه حزب اهریمنی هستند هم اکنون برای چندین سال قادر نبوده‌اند به چین برگردند. آیا زمان این رسیده است که برای دیدن خانواده‌شان و اعتباربخشی به فا به چین برگردند؟*

**معلم:** (استاد بی‌صدا می‌خندند) هنوز برنگردید. شما در لیست سیاهش هستید، پس شما را شکنجه و آزار خواهد کرد. حتی اگر شکنجه و آزارتان نکند، تمام انواع تاکتیک‌ها را در تلاش برای مجذوب کردن شما به کار خواهد برد. بهترین سعی‌تان را بکنید که چنین مشکلاتی را فرا نخوانید. چون شما در اینجا درحال اعتباربخشی به فا هستید اینجا جایی است که شما باید تزکیه کنید. در واقع، عواملی که باعث می‌شود بخواهید به چین برگردید ممکن است درحال آزمایش کردن وابستگی‌های بشری شما باشند، زیرا فقط تزکیه مسیر شما است. در سرزمین چین، ما شاگردان سرزمین چین را داریم که در آنجا، روی امور کار کنند. مطمئن باشید، آنها قطعاً به‌خوبی عمل خواهند کرد. به آن اطمینان دارم. (تشویق)

مرید می‌پرسد: *من اهمیت فرستادن افکار درست را می‌دانم، اما بعضی اوقات آن را مثل اینکه کار عادی روزانه همیشگی است انجام می‌دهم و بعضی اوقات خیلی آسان است که ذهنم شروع به فکر کردن کند. این برای تمرین‌کنندگان دیگر هم رخ داده است. چگونه می‌توانیم در فرستادن افکار درست واقعاً پیشرفت و رشد کنیم؟*

**معلم:** این طور می‌گوییم: مریدان دافا لازم است سه کار را در مسیرشان به‌سوی کمال به‌خوبی انجام دهند، درست است؟ و فرستادن افکار درست یکی از آن کارهاست. اگر این قدر مهم است، چرا نمی‌توانید آن را به‌خوبی انجام دهید؟ چرا فکر می‌کنید که آن چیز ساده‌ای است و آن را جدی نمی‌گیرید؟ شما می‌دانید که چه قدر مهم است. گذشته از این، اگر یکی از کارها را به‌خوبی انجام ندهید، آن وقت چه؟

دیده‌ام که بسیاری از شاگردان وقتی شروع به فرستادن افکار درست می‌کنند، این کار را می‌کنند. (استاد حالت شاگردی را که درحالی که مشغول فرستادن افکار درست است به خواب رفته نشان می‌دهند) (استاد بی‌صدا می‌خندند) (حضار می‌خندند) آنچه آن عوامل روح شیطانی حزب فرومایه می‌خواهند دقیقاً این است که باعث خواب آلوده کردن شما شوند، و هر چه خواب آلوده‌تر شوید، آنها آن خواب‌آلودگی را تقویت و بیشتر می‌کنند. آنها نمی‌گذارند افکار درست بفرستید، زیرا با انجام دادن آن، آنها را پاک‌سازی می‌کنید. وقتی افکار درست می‌فرستید تا آنها را از بین ببرید، آنها مداخله و مزاحمت ایجاد می‌کنند.

در زمان تزکیه، بدن‌های مریدان دافا در بُعدهای دیگر فوق‌العاده عظیم جثه هستند. بُعدها در سه قلمرو در میان مریدان دافا به بخش‌های بسیار زیادی تقسیم شده‌اند... بگذارید این طور بگوییم، و بگذارید آن را به مقیاس بزرگ‌تری توضیح دهیم: به هر اندازه کیهان و عالم آینده قسمت‌هایی داشته باشد، به همان اندازه باید مریدان دافا در برگیرند [و در خود بگنجانند]. پس، چگونه می‌توانید از آن عناصر پلید و بد درون حوزه‌ای که شما در بر دارید، در مکانی که شما مسئول هستید، خلاص نشوید؟ باید آنها را از بین ببرید. تعدادی از مریدان دافا فرستادن افکار درست را جدی نمی‌گیرند، و نه تنها خود آنها با آن عوامل مورد مداخله قرار می‌گیرند: آن عوامل پلید با دیگر مریدان دافا هم مزاحمت و مداخله ایجاد می‌کنند. آیا نمی‌توانید کاری را که قرار است انجام دهید به خوبی انجام دهید؟ نه تنها باید بخشی را که مربوط به خودتان است به خوبی انجام دهید، بلکه به دیگران هم باید کمک کنید.

*مرید می‌پرسد: تعدادی از مریدان دافا در سرزمین چین توسط دفتر امنیت عمومی برای مدتی طولانی مورد تعقیب و کنترل بوده‌اند. آنها در مورد امنیت و مراقب بودن، بی‌دقت هستند و وقتی شاگردان دیگر به آنها هشدار می‌دهند گوش نمی‌دهند. استاد، چه کار می‌توانیم بکنیم؟*

**معلم:** وقتی که مربوط به امنیت و مراقبت می‌رسد حقیقت دارد که بعضی از شاگردان بی‌توجه هستند. این طور به نظر می‌رسد که بعد از آنکه اهریمن پلید آنها را بعد از آنکه شکنجه و آزار شدید شده‌اند، آزاد می‌کند، چند روز بعد، آن را فراموش می‌کنند. ایمنی و امنیت شما بر ایمنی و امنیت دیگر مریدان دافا تأثیر می‌گذارد، بنابراین باید به این مسئله توجه کنید و این مسئله را جدی بگیرید. نگذارید عوامل نیروهای کهن از شکاف‌ها و ضعف‌هایتان بهره‌برداری کنند. بسیاری از شاگردان در خارج از چین دیده‌اند که مریدان دافا در چین توجه کافی به ایمنی و امنیت نمی‌کنند، اما نمی‌توانند مستقیماً به آنها چیزی بگویند و فقط می‌توانند با دلواپسی نگران باشند. وقتی شما مواظب نیستید، شکنجه و آزار خواهید شد و به دیگران صدمه می‌زنید.

*مرید می‌پرسد: من یک شاگرد قدیمی هستم و فا را در ۱۹۹۶ کسب کرده‌ام، اما امروز اولین باری است که شخصاً شما را می‌بینم و احساس خوشبختی بسیار می‌کنم. تعداد بسیار زیادی از شاگردان قدیمی در چین هستند که هرگز استاد را شخصاً ندیده‌اند. آرزو می‌کنند به خوش اقبالی شاگردان خارج از چین بودند و امیدوارند که شاگردان خارج از چین قدر [فرصت دیدن] استاد را بدانند. آیا حقیقت دارد که این مریدانی که این فرصت را داشته‌اند که چین را ترک کنند، باید سعی کنند در خارج باقی بمانند؟*

**معلم:** این چیزی است که خودتان باید تشخیص دهید. اگر می‌توانید در خارج بهتر عمل کنید و می‌خواهید در اعتباربخشی به فا به مریدان دافا در خارج بیبوندید با آن مخالفتی ندارم. اگر وقتی برگردید مورد تعقیب و شکنجه‌ی مداوم قرار خواهید گرفت و توسط پلیس تعقیب خواهید شد، آن وقت باید در خارج بمانید. اگر این مورد نیست و وضعیت شما [در چین] نسبتاً آزادتر است و موجودات ذی‌شعور زیادی در چین برای شما وجود دارند که شما نجات نداده‌اید، یا شما پشیمانی‌ها و افسوس‌های بسیاری دارید که می‌خواهید فرصت دیگری به شما داده شود تا جبران کنید، آن وقت فکر می‌کنم باید بروید و تمام آنها را به خوبی انجام دهید. استاد فقط به شما پیشنهادی می‌دهد؛ به شما مربوط است که به طور مشخص چه کار کنید.

*مرید می‌پرسد: مریدان دافا از شهر دنگ‌جو در استان هنان، مریدان دافا از انگلستان، و تمام مریدان از منطقه‌ی آن‌شان استان لیائونینگ به استاد درود می‌فرستند.*

**معلم:** از همگی متشکرم. (تشویق)

*مرید می‌پرسد: من یک سال در حال تمرین کردن بوده‌ام، اما نمی‌دانم که چرا این اواخر مرتب کابوس‌هایی داشته‌ام. آیا به این خاطر است که به خوبی عمل نکرده‌ام؟ (معلم: [این از طرف] یک شاگرد غربی است.)*

**معلم:** من درباره‌ی وضعیت و حالت یک شاگرد جدید در بسیاری از آموزش‌های فایم صحبت کرده‌ام. وقتی برخی از شاگردان جدید، ناگهان از یک فرد عادی بودن به یک تزکیه‌کننده تغییر می‌یابند، آنها فوراً با مسئله‌ی مطالبه‌ی [طلبکاران] که آنها پرداخت دیون‌شان را می‌خواهند، روبرو می‌شوند. شاگردان قدیمی همگی، آن را می‌دانند. بعضی اوقات کابوس‌هایی دارند و یا با چیزهای غریبی مواجه می‌شوند. آن چیزها در واقع، همگی بازتاب‌هایی از این واقعیت است که شما درحال فرار رفتن از یک شخص عادی بودن هستید و این که حق‌شناسی و سپاس‌گزاری‌ها و تظلم‌ها و شکایت‌های مربوط به گذشته لازم است سر و سامان گیرند و تسویه شوند. معمولاً، افراد عادی از بازپیدایی می‌گذرند و مکافات کارمایی را تجربه می‌کنند که از آن طریق برای آنچه که در زندگی‌های گذشته‌شان فراهم آوردند، بازپرداخت کنند. [پس طلبکاران فکر می‌کنند] "هیچ عجله‌ای برای جمع‌آوری بدهی‌هایم ندارم، چون مجبور می‌شوی در زندگی بعدی‌ات آنها را به من بپردازی." اما وقتی شما تزکیه را بر می‌گزینید و درحال ترک کردن سه قلمرو هستید، آنها فکر می‌کنند، "تو هنوز آنچه را که به من بده‌کاری نپرداخته‌ای، و اگر بروی، بعداً نمی‌توانم تو را پیدا کنم پس باید قرض‌هایت را به من بپردازی." به همین خاطر است که او جلوتر از وقت در جستجوی شما خواهد بود و شما با این امور عجیب و غریب مواجه می‌شوید. اما استاد از تمام آن چیزها، شما را مراقبت می‌کند، پس آنچه اتفاق می‌افتد به نظر تهدیدکننده می‌آید اما شما در هیچ خطری نخواهید بود. هر آنچه اتفاق بیفتد، به‌عنوان یک مرید دافا، شما باید افکا درست داشته باشید و این امور را همان طور که یک تزکیه‌کننده روبرو می‌شود باید رسیدگی کنید.

*مرید می‌پرسد: وقتی برخی از شاگردان از کوه بر می‌گردند، آنها دست‌نوشته‌هایی را که از روی نوشته‌های روی ستون‌های سنگی نوشته‌اند به یک گروه مطالعه‌ی فا می‌دهند و از شاگردان می‌خواهند آنها را در مطالعه گروهی فا به جای جوان فالون بخوانند. استاد، آیا آن کار درست است؟*

**معلم:** البته که نه. من درباره‌ی چنین چیزهایی بارها صحبت کرده‌ام. گفته‌ام فایی را که در کوه به گروه کوچکی از افراد آموزش می‌دهم نمی‌تواند همین طوری و به طور سرسری منتقل شود، چون آن می‌تواند در وضعیت کلی اعتبار بخشیدن فای مریدان دافا مزاحمت ایجاد کند. اما از آنجا که همیشه افرادی داریم که آن را منتقل می‌کنند، تصمیم گرفتم که تماماً آموزش دادن را متوقف کنم. پس شما اخیراً هیچ چیزی ننشیده‌اید، درست؟ همیشه افرادی بوده‌اند که شایعات بی‌اساسی را پخش می‌کنند. البته، فکر می‌کنم که آنها آن چیزها را به طور دزدکی انجام داده‌اند، بنابراین مایل نیستم در اینجا در باره‌اش بیشتر صحبت کنم. دیگر آن را انجام ندهید. مریدان دافا لازم است افکار درست قوی داشته باشند و مثل یک تزکیه‌کننده رفتار کنند. آن افرادی [که چیزهایی مثل آن را منتقل می‌کنند] وابستگی‌ها و تمایلات بشری بسیاری دارند، و مداوماً می‌خواهند کارهایی تازه انجام دهند یا چیزهای تازه بگویند فقط برای اینکه متفاوت باشند، مدام می‌خواهند خودنمایی کنند، و مرتباً می‌خواهند مردم بدانند که شخصاً چه مقدار رفتار خاصی از طرف استاد می‌گیرند. اما، چنین چیزی وجود ندارد. هر شخص باید خودش را تزکیه کند. بدون توجه به اینکه چه قدر فا به شما آموزش دهد، اگر شما خودتان را به خوبی تزکیه نکنید، باز هم در تزکیه موفق نخواهید شد.

*مرید می‌پرسد: وقتی که ما درحال آماده کردن گردهمایی گفتگو درباره‌ی نه شرح و تفسیر بودیم، با افراد بسیاری در تماس قرار گرفتیم که از کشورهای کمونیستی در رفته بوده‌اند، شامل بعضی‌ها از بدنه‌های کمونیست چین. اما این افراد حالا خودشان را در خارج از کشور بومی‌شان جا انداخته‌اند و با فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور بومی‌شان سرگرم و مشغول شده‌اند، بنابراین تمایلی ندارند که درباره‌ی اهریمنی بودن حزب فرومایه صحبت و افشاگری کنند. استاد درباره‌ی این چه کار باید بکنیم؟*

**معلم:** درحال حاضر، کشورهای دیگر را در تقدم قرار ندهید اما، وقتی که به آشکارسازی حقیقت می‌رسد، تمام موجودات برابر و مثل هم هستند؛ ما حقیقت را به همه‌ی مردم آشکار می‌کنیم. زیرا عوامل حزب فرومایه در سراسر

دنیا فراگیر هستند و به کشورهای کمونیستی محدود نمی‌شوند و فرقی نمی‌کند که چه شخصی است نگرشی که دارد مربوط به خودش است.

*مرید می‌پرسد: موسیقی و نقاشی از بدن‌های عظیم کیهانی می‌آیند، پس درباره‌ی ورزش‌ها چه؟ (حضار می‌خندند)*  
**معلم:** "ورزش‌ها اصطلاحی عمومی است که خیلی چیزها را شامل می‌شود که با هم یک کاسه شده‌اند. و بسیاری از چیزهایی که دارد از سیستم‌های مختلف هستند. پس این خالص و مطلق نیست چراکه بسیاری از چیزها از سیستم‌های مختلف می‌آیند. چرا چیزهایی از سیستم‌های مختلف آمده‌اند؟ این مربوط می‌شود به اصلاح-فا. هیچ کس نمی‌دانست موجودی که قرار بود اینجا روی زمین باز پیدا شود از چه قالب ظاهری استفاده می‌کرد تا فا را آموزش دهد. در گذشته در آن موقع من انتخاب مشخصی نکردم. درست قبل از اینکه انتشار دادن فا را شروع کنم، و وقتی تمام چیزها به‌طور جدیدی در برابر من آشکار شدند، انتخاب کردم که قانون عالم را از طریق فای بودا و یک تصویر بودا آموزش دهم.

*مرید می‌پرسد: یک سرویس امنیتی بیرون از چین به ما اسم‌هایی از جاسوس‌های مخفی ح‌ک‌چ دارد. آیا می‌توانیم آن اسم‌ها را در میان شاگردان پخش کنیم؟*

**معلم:** کمی برای مدتی دست نگه دارید. و از آنجا که آنها در تماس با دافا قرار گرفته‌اند، مایلیم به آنها کمی فرصت بیشتری بدهیم. (تشویق) تا وقتی که قطعاً قابل نجات دادن نباشند نمی‌خواهم آنها افشا شوند. اطمینان دارم، زیرا این فا بسیار وسیع و عظیم است. بنابراین باور ندارم که من نتوانم شما را نجات دهم. (تشویق) تعداد بسیار زیادی از شاگردان بوده‌اند که در گذشته کارهایی انجام داده‌اند که نمی‌بایست انجام می‌دادند، و بسیاری از شاگردانی که برایشان آن کارهای [جاسوسی] عادت شغلی‌شان بود، و اما تزکیه در دافا را شروع کرده‌اند. آیا آن قدرت عظیم دافا نیست؟ (تشویق)

*مرید می‌پرسد: بیشتر مواقعی که افکار درست می‌فرستم نمی‌توانم وارد حالت آرامش و سکون شوم آیا به این خاطر است که در مزاحمت یا مداخله ایجاد شده بوده‌ام یا سطح تزکیه‌ام پایین است؟ بیشتر مواقع احساس می‌کنم که تأثیر افکار درست من بسیار کم است.*

**معلم:** بگذارید به این صورت بگویم: برای یک شاگرد جدید، اگر وقتی افکار درست می‌فرستید چیز زیادی احساس نکنید، دلیل اصلی این است که روند تزکیه‌ی شما کوتاه بوده است، و در نتیجه شما به تغییر شکل تمامی بدن‌تان چندین حساس نیستید. در واقع، افراد بسیاری که برای مدت طولانی تزکیه کرده‌اند لزوماً نسبت به آن حساس نیستند. چرا این طور است که بعضی از افراد به محض آنکه شروع به فرستادن افکار درست می‌کنند به خواب می‌روند؟ برای آنکه آنها نمی‌توانند تأثیرشان را احساس کنند.

یک چیزی را که در اوایل گفتم این بود که شما می‌توانید به چنین سطح بالایی تزکیه کنید دقیقاً به این خاطر که در میان توهم تزکیه می‌کنید، چنین توهم عظیمی. در این وضعیتی که ملزومات برای شما بسیار بالا هستند، وقتی از عهده‌ی این برآید که تمامی راه را با افکار درست قوی طی کنید، این فوق‌العاده است، و شما قطعاً به کمال دست خواهید یافت. این حقیقت دارد که وقتی بسیاری از شاگردان، افکار درست می‌فرستند معمولاً چیزها را بسیار دقیق و واضح احساس نمی‌کنند. برای آنکه جنبه‌ای که واقعاً اثری دارد، و این بخشی که هنوز کاملاً تزکیه نشده است، از هم جدا هستند. اما این سمتی که هنوز کاملاً تزکیه نشده است بدن اصلی می‌باشد و آنچه اساسی است این است که آیا افکار درست این مهم‌ترین بخش، قوی هستند! در تزکیه، وقتی افکار درست شما قوی هستند شما درحال رشد کردن هستید و مرتباً درحال تغییر و تبدیل شدن هستید. وقتی افکار درست شما قوی هستند، افکار درستی که شما به بیرون می‌فرستید اساسی هستند و آن سمتی از شما که کاملاً تزکیه شده است توانایی‌های عظیمش را بکار می‌برد و اعمال می‌کند. چون بخش تزکیه شده جدا نگه داشته می‌شود، و از سمت بشری‌تان جلوگیری شده است، [بخش بشری‌تان] هنوز بسیار حساس نیست. اگر در آنجا جدایی نبود، آن وقت هر چه قدر هم که شما غیر حساس بودید، وقتی چنین

نیروی قدرتمندی سر می‌رسید، فکر می‌کنم سمتی از شما که در اینجاست به شدت تکان می‌خورد، و بدن انسان - این بخش که هنوز باید به طور کامل تزکیه شود - چنین نیروی قدرتمندی را تاب نمی‌آورد.

بسیاری از شاگردان به فرستادن افکار درست اهمیت زیادی قائل نمی‌شوند، و بزرگترین دلیل برای آن این است که آنها [به آنچه می‌گذرد] حساس نیستند. خواه حساس باشید یا نباشید، وقتی استاد به شما می‌گوید که باید کاری را انجام دهید، شما باید آن را انجام دهید و مطمئناً تأثیرش را خواهد داشت. مسلماً فقط یک چیز تشریفاتی نیست! استاد مسلماً از شما نمی‌خواهد کار بی‌بهره‌ای را انجام دهید. (تسویق) اگر فقط یک چیز تشریفاتی بود، برای شما، من، اصلاح-فای، و اعتبار بخشی فای شما، و برای تمام موجودات بی‌معنا می‌بود. در ضمن، [به شما گفته‌ام] در مورد فرستادن افکار درست اهمیت بسیار زیادی قائل شوید. باید آن را جدی بگیرید. خواه چیزهایی را حس کنید یا نه، لازم است که شما آن را با افکار درست قوی انجام دهید. با گذشت زمان فکر می‌کنم همه‌ی شما چیزهایی را حس خواهید کرد.

وقتی افکار درست می‌فرستید از شما خواسته نمی‌شود که وارد آرامش و سکونی شوید که در آن به هیچ چیز فکر نمی‌کنید. وقتی افکار درست می‌فرستید شما فکر می‌کنید، و افکار شما [قرار است] خیلی قوی باشند. فعلاً شما اساساً درباره‌ی متلاشی شدن روح ح کچ فرومایه و آن ارواح فاسد و تیره‌ی ناچیز و کوچک و درباره‌ی نابودی آنها فکر می‌کنید، و پاک کردن آنها. این از رفتن به حالت آرامش و سکون کامل متفاوت است.

مرید می‌پرسد: من یک دختر ۱۰ ساله هستم، و می‌خواهم بدانم چه وقت کلاس رقص برای کودکان برگزار خواهد شد؟ (حضار می‌خندند)

**معلم:** (معلم بی‌صدا می‌خندد) این طور نیست که استاد آن را برگزار می‌کند (حضار می‌خندند) بعضی اوقات استاد در هماهنگ کردن چیزها کمی کمک می‌کند و آن وقت امور سریع‌تر انجام می‌شود، اما تمام آنها توسط مریدان دافا انجام می‌شوند. درحال حاضر منابع آموزشی ما محدود هستند. وقتی که موقعیت اجازه دهد، چنین کلاس‌هایی برگزار خواهند شد.

مرید می‌پرسد: درود بر استاد بزرگوار. می‌خواهم در مورد بسیاری از هم‌تزکیه‌کنندگان سرزمین چین که غیر قانونی توسط اهریمن دستگیر شده‌اند بی‌رسم. تعداد بسیار زیادی از آنها ممکن است درباره‌ی "کناره‌گیری از سه سازمان" شنیده باشند. اگر وقتی که روز تسویه حساب در مورد ح کچ فرا رسد و بعضی از مریدان دافا که غیر قانونی زندانی شده‌اند و هنوز اعلام‌شان از "کناره‌گیری از سه سازمان" را به چاپ نرسانده‌اند، آیا این بر آنها اثر منفی می‌گذارد؟

**معلم:** درباره‌ی مریدان دافا، وقتی که شما درحال حاضر یک مرید دافا هستید، چیزهای دیگر، اهمیت کمتری پیدا می‌کند. اما در تزکیه همیشه افرادی با وابستگی‌ها و تمایلات عادی شدید بشری، افرادی با افکار درست ناکافی و شاگردان جدید وجود دارند. بنابراین اگر شما یکی از آن تمرین‌کنندگان باشید، اگر موضع‌تان را اعلام نکنید واقعاً فایده‌ای ندارد. اما، برای تزکیه‌کنندگان کوشای قدیمی، که سال‌های زیادی درحال تزکیه کردن هستند، هیچ کدام از آنها مهم نیستند. موضوع این است و عمل کرد این گونه است. مهم‌ترین چیز نجات دادن تمام موجودات است و کاری کنیم که مردم از ح کچ کنار بکشند به طوری که به همراه آن سقوط نکنند.

مرید می‌پرسد: من در برابر عکس شما قسم خوردم که در آزمون میل شهوت شکست نخورم، اما بعداً دوباره ناموفق بوده‌ام و عمیقاً از آن پشیمانم و تأسف می‌خورم و می‌ترسم همه چیز را از دست بدهم.

**معلم:** برای یک تزکیه‌کننده، یک مرید دافا، آن واقعاً شرم‌ساری و بی‌آبرویی است. در بودیسم از افراد می‌خواهند که به احکام بچسبند و پایبند باشند، و وقتی کسی در اجرای حکم عفت و پاک‌دامنی شکست می‌خورد، واقعاً موضوع مهم و بزرگی است! آیا می‌دانید که مریدان دافا، از شکل عالم کهن خارج شده‌اند و از فرا تر از اصول فای کهن سربر آورده‌اند، اما عالم کهن، اصول فای کهن، موجودات قدیمی... تمامی آنها سعی به عقب کشاندن شما می‌کنند!

قبلاً درباره‌ی مداخلات نیروهای کهن گفته‌ام. آیا درباره‌ی آن گفته‌ها فکر کرده‌اید؟ [تمایل جنسی] یکی از آن عواملی است که آنها برای عقب نگه داشتن شما [استفاده می‌کنند]! چه چیزی را نیروهای کهن و عالم قدیم مهم‌ترین وسخت‌ترین چیز در نظر می‌گیرند؟ شهوت، [در شکل] فعالیت‌های جنسی خارج از ازدواج را. این آن چیزی است که آنها جدی‌ترین و مهم‌ترین در نظر می‌گیرند. در گذشته، وقتی کسی از آن حکم تخلف می‌کرد، از معبد بیرون رانده می‌شد و تزکیه‌ی او به کلی از بین می‌رفت. پس خدایان اکنون آن را چگونه می‌بینند؟ آیا می‌دانید آنها در پیشگویی‌هایی که به جای گذاشته‌اند چه گفته‌اند؟ آنها پیشگویی کرده‌اند که تمام مریدان دافایی که در آخر باقی می‌مانند کسانی هستند که پاکی و خلوص را در این خطوط حفظ کرده‌اند. به کلامی دیگر، این چیزها برای آنها بسیار مهم و جدی هستند. بنابراین نیروهای کهن و تمام خدایان در آن کیهان از کسی که ممنوعیت در این خصوص را نقض می‌کند دفاع نمی‌کنند، از هر کسی که در مورد این مسئله به خوبی عمل نمی‌کند؛ آنها در واقع شما را به پایین هل می‌دهند. آنها می‌دانند [و با خودشان فکر می‌کنند]، "لی هنگجی، تو مریدانت را ترک نمی‌کنی، بنابراین مجبورت می‌کنیم آنها را ول کنی." این دلیل آن است که چرا آنها شاگردانی را که اشتباهاتی را می‌کنند، مجبور می‌کنند که دوباره و دوباره بیشتر اشتباه کنند و در پایان اعمال زشت و پلیدی انجام دهند و به سمت مخالف بروند. "ما مغز و ذهن او را با درک و فهم‌های کج و نادرست پر خواهیم کرد و مجبورش می‌کنیم به دافا صدمه بزند. آن وقت می‌بینیم که آیا باز هم او را نگه می‌داری." و شما می‌دانید، این کاری است که آنها انجام داده‌اند. آیا فکر می‌کنید تمام کسانی که هم سو با راه اهریمنی "به اصطلاح روشن‌بین" شده‌اند واقعاً می‌خواستند به سمت پلیدی و زشتی بروند؟ پشت تمام این چیزها دلایلی هست.

بنابراین باید در این مورد مواظب باشید، مخصوصاً مریدان جوان‌تر دافا. اگر ازدواج نکرده‌اید نباید در اعمال جنسی درگیر شوید، چه رسد به افرادی که ازدواج کرده‌اند، [آنها نیز] نباید دچار اشتباه روابط جنسی خارج از ازدواج داشته شوند. مریدان دافا درحالی که در جامعه‌ی عادی تزکیه می‌کنند البته که می‌توانند ازدواج کنند. این مسئله‌ای نیست. اما نباید دچار اشتباه شوید! نباید بگذارید که عوامل نیروهای کهن و موجودات پلید و پست از شکاف‌های شما استفاده کنند و شما را تا جایی که در نهایت نتوانید تزکیه کنید آزار و اذیت کنند. آن وقت شما فرصت‌تان را از دست خواهید داد.

آنچه استاد می‌گوید حقیقت مسلم است. اینکه شما کوشا هستید یا نه، و بدون توجه به اینکه چگونه وارد این دافا شدید، تمام نظم و ترتیبات ساخته شده در طی هزاران سال روی زمین برای آنچه که امروز درحال رخ دادن است، انجام داده شد. شما باید این فرصت را غنیمت شمارید و نگذارید از کنارتان رد شود. در واقع، هر گونه موضعی که موجودات مختلف بر روی زمین در مورد دافا دارند، امور بدی که درحال انجام آن هستند تماماً از روی نادانی و جهالت است. اگر آنها واقعاً می‌دانستند که این، آن چیزی است که انتظارش را می‌کشیده‌اند، آنها چیزهایی را که برای دافا زیان‌آور است انجام نمی‌دادند حتی اگر آنها را تا سرحد مرگ کتک بزنند.

البته، ممکن است برای شاگردان جدیدتر درک آنچه گفته‌ام آسان نباشد. قدم به قدم تزکیه کنید و در آینده خواهید دانست. به خاطر این که مریدان دافا هم اکنون مدتی طولانی است که تزکیه کرده‌اند و درباره‌ی بسیاری از موضوعات درک‌های روشنی را رشد داده‌اند، ممکن است برای شاگردان جدید درک [این چیزها] خیلی آسان نباشد. آنچه جامعه‌ی بشری، تمجید می‌کند لزوماً تماماً خوب نیست، و آنچه انسان‌ها تمجید می‌کنند لزوماً برای خدایان قابل پذیرش نیست.

**معلم:** این یک مشکل است. بعضی از شاگردان به خاطر داشتن مهارت‌های خاص معینی که به آنها احتیاج بود منتقل شده‌اند و این اشکالی ندارد. اما دیگر شاگردان نباید با عجله و بدون آنکه به خوبی درباره‌ی آن فکر کنند یا

بدون دلیل قابل قبولی برای انجام دادن، جابه‌جا شوند. در زندگی روزمره‌تان یا در مورد جنبه‌های دیگر زندگی‌تان مشکلاتی را فراخوانید. بعد از آنکه باعث ایجاد آن مشکلات شوید، هر روز در فکر خواهید بود "چگونه می‌توانم امروز خودم را سیر کنم؟ چگونه می‌توانم فردا سقف مطمئنی بالای سرم داشته باشم؟" در این صورت، شما قادر نخواهید بود به فا اعتبار ببخشید، درست است؟ یعنی، مشکلات ناخواسته‌ای را برای خودتان به وجود نیاورید، مزاحمت برای وضعیت تزکیه‌تان فراهم نکنید، یا موقعیت‌ها و وضعیت‌هایی را که می‌گذارد به فا اعتبار ببخشید از بین نبرید. این طور به نظر می‌رسد که من هم برای مدتی باید، غرب، اینجا راه ترک کنم. (استاد می‌خندد) (حضرار می‌خندند، تشویق) بعد از اینکه این دوره‌ی مشغولیت و شلوغی به پایان برسد من در جای دیگر زندگی می‌کنم (حضرار می‌خندند، تشویق می‌کنند)

مرید می‌پرسد: بعضی از مریدان مسن تر دافا در کنار ما برای سالیان درازی تزکیه کرده‌اند، حالت فکری و ذهنی عالی و سلامتی خوبی دارند و بسیار جوان‌تر از غیرتمرین‌کنندگان هم‌سن‌شان به نظر می‌رسند. اما، هنوز هم نشانه‌هایی از پیری را نشان می‌دهند.

**معلم:** این بخش در سطح که در روند تزکیه به‌طور کامل تغییر نکرده است، فراتر از محدودیت‌های زمان در این بُعد نرفته است. وقتی که این بخش از شما تا مرحله‌ای تزکیه شده باشد که توسط زمان اینجا جلو گیری نشود و با زمان این بُعد بی‌ارتباط شود، زمان اینجا تأثیری بر شما نخواهد داشت. این برای بعضی از شاگردان رخ داده است، اما همه به این گونه نیستند. مسیر تزکیه‌ی هر شخصی متفاوت است، و وضعیت‌ها و حالت‌هایی که برای آنها ترتیب داده شده است، متفاوت هستند. برای بیشتر تمرین‌کنندگان، بخشی که به خوبی تزکیه شده نمی‌تواند توسط سمت الهی هدایت شود، زیرا آنها جدا شده هستند.

دلیل دیگر این است که عوامل نیروهای کهن که مداخله می‌کنند هنوز تأثیری اعمال می‌کنند. قبلاً چیزی را گفته‌ام: "خدایان در کیهان، انسان‌ها را چیزی مهم به حساب نمی‌آورند." مردم می‌گویند که خدایان نیک‌خواه هستند. بله، آنها نیک‌خواه هستند، و نیک‌خواهی چیزی است که آنها تزکیه می‌کنند. اما نیک‌خواهی داشتن آنها به این معنی نیست که آنها به انسان‌ها نیک‌خواهی دارند؛ آن ربطی به انسان‌ها ندارد. وقتی یک خدا در تماس با انسان‌ها قرار می‌گیرد، انسان‌ها ممکن است از جانب او نیک‌خواهی قدرتمندی را حس کنند، اما آن فقط این‌گونه خدایی است، و او مشخصاً برای شما نیک‌خواه نمی‌باشد؛ بلکه نیک‌خواه بودن فقط حالت اوست. در واقع، بسیاری از خدایان عالم کهن فکر می‌کنند، "شما مریدان دافا در حال تزکیه کردن به یک چنان سطح بالایی هستید و شما آینده‌ی کیهان را رقم خواهید زد. بنابراین اگر حتی یک ذره قصور کنید نمی‌گذارم صعود کنید." اگر چه نمی‌توانیم این موجودات را "بی‌رحم" بنامیم، اما وقتی به این می‌رسد، آنها مسلماً راه‌گریزی به یک خطا کار نمی‌دهند، و نه اینکه فقط به خاطر اینکه مقداری کارهای خوب انجام داده‌اید نسبت به شما آسان‌گیر و ملایم باشند.

قبلاً، در ابتدا وقتی آموزش فا را شروع کردم، به سبب این چیزها بود که با آنها به بن‌بست رسیدم، و یک سال امور به تعویق افتاد. بعداً فهمیدم که اگر همین طور از آموزش دادن و منتشر کردن فا دوری کنم، بسیاری از شاگردان حتی زمانی برای کسب کردن فا نخواهند داشت، و زمان کافی برای نجات دادن بسیاری از موجودات وجود نخواهد داشت. پس در مورد بسیاری از چیزها در حال مجادله کردن با آنها بوده‌ام. قبلاً در آن زمان، می‌خواستم تغییر سطح بدن هم‌زمان باشد با آن بخشی که به خوبی تزکیه شده است؛ می‌خواستم طوری باشد که بدن رابطه‌ای با حالت بشری در طی تزکیه نداشته باشد؛ و می‌خواستم طوری باشد که مریدان تزکیه‌کننده از افکار درست خودشان استفاده کنند تا حالتی را که درست شبیه همان حالتی است که انسان‌ها دارند حفظ کنند. برسر این موضوعات به مدت یک سال با آنها در مجادله بودم. این دلیل آن است که چرا در آن زمان آموزش دادن فا را به عموم شروع نکردم. به مدت یک سال ما در حالت بن‌بست باقی ماندیم. حتی الان هم هنوز آنچه را که به آن اصرار و پافشاری داشتند، نمی‌پذیریم و تصدیق نمی‌کنم، و قطعاً آن را در آینده تصدیق نخواهم کرد. در آینده، تمام موجوداتی که بخشی از مزاحمت‌ها و مداخلات و ازهم‌گسیختگی‌ها بوده‌اند در روند پرداخت آنچه انجام داده‌اند از بین برده خواهند شد. آنچه می‌خواهم، باید



به انجام برسد، حتی اگر مجبور باشیم تاریخ را بازگردانیم و دوباره از نو شروع کنیم. هر دوی مضمون و روند، برای اصلاح- فا ضروری هستند. من درحال اشاره به اموری نیستم که وقتی فا، دنیای بشری را اصلاح می‌کند اتفاق می‌افتند.

مرید می‌پرسد: *مریدان دافا از پکن و جان جیاکو به استاد درود می‌فرستند. استاد محترم در آموزش‌های فا در گذشته گفته‌اند که خیلی خوب خواهد شد اگر بتوانید پنجاه درصد از مردم در چین را نجات دهید (نقل دقیق نیست). آیا آن عدد هیچ ربطی به دو نوع ماده و تأثیر بازدارنده‌شان در این بعد بشری دارد، همان طور که در نوشته‌ی "سرشت بودایی و سرشت اهریمنی" بحث شده است؟*

**معلم:** سرشت بودایی و سرشت اهریمنی به این اشاره نمی‌کند. آن به دو نوع از ماده- مثبت و منفی- اشاره دارد که در عناصری که کیهان را می‌سازند وجود دارند. هر چه سطح پایین‌تر، تفاوت‌های بین دو ماده بیشتر؛ ماده‌ی مثبت بهتر می‌شود، و ماده‌ی منفی پلیدتر می‌شود، زمانی که انسان آفریده شد، در آن زمان، دو عنصر خوب و بد، در ماده، ذاتی و لاینفک شده بودند، بنابراین انسان‌های آفریده شده، خودشان هر دو عنصر نیکی و پلیدی را داشتند. وقتی کسی به طور غیرمنطقی داد می‌زند و جیغ می‌کشد یا دق دل خالی می‌کند، آن سرشت اهریمنی او است که عمل می‌کند-- یعنی، جنبه‌ی سرشت اهریمنی او دست به کار است. وقتی شخصی بسیار نیک‌خواه، مهربان و ملایم و مطبوع، دلجو و نرم است، این جنبه‌ی خوب او است که درحال عمل کردن می‌باشد.

وقتی شما در فای درست، تزکیه می‌کنید و [درحال رسیدن به] روشن‌بینی راستین هستید، باید سرشت اهریمنی‌تان را مهار و محدود کنید و آن را از بین ببرید. در گذشته، تزکیه در بودیسم درباره‌ی جلوگیری و محدود کردن بود- مهار کردن سرشت اهریمنی و قادر ساختن سرشت بودایی به اینکه به‌طور کامل مؤثر باشد. در پایان وقتی که قدرت مهار کردن شخص خیلی قوی رشد می‌کند، سرشت اهریمنی شخص دیگر نمی‌توانست هیچ تأثیری داشته باشد مثل اینکه زندانی شده بود. این اصلاح- فا قرار است بر تغییرات بنیادینی در سراسر کیهان اثر گذارد. این دلیل آن است که چرا در طی تزکیه‌ی مریدان دافا امور برای آنها درحال تنظیم و نوسازی دوباره هستند، از سطح میکروسکوپی شروع می‌شود و هر آنچه که احتیاجی به آن نیست مستقیماً پاک می‌شود. آن، حالت یک موجود را در سطحی بنیادین و پایه‌ای تغییر می‌دهد. آن با چگونگی امور وقتی که قبلاً تزکیه می‌کردند فرق می‌کند.

مرید می‌پرسد: *فعالیت سیاسی شیوه‌ای از امور در جامعه‌ی غربی است که [صحبت می‌کند از] داشتن حقوق بشر و استقلال، درحالی که "در سیاست درگیر شدن" اصطلاحی است که فرهنگ سیاسی از شکل افتاده‌ی ح‌ک‌چ را منعکس می‌کند. آیا این درک درست است؟*

**معلم:** ح‌ک‌چ مردم را به "علاقه‌مندی و اهمیت به سیاست" بر می‌انگیزاند وقتی برایش سود داشته باشد که آنها آن‌گونه عمل کنند. همان‌طور که همگی شما می‌دانید نمونه‌ی برجسته انقلاب فرهنگی است: هر وقت کسی "عقب افتاده سیاسی"، نامیده می‌شد این معنی را می‌داد که او "از نظر فکری عقب افتاده" بود و "درباره‌ی فعالیت‌های سیاسی اهمیتی قائل نبود". اما وقتی حزب فرومایه احساس تهدید می‌کند، شرکت کردن در فعالیت سیاسی ناگهان "غیرقانونی" می‌شود. آنها هر چه که به نفع‌شان باشد می‌گویند، و هر آنچه می‌گویند همیشه قرار است درست باشد.

در کشورهای غربی نیز، فعالیت سیاسی این است: هر فعالیت اجتماعی که مذهبی نیست یا فقط بر افراد تأثیر نمی‌گذارد، بخشی از فعالیت‌های سیاسی در نظر گرفته می‌شود. این دلیل آن است که چرا وقتی به برداشت جامعه‌ی غربی از اینکه آیا فالون گونگ یک مذهب است می‌رسد، برداشت آنها این است: "چون فعالیت‌های عمومی که شما دارید فعالیت‌های سیاسی نیستند، شما یک مذهب هستید... و شما باورهای معنوی دارید." پس آنها آن را یک مذهب در نظر می‌گیرند.

بگذارید درحالی که بر سر این موضوع هستیم چیزی را یاد آوری کنم: در آینده اگر کسی از شما بپرسد که آیا ما یک مذهب هستیم، هیچ توضیحی ندهید، دیگر سعی نکنید به افراد عادی توضیح دهید. هر آنچه که فرد درباره‌ی ما فکر

می‌کند تصمیم خودش است. شما درباره‌ی آن روشن هستید، درست؟ در چین، با آن نوع از جامعه، تفکر و عقیده‌های روشنی وجود دارد که چه چیزی "یک مذهب" به حساب می‌آید: مذهب یک معبد، عبادت، تشریفات مذهبی که لازم است بخشی از آن باشد، قسم خوردن، تعמיד، و غیره را دارد- که تمامی آنها شخص یا فعالیت‌هایی را که انجام می‌دهد به طور کاملاً روشنی به عنوان فرد یا فعالیت مذهبی مشخص می‌کند. بدون این‌ها، مذهب به حساب نمی‌آید. این کاملاً با تصور عمومی که غربی‌ها دارند متفاوت است. پس در جوامع غربی، اگر فردی عادی درباره‌ی اینکه آیا شما مذهبی هستید، سؤال کرد لازم نیست جواب دهید و لازم نیست آن را جدی بگیرید. اگر یک دولت، ارگان اجتماعی، سازمان اداری، نماینده‌ی کنگره و غیره بگویند که شما یک مذهب هستید، دیگر لازم نیست که به آنها بگویید که ما مذهب نیستیم. اگر مسائل قانونی مطرح شود، می‌توانید با امور مانند یک مذهب رفتار کنید و با موارد قانونی مرتبط با آن به پیش بروید. بنابراین تحت این شرایط می‌توانید بگویید که این یک مذهب است، بخصوص وقتی به موضوعات قانونی برمی‌خورید. آیا همگی درباره‌ی این روشن هستید؟ به تفاوت‌های ادراکی در غرب و شرق ارتباط دارد. این فایه‌ی را که قبلاً آموزش دادم نقض نمی‌کند. اوایل درباره‌ی این در نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر توضیح دادم. گفتیم: ما یک مذهب نیستیم، اما مردم عادی ما را مثل مذهب در نظر می‌گیرند. شما واقعاً لازم است درباره‌ی این روشن باشید.

*میرید می‌پرسد: استاد، ما در محل‌های توریستی، تمرین‌ها را انجام می‌دهیم و آشکارسازی حقیقت می‌کنیم و اما پرچم‌هایی که در آنجا آویزان هستند درباره‌ی "حکومت مستبد ح‌ک‌چ" و "نه شرح و تفسیر" است، استاد، ممکن است لطفاً بگویید این چه تأثیری در نجات موجودات ذی شعور دارد؟*

**معلم:** ابتدا وقتی که نه شرح و تفسیر بیرون آمد، مردم عادی در آنجا، شامل مردم سرزمین چین، توسط بسیاری از عوامل اهریمنی و روح فرومایه و پست ح‌ک‌چ به طور فشرده‌ای تحت کنترل بودند. در آن زمان، اگر [منتشر کردن] نه شرح و تفسیر و آشکارسازی حقیقت همراه با هم انجام داده می‌شد، آن باعث می‌شد که نجات دادن مردمی که باید نجات پیدا می‌کردند بسیار سخت شود. اما با گذشت یک سال، و بودن با موقعیت امروز وضعیت متفاوت است: روح شیطانی ح‌ک‌چ فرومایه تا به جایی از بین برده شده است که نمی‌تواند شخص عادی معمولی را کنترل کند، مردم هم‌اکنون قادرند درباره‌ی مسائل به‌طور مستقل فکر کنند، و مردم توسط روح اهریمنی ح‌ک‌چ فرومایه دیگر اداره نمی‌شوند. در این وضعیت، در اینکه آن را همانطور که توضیح دادید انجام دهید اشکالی وجود ندارد.

در ضمن، هدف ما از انتشار نه شرح و تفسیر و نصیحت به مردم برای کناره‌گیری از حزب روشن است. می‌توانید آن را به این شیوه به مردم توضیح دهید: ح‌ک‌چ فرومایه برای مدتی طولانی مریدان دافا را شکنجه و آزار کرده است، و در طی این مدت به ح‌ک‌چ فرومایه فرصت‌هایی داده شده است؛ همه به‌خوبی از این واقعیت که ح‌ک‌چ فرومایه درحال شکنجه و آزار دادن فالون گونگ است، آگاه هستند. و به او در تمام این سال‌ها فرصت‌هایی داده‌ایم، و هنوز باز هم از شکنجه و آزارش دست برنداشته است و هنوز به‌طور مداوم مریدان دافا را تا حد مرگ شکنجه و آزار می‌کند. پس ما هیچ حق انتخابی نداشتیم بجز آنکه شکنجه و آزار حزب فرومایه را برملا کنیم (تسویق)، افشا کردن پلیدی ح‌ک‌چ فرومایه و شکنجه و آزار و جنایاتی که در گذشته نسبت به مردم چین انجام داده و شکنجه و آزار مریدان دافا درحال حاضر، و کمک به مردم برای اینکه به ماهیت آن پی ببرند و ببینند که چرا حزب فرومایه درحال شکنجه و آزار فالون گونگ است. آیا متلاشی شدن حزب فرومایه بهترین راه برای توقف شکنجه و آزار مردم چین و فالون گونگ نیست؟ ما هیچ علاقه و توجهی به قدرت سیاسی حزب فرومایه نداریم و هیچ اهداف سیاسی نداریم؛ ما فقط می‌خواهیم شکنجه و آزار متوقف شود. هر روزی که ح‌ک‌چ فرومایه شکنجه و آزارش را بر فالون گونگ متوقف نکند، آن باز هم روز دیگری است که ما تلاش‌هایمان را برای افشای آزار و شکنجه کردنش و از بین بردن او ادامه دهیم. (تسویق پرسروصدا) در واقع، این چیزها بسیار روشن و آشکار هستند. همه می‌دانند ح‌ک‌چ درحال شکنجه و آزار فالون گونگ است، پس چرا ما نباید نه شرح و تفسیر را برای برملا کردن او منتشر کنیم؟

مرید می‌پرسد: آیا می‌توانیم در مناطق مختلف ارکسترهای جوان را تشکیل دهیم؟ مریدان دافا در تورنتو به استاد درود می‌فرستند.

**معلم:** شما همگی می‌دانید که تأثیر گروه موسیقی چیست، چراکه پیش‌تر در مورد آن بحث شد. افراد در مناطق دیگر می‌دانند که گروه موسیقی نظامی‌وار بزرگی در منطقه‌ی نیویورک بنیان گذاشته شده است. این نوع از گروه موسیقی گروه نظامی نیز نامیده می‌شود، چراکه در اصل از ارتش آمد و بعداً برای غیرنظامیان گسترش یافت. اما مردم هنوز آن را به آن نام خطاب می‌کنند. در این اواخر، این گروه‌های موسیقی مخصوصاً در میان شاگردان مشهور هستند. مردم هنوز آنها را گروه‌های موسیقی نظامی می‌نامند یا آنها را گروه‌های رژه‌ای می‌نامند. در واقع بسیار سخت بود که گروه‌های مان را گردآوری کنیم. اگر تمام مناطق دیگر قرار بود این کار را انجام دهند، و اگر آنها توانایی‌ها یا شرایطی را که مورد نیاز بود نداشتند، واقعاً بر دیگر کارهایی که مریدان دافا انجام می‌دهند تأثیر بد می‌گذاشت. کارهایی که مریدان دافا برای اعتبار بخشی به فا انجام می‌دهند مطلقاً نباید تحت تأثیر قرار گیرد.

مرید می‌پرسد: درباره‌ی گروه‌های اجرای نمایش از چین [که در اینجا در خارج] در سفر هستند چه کار باید بکنیم؟ اگر آنها عنوان "همان آهنگ" را به کار نگیرند اما به‌رحال در حال صادر کردن فرهنگ ح‌ک‌چ باشند، آیا به همان شیوه باید به آنها رسیدگی کنیم؟ با این موقعیت‌ها باید چگونه روبرو شویم؟

**معلم:** گروه‌های نمایشی بسیاری توسط چین به خارج فرستاده می‌شوند. لازم نیست که خودتان را به زحمت بیندازید، چون آنها هیچ ربطی به ما ندارند. تا آنجایی که آنها فالون گونگ را نشانه نمی‌روند نیازی نیست دل‌مشغول و نگران آنها باشید. اما اگر در میان آن گروه‌ها افرادی هستند که نقشی در ارتباط با شکنجه و آزار مریدان دافا دارند، پس قطعاً نباید بگذارید از زیر چشم‌تان در بروند.

مرید می‌پرسد: مریدان دافا از آلمان، تیان‌جین، دالیان، پکن، هواربو، ینگ‌شان در استان هوبی، سویی‌شی، لویی‌تی‌ان، ووهان، چائویانگ، های‌دیان، نینگ‌بو، تانگ‌شان، آن‌هو، چونگ‌چینگ، گان‌سو، و چانگ‌چون، براستاد محترم درود می‌فرستند.

**معلم:** از همه متشکرم. (تشویق) می‌دانم که مریدان دافایی از چانگ‌چون نیز اینجا در میان حضار وجود دارند.

مرید می‌پرسد: آیا مریدان دافایی که زمانی طولانی نیست که فا را کسب کرده‌اند می‌توانند مریدان دوره‌ی اصلاح-فا نامیده شوند؟ آیا آنها هم می‌توانند هم‌زمان با مریدان قدیمی به کمال برسند؟

**معلم:** در میان شاگردان جدید قطعاً گروهی وجود دارد که به دسته‌ی بعد تعلق دارند- همان مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-دنیا-بشری-توسط-فا. صرف نظر از آنکه مرید به چه دوره‌ای تعلق دارد، کسب کردن فا و ملحق شدن به آن چیز آسانی نبود. در آینده وقتی که حقیقت به طور برجسته‌ای آشکار می‌شود و همه به این درک می‌رسند که فالون گونگ واقعاً چیست، در آن حالت برای مردم بسیار سخت خواهد بود که وارد [تزکیه در دافا] شوند، و این طور نخواهد بود که هرکسی که بخواهد وارد شود بتواند وارد شود. (معلم بی‌صدا می‌خندد) در آن موقع کاملاً متفاوت از شکلی که مریدان دافا امروز تزکیه می‌کنند، خواهد بود. پس اگر کسی بتواند امروز وارد شود، آن بهترین است.

مرید می‌پرسد: شاگردی معتقد بود که برنامه‌ریزی هماهنگ‌کننده‌ی بسیار ضعیف بود و اینکه برای ما به خوبی از کار در نیامد، بنابراین سعی کرد امور را مستقلاً انجام دهد، و بر اساس چگونگی درک خودش از اعتبار بخشی به فا عمل کرد. فکر می‌کنم شیوه‌ای که او امور را انجام می‌دهد برای اعتبار بخشیدن به فا خوب است، پس تصمیم گرفتیم که او را در کوشش‌هایش همراهی دهیم.

**معلم:** بله، چیزهایی شبیه به این اتفاق افتاده‌اند، جایی که هماهنگ‌کننده به چیزهای خاصی فکر نکرد یا هماهنگ‌کننده از نظر جنبه‌های خاصی به خوبی عمل نکرد. و بعضی از شاگردان دیده‌اند [که چه کمبودی وجود داشت] و برای اصلاح و جبران مبتکرانه پیش قدم شدند- چنین چیزهایی هم، بسیار اتفاق افتاده است. اما وقتی

گروه خواست کاری انجام دهد، بعضی از شاگردان موافق نبودند، می‌خواستند کارهای خودشان را بکنند، و پس از آن، بعضی از افراد را از کار کردن با آنها راندند. می‌خواهم به همه‌ی شما بگویم که صرف‌نظر از اینکه هماهنگ‌کننده در موردی کار کافی انجام نداده است شما باید با سایرین با همدیگر کار کنید، و با یکدیگر باید آن را بهتر به اتمام برسانید. شما نمی‌توانید کنار بکشید و بروید کار خودتان را انجام دهید. هر کسی آن کار را بکند در اشتباه است. و به عنوان استادان، آن را تصدیق نمی‌کنم.

*مرید می‌پرسد: یک شرکت بزرگ غربی از ما پرسید که آیا باید پشتیبانی و سرمایه‌گذاری در چین را قطع کنیم. باید چگونه آن سؤال را جواب دهیم؟*

**معلم:** در حال حاضر فکر نمی‌کنم که خیلی‌ها بتوانند از منافع مالی صرف نظر کنند و از سرمایه‌گذاری در چین باز ایستند. اما البته خیلی بهتر می‌باشد اگر کسی در واقع بتواند آن کار را بکند. من این‌گونه به آن می‌نگرم، و این را در سخنرانی قبلی ذکر کرده‌ام: سرمایه‌گذاری در سرزمین چین و کمک کردن به این که مردم چین وضع‌شان بهتر شود و خوب زندگی کنند اشکالی ندارد. آنچه با آن مخالفم فرستادن مرتب مقدار زیادی پول به آنجا است در حالی که فالون گونگ در حال شکنجه آزار شدن است، که به ح‌ک‌چ فرومایه قدرت شکنجه و آزار فالون گونگ را می‌دهد. در نهایت سوء نیت و بدخواهی‌اش، هر ساله یک چهارم تولید ناخالص ملی را برای شکنجه و آزار فالون گونگ صرف می‌کرد- یک چنین مقدار زیادی! آیا می‌توانست بدون پول، فالون گونگ را شکنجه و آزار کند؟ مسلماً نه! امروزه مردم چین به ح‌ک‌چ فرمایه باور ندارند، و اگر برای آن پول پرداخت نمی‌شد آنها قطعاً کاری برایش نمی‌کردند. آنها همچنین می‌دانند که مریدان دافا افراد خوبی هستند. آیا آن افراد بد اگر به آنها پولی پرداخت نمی‌شد تمام آن کارها را انجام می‌دادند؟

*مرید می‌پرسد: آیا این را می‌گویید که ما نمی‌بایست اشکالات دیگران را خاطرنشان کنیم؟ بعضی اوقات نمی‌توانیم بگوییم آیا اشکال آنهاست یا خودم.*

**معلم:** من نمی‌گویم که شما نمی‌توانید اشکالات افراد دیگر را نشان دهید. آنچه را که در حال گفتن هستیم این است که شکل کلی تزکیه‌ی مریدان دافا باید طوری باشد که هر شخص به درون توجه می‌کند! (تشویقی) محیط کلی مریدان دافا نباید آن محیطی باشد که افراد با انتقاد کردن و مقصر دانستن همدیگر ترقی می‌کنند! (تشویقی) بنابراین به عنوان استادان، فقط می‌توانم شما را تشویق کنم که به درون بنگرید و وقتی مشکلات سر در می‌آورند، سعی کنید قصور و کوتاهی‌های خوتان را بیابید. اگر همه می‌توانستند این را انجام دهند، بهترین می‌بود. وقتی فردی نتواند موضوعی را تشخیص دهد، البته غلط نیست که آن را به او خاطر نشان کنید. اما وقتی چیزی را نشان می‌دهید، باید با توجه و قصد نیک‌خواهانه انجام شود. شما در حال تزکیه‌ی نیک‌خواهی هستید، شما باید نیت‌های مهربانانه داشته باشید. بنابراین لازم است متوجه این چیزها باشید و قادر باشید که هر دو را به خوبی انجام دهید. آن وقت، فکر می‌کنم شما به آسانی قادر به حل بسیاری از مشکلات خواهید شد.

*مرید می‌پرسد: بعضی از دانشمندان و محققان در غرب چیزهای بدی درباره‌ی دافا گفته‌اند و در نظرات‌شان پافشاری می‌کنند آیا این مهم است؟ چگونه می‌توانیم بهتر کمک‌شان کنیم که عقاید بدشان را از بین ببرند؟*

**معلم:** اگر یک غربی بگوید که دافا و مریدان دافا بد هستند، آن وقت فکر می‌کنم که او می‌بایست به تبلیغات ح‌ک‌چ گوش کرده باشد. وقتی که او نمی‌داند که مریدان دافا شبیه چه هستند چگونه می‌تواند بگوید که آنها بد هستند؟ پس او باید به افتراهای تبلیغاتی ح‌ک‌چ پلید گوش کرده باشد. بنابراین باید چیزها را به او توضیح دهید. در حقیقت، آیا در این سال‌ها شما در حال آشکارسازی حقیقت نبوده‌اید؟

در آغاز در سال ۱۹۹۹، وقتی که شکنجه و آزار در ۲۰ جولای شروع شد، تمام رسانه‌های ح‌ک‌چ، روزنامه‌ها و نیز رادیو، از سطح ملی گرفته تا سطح محلی و سپس سطح استانی، تمام ایستگاه‌های تلویزیونی در پهنای سرزمین چین، رسانه‌ها و روزنامه‌ها-- بیش از یک هزار کانال تلویزیونی و صدها روزنامه-- همگی وارد مبارزه شدیدی برای حمله کردن، خفه کردن، شکنجه و آزار فالون گونگ شدند. تمام کشورها در دنیا در پوشش‌های خبری، اطلاعات چین را

درباره‌ی فالون گونگ بکار می‌بردند. آنها همگی درحال کمک به آن برای شکنجه و آزار فالون گونگ بوده‌اند، و تمامی زمین با تاریکی و سیاهی پوشیده بود. در بسیاری از مناطق مردم نمی‌دانستند که فالون گونگ واقعاً درباره‌ی چیست و درحال گوش کردن به تبلیغات ح‌کچ بوده‌اند. به مرور زمان، آیا با آشکارسازی حقیقت، تمامی آن را بر نگردانده‌اید؟ امروز مریدان دافا سبب شده‌اند مردم با نوری کاملاً تازه به آنها نظر اندازند، آیا به همین‌گونه آن را انجام ندادید؟

یعنی، باید واقعیت‌ها را بگویید و از تبلیغات افترا آمیز پست ح‌کچ فرومایه را منهدم کنید، و شما این کار را انجام داده‌اید. اما هنوز افرادی هستند که از واقعیت‌ها بی‌خبرند، درست مثل موضوع درخواستی از سؤال این شاگرد، که هنوز وجود دارد. بنابراین شما باید به کار کردن بر این ادامه دهید، تمام راه تا وقتی که همه بدانند ح‌کچ فرومایه‌ی سطح پایین، واقعاً چیست. البته، برخی از افراد قابل نجات یافتن نیستند و هر کاری هم که بکنید آنها ورای نجات یافتن هستند. من آن را می‌دانم، و این دلیل آن است که چرا گفتم نسبتاً خوب خواهد بود اگر بتوانید نیمی از مردم چین را نجات دهید. همین طور درباره‌ی سایر مناطق صادق است - آیا امکان نجات دادن تمام افراد هست؟ به شما می‌گویم امکان ندارد. می‌توانید آن آرزو و اشتیاق را داشته باشید و برای تمام موجودات آن را با نیک‌خواهی انجام دهید، اما فقط به این خاطر که کسانی وجود دارند که نجات دادن‌شان غیرممکن است نمی‌توانید از کار کردن بر آن باز ایستید یا سست شوید. آن قطعاً غیرقابل قبول است.

*مرید می‌پرسد: شخصی در محیط کار من، نزدیکی بسیاری با کنسول‌گری چین دارد و عمیقاً توسط حزب اهریمنی کمونیست آلوده شده است. آیا برای افرادی شبیه این هنوز امید نجات یافتند وجود دارد؟*  
**معلم:** فقط به آنها حقیقت را باز گو کنید و واقعیت‌ها را نشان دهید. اگر او واقعاً نتواند نجات داده شود، بنابراین نجات داده نمی‌شود.

*مرید می‌پرسد: شاگردی از سرزمین چین دومین بچه را باردار شد. آیا باید بچه را به دنیا آورد؟ از لحاظ کارمایی که ایجاد می‌شود آیا فرقی ایجاد می‌کند اگر فردی به جای نگه داشتن بچه، سقط جنین اجباری داشته باشد؟*  
**معلم:** موقعیت‌ها در سرزمین چین خاص هستند. این دلیل آن است که چرا اساساً همه چیز را در اصول فا که آموزش داده‌ام توضیح داده‌ام، و نمی‌خواهم در مورد این سناریوهای خاص در نشستی مثل این صحبت کنم؛ اثرگذاری آن بسیار بزرگ خواهد بود. اما می‌توانم بگویم که عمل مجبور کردن سقط جنین‌های ح‌کچ فرومایه، توسط تمامی دنیا خوار شمرده شده است. برای شما، به عنوان شاگردان تزکیه، از لحاظ تئوری، البته غلط نیست که از حیات محافظت کنید. این تمام آن چیزی است که در اینجا می‌توانم بگویم. وضعیت‌های خاص لازم است بر مبنای مورد به مورد، نگریسته شود.

*مرید می‌پرسد: چرا در گرانیات حیاتی وجود ندارد؟*

**معلم:** چرا افرادی هستند که درباره‌ی این چیزها می‌پرسند؟ (استاد بی‌صدا می‌خندد) "حیات نداشتن" فقط به شکل سطحی گرانیات که با چشم انسان قابل رؤیت است اشاره می‌کند. ماده‌ی بسیار میکروسکوپی که گرانیات را تشکیل می‌دهد تماماً متفاوت است. آنچه که در این سطح حقیقت است ممکن است در سطحی متفاوت، حقیقت نباشد. با نگاه از منظر یک فای سطح بالا، یک فای سطح پایین، حتی ممکن است مخالف آن باشد و اشتباه. یک صعود و تعالی مداوم حقایق وجود دارد. شما باید درباره‌ی آن روشن باشید.

*مرید می‌پرسد: فردی وجود دارد که به طور فعالی در کار دافا کمک می‌کند، اما کسی است که نمی‌تواند درک کند یک شخص بعد از رسیدن به کمال کجا می‌رود. او استاد را قبول دارد اما اغلب فا را مطالعه نمی‌کند. از لحاظ از بین بردن موانع در ذهنش، من در کجا قصور کرده‌ام؟ امروز او اینجاست. (استاد بی‌صدا می‌خندد) (حاضر می‌خندند)*

**معلم:** در مورد بسیاری از مردم عادی، نمی‌توانید از آنها انتظار زیادی داشته باشید. شما مرید دافا هستید پس البته شما دل‌تان می‌خواهد ببینید او فا را کسب کند. مسلماً برای یک موجود، یک مرید دافا شدن بهترین چیز است، و این آرزوی شما است. اما با وضعیتی که امروز است، شما نمی‌توانید کسی را برای اینکه مسائل را تا حد بخصوصی درک نمی‌کند مقصر بدانید. در ضمن، موجود ذی‌شعوری که می‌تواند به مریدان دافا در انجام امور در این دوره‌ی زمانی کمک کند سرشتش بسیار عالی است، و او قطعاً آینده‌ی خوبی خواهد داشت، تضمین می‌کنم. برای اینکه این دوره با دوره‌های دیگر متفاوت است، زیرا زمانی است که مریدان دافا درحال گذراندن سختی‌ها ورنج‌های بزرگی هستند.

مرید می‌پرسد: اگر شخص هر آنچه را که استاد می‌گوید باور کند و فکر بیشتری درباره‌ی آن نکند، آیا این حالت درستی است که در آن بود؟

**معلم:** خدایان مسلماً فکر می‌کنند که آن شخص فوق‌العاده است. اما من هنوز مایلیم شخص کتاب‌ها را بخواند و فا را بسیار مطالعه کند. معمولاً وقتی درحال آموزش فا هستیم، ممکن است میدانی از نیک‌خواهی را که بسیار وسیع و قدرتمند است حس کنید و اینکه آن می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند. اما در زندگی روزمره نمی‌توانم آن‌گونه باشم و آن قدرت را به کار نخواهم برد و من توانایی فکری مثل - یک - فرد - عادی را دارم - تدارک دیدم - و این، چیزی است که در زندگی روزمره به کار می‌برم. بنابراین ممکن است شوخی کنم یا در آن موقعیت‌ها انواع چیزهای دنیوی بگویم، و شما ممکن است در تعجب باشید، "چطور می‌شود که استاد در فا نیست" (استاد می‌خندد) (حضار می‌خندند، کف می‌زنند) اینجا در این مکان بشری در دسر و گرفتاری‌های فراوانی وجود دارد!

مرید می‌پرسد: آیا می‌توانیم برای صفحه‌ی معینی از روزنامه‌ی داجی‌یوان (اپک تایمز) یک بانی و اسپانسر کسب و کار داشته باشیم؟ ما محتوا را کنترل خواهیم کرد، و اساساً به یک صفحه‌ی فرعی اشاره داریم.

**معلم:** اگر یک کسب و کار قرار است کل بانی کل یک صفحه باشد، آن وقت آنچه که مایل است چاپ کند باید در قرار داد ذکر و تعیین شود.

مرید می‌پرسد: وقتی شخصی آرزو می‌کند پول بیشتری در آورد یا در شغلی عادی ترفیع بگیرد، او می‌تواند آنچه را می‌خواهد با بخوبی انجام دادن کار بدست آورد. آیا در یک فروشگاه رسانه‌ای یا شرکتی که توسط مریدان دافا اداره می‌شود نیز شخص می‌تواند مقام یا درآمدی را که می‌خواهد، از طریق سخت‌کوشی بدست آورد؟

**معلم:** در جامعه وقتی کارتان را به خوبی انجام می‌دهید، بطور طبیعی ترفیع خواهید گرفت. و وقتی رئیس شما خوشحال باشد ممکن است به شما پاداش بهتری بدهد. اما فروشگاه‌های رسانه‌ای که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند سود کافی نمی‌سازند، و در این خصوص، باید به جایی که فروشگاه‌های رسانه‌ای بزرگ در جامعه رسیده‌اند دست یابند. از آنجا که نمی‌تواند عملی شود، آیا افکاری مثل آنچه مطرح کردید پوچ نیستند؟ در مورد اینکه چگونه موقعیت دلخواه را بدست آورد، اگر شخصی در مورد این‌گونه چیزها زیاده از حد فکر کند، به احتمال زیاد چیزی درست نیست و به‌نظر می‌رسد بیش از فقط یک میل و وابستگی عادی است. مریدان دافا مشغول انجام دادن کارها بطور داوطلبانه بوده‌اند. فکر نمی‌کنم مشکلاتی مثل اینکه شخصی پُست و سِمَت معینی را خواستار باشد شنیده باشم. (استاد می‌خندد) (حضار می‌خندند) خواستار پُست و سِمَتی بودن چیزی نیست که مریدان دافا باید در ذهن‌شان داشته باشند، مگر نه؟ و فکر کردن در مورد این که چگونه آن را بدست آورد حتی مسئله‌سازتر است، مگر نه؟ مریدان دافا به‌منظور اعتباربخشی به فا، آشکارسازی حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور، در حال اداره کردن فروشگاه‌های رسانه‌ای بوده‌اند، و بدون چشم‌داشت یا درخواست چیزی درحال انجام آن بوده‌اند. هیچ‌کسی درباره‌ی پُست و مقام فکر نمی‌کند، مگر نه؟ البته، اگر فروشگاه‌های رسانه‌ای واقعاً به‌خوبی اداره شوند و بتوانند حقوقی بپردازند و حتی پاداش یا مزایای دیگری بدهند، آن وقت برای شما خوشحال خواهیم شد. مقدمه‌اش این است که باید در ابتدا امکانات انجام آن را داشته باشیم.

مرید می‌پرسد: با داشتن تماس و ارتباط بیشتر با تمرین‌کنندگان غربی و تایوانی، واقعاً احساس می‌کنم که شاگردان چینی که در فرهنگ حزب اهریمنی بزرگ شده‌اند خیلی فاسد شده‌اند. از عادت‌های فکری گرفته تا آنچه می‌گوئیم و آنطور که رفتار می‌کنیم، بسیاری چیزها هست که باید عمیقاً در خودمان جستجو کنیم و آنها را حل کنیم.

**معلم:** در ابتدا وقتی افراد از چین به غرب می‌آیند، به غرب انتقاد می‌کنند، می‌گویند این چیز یا آن چیز بد است یا اینکه چرا این چیز یا آن چیز خوب به نظر نمی‌رسد. چرا این طور است؟ در واقع بخاطر این است که آنها عادت گرفته با تمام چیزهای ح کچ پلید رشد کرده‌اند. فقط بعد از مدتی آنها متوجه می‌شوند که آن چیزهای حزب پلید، بد و کریه هستند. این نتیجه‌ی قرار گرفتن آنها در تلقین فرهنگ حزب به مدت طولانی است. اما روش زندگی در خارج از حزب پلید، روش طبیعی زندگی برای انسان است -- هیچ‌کسی شما را مجبور به چیزی نمی‌کند. به همین خاطر است که آنهایی که برای مدتی طولانی در خارج زندگی کرده‌اند وقتی به سرزمین چین برمی‌گردند، درمی‌یابند آن طور که مردم در چین حرف می‌زنند تعجب‌آور است. می‌بینند که هر جمله‌ی آنها پر از عقاید خشک حزبی است. به خاطر اینکه فرهنگ پلید حزب زندگی مردم را عمیقاً اشباع کرده است، حتی، به هر ذره تفکرشان نفوذ کرده، و این باعث این شده است که رفتار، وضع حرکت، صحبت و حتی حالت‌های بیان و صورت و نگاه‌شان با فرهنگ حزب پلید، تنیده و آلوده شده باشد (حضار می‌خندند) البته این چیزها کلیدی نیستند. تا جایی که افکار درست مریدان دافا قوی باشد و آنها بدانند که چه چیزی درست و غلط است، آن عادت‌ها به تدریج می‌توانند از بین برده شوند. این چیزها اساسی نیستند.

مرید می‌پرسد: در دوره‌ی تزکیه شخصی، وقتی که از امتحان کارمای بیماری گذر می‌کردم، می‌دانستم آن برای از بین بردن کارمای من بود و از طریق تحمل کردن و استوار بودن در فا می‌توانستم این امتحان را از سر بگذرانم، و در پایان استاد کارما را بر می‌داشت. اما در دوره‌ی تزکیه‌ی اصلاح-فا، اگر نیروهای کهن، یاوران تاریک آنها، شیاطین فاسد، روح اهریمنی حزب پلید، بدن فیزیکی مرا شکنجه و آزار دهند، و همان‌طور بصورت کارمای بیماری ظاهر شود، آن وقت بخاطر اینکه ما نباید شکنجه و آزار نیروهای کهن را قبول کنیم و نباید فقط آن را تحمل کنیم، آیا با محکم و استوار بودن در فا و با فرستادن افکار درست برای رد کردن شکنجه و آزار، می‌توانیم عوامل پلید پشت آن را از بین ببریم؟

**معلم:** وقتی شما افکار درست قوی دارید، هیچ چیز نمی‌تواند مانع شما شود و از روزی که مرید دافا تزکیه را برمی‌گزیند تمام زندگی‌اش دوباره نظم و ترتیب داده می‌شود. به کلامی دیگر، این زندگی شما، حالا، حیات یک تزکیه کننده است. دیگر هیچ چیزی اتفاقی نیست، و هر آنچه رخ خواهد داد اتفاقی نیست. هر چیزی در سفر زندگی‌تان مستقیماً به رشد و بهبود و تزکیه‌تان مربوط می‌شود. بعد از آنکه ترتیبات ساخته شوند، هیچ کسی نمی‌تواند آنها را تغییر دهد. تغییر دادن آنها نقض کردن قوانین آسمان خواهد بود. تنها استاد می‌تواند آنها را تغییر دهد. اما نیروهای کهن -- برای از بین بردن تمامی این چیزها -- و موجودات عالم کهن که توسط اصلاح-فا تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، به نام همراهی و همیاری کردن در اصلاح-فا در آن شرکت کرده‌اند، و این آن چیزی است که دیوارها و جداسازی‌های عظیمی را به بار آورده است. هر چند بدن‌های قانون من می‌توانند چیزها را تغییر دهند، اما راه‌های تزکیه‌ی مریدان دافا با جزئیات زیادی نظم و ترتیب داده شده‌اند، و اگر برای مرید دافا یک تغییر کوچک صورت داده شود، امور باید کاملاً دوباره انجام داده شوند. درحالی که نیروی عظیم اصلاح-فا به پیش می‌رود، همان‌طور که مریدان دافا هم‌زمان بطور جداگانه درحال تغییر کردن هستند این تعهد عظیم آشکار می‌شود. به علاوه، ۹۹٪ تمامی کیهان، اصلاح-فا را از سر گذرانده است، و مریدان دافای دوره‌ی اصلاح-فا هم اکنون درحال گذر کردن آخرین قدم سفرشان هستند. بنابراین نمی‌توانید آن بخشی که هم اکنون اصلاح-فا را گذرانده است دوباره از اول برگردانید تا فقط برای یک موجود تغییراتی ایجاد کنید. این دلیل آن است که چرا وقتی بسیاری از مریدان دافا در تزکیه‌شان به‌خوبی عمل نمی‌کنند، وقتی مشکلات معینی که آنها را درگیر می‌کند سر بر می‌آورند، یا وقتی همان‌طور که امتحان‌هایی را می‌گذرانند چیزها به‌نظر می‌رسد بسیار جدی و مهم می‌شوند، در آن مواقع اگر بخواهید که استاد مستقیماً از آن چیزها برای شما مراقبت کند، استاد مجبور می‌شود از ابتدا هر چیزی در کیهان‌های جدید و کهن که به شما مربوط است را

دوباره انجام دهد. تمام چیزهایی که در این سال‌ها از میان اصلاح- فا گذر کرده‌اند می‌بایست تغییر داده شوند، زمان می‌بایست به عقب برگردانده شود... همه چیز باید از ابتدا دوباره انجام شود. این قدر مسائل عظیم هستند. این روشن می‌کند که چرا به شما می‌گویم واقعاً نمی‌توانم چیزها [در این وضعیت] را تغییر دهم. تا هر سطحی که تزکیه کنید، سطح شما خواهد بود، و اگر در پایان معلوم شود که شما نمی‌توانید جلوتر روید، آن وضعیت حکایت از مداخله‌ی عوامل نیروهای کهن می‌کند. در واقع، وقتی به نظر می‌رسد که کسی نمی‌تواند در امتحانی موفق شود، آن به عوامل مختلفی مربوط می‌شود. زمانی که ما واقعاً کسی را داریم که پیش از موقع درمی‌گذرد، تاجایی که او مرید دافایی بوده که همه‌ی سه کار را انجام می‌داده، او قطعاً به کمال دست می‌یابد. فقط این‌طور است که سطح او متفاوت خواهد بود.

همچنین، اگر من شخصاً کارها را برای شما انجام می‌دادم، اهریمن از آن امر بهره‌برداری می‌کرد و کیهان جدید هم حتی آلوده می‌شد. اصلاح- فا کاملاً مهم و جدی است. در ابتدا وقتی تزکیه را برگزیدید در آن زمان استاد برای شما هر آنچه را که می‌بایست انجام داده شود انجام داد. اکنون با شماست که از طریق افکار درست با امتحانات مقابله کنید. استاد می‌تواند به شما کمک کند وقتی افکار درست شما به اندازه‌ی کافی باشد. اما وقتی افکار درست شما کمبود داشته باشد و نتوانید مطابق با استاندارد باشید، اگر می‌شد که استاد کاری را انجام دهد، اموری به آن اهمیت که اکنون توضیح دادم شامل می‌شد. بنابراین، یک‌بار که مسیر تزکیه‌ی یک مرید دافا ترتیب داده شود، اصولاً هیچ کسی نمی‌تواند همین‌طوری نسنجیده آن را تغییر دهد، و هیچ کسی -- خوب یا بد -- نمی‌تواند کاری نسبت به شما انجام دهد. حتی وقتی شخصی بخواهد چیزی ویژه و خوب به شما بدهد، او قادر نیست آن را وارد کند. و اگر فردی بخواهد چیزی خاص را که بخشی از آنچه در ابتدا در تزکیه‌تان داشتید نبود به شما بدهد یا اگر کسی بخواهد زیاده‌روی کند و شما را آزار و شکنجه دهد، آنها قادر نخواهند بود. استثناء فقط وقتی رخ می‌دهد که شما، خودتان، ضعیف و بد عمل می‌کنید. آیا آنچه را که گفته‌ام درک می‌کنید؟ (تشویق)

قبلاً بسیاری از شاگردان دیدند که وقتی من برای مردم عادی شفادرمانی کردم، نیازی نداشتم که حتی یک انگشتم را بلند کنم. فقط به شخص نگاه می‌کردم و او معالجه می‌شد. وقتی به او نگاه می‌کردم در حال ساطع کردن چیزهای معینی بودم؛ می‌توانستم از هر جای بدنم قدرت‌های فوق‌طبیعی را ساطع کنم. مریضی او با آن چیزهایی که ساطع می‌کردم، در آنجا بلافاصله درمان می‌شد. انسان‌ها هرچه باشد انسان هستند، بنابراین بعضی مواقع شخص در شگفت می‌ماند، که "اگر حتی یک انگشت را هم تکان ندادی مگر می‌شود که من درمان شوم؟" به همین دلیل اغلب دستانم را بکار می‌بردم. در بیشتر مواقع بیماری بلافاصله معالجه شد، بدون توجه به این که چه بود. من می‌توانم هر مرضی را که یک فرد عادی ممکن است داشته باشد درمان کنم؛ تمام آنها را می‌توانم درمان کنم. اما مریدان دافا قضیه‌ی متفاوتی هستند. البته، این را که گفته‌ام حالا نباید یک فرد عادی را به اینجا بیاورید، زیرا من شفادرمانی را انجام نخواهم داد. برای مریدان دافا رسیدن به جایی که الان در تزکیه‌شان هستند آسان نبوده است، بنابراین نمی‌خواهم مشکل اضافی و مزاحمت و مداخله‌ای به همراه آید. چراکه شفای یک فرد عادی تمامیت حیات او را دربرمی‌گیرد و مستلزم توازن روابط کارمایی که در بُعدهای مختلف دارد است -- فقط آن وقت است که می‌تواند شفا داده شود -- تمامی بدهی‌های او باید بطور نیک‌خواهانه‌ای حل و فصل شوند، و موجوداتی که می‌خواهند قرض‌های‌شان را جمع‌آوری کنند باید بعضی چیزهای خوب بدست بیاورند. فقط آن وقت است که از ناخوشی مراقبت به عمل آورده می‌شود. در این زمان استاد نمی‌خواهد چنین کارهایی را انجام دهد. این دلیل آن است که چرا اساساً [در آن محدوده‌ها] برای افراد کاری انجام نمی‌دهم، و این به خاطر این است که از مشکلات اضافی برای مریدان دافا در تزکیه‌شان جلوگیری شود. اگر چیزی به خوبی کنترل نشده بود بلافاصله به مشکل منتج می‌شد، و آن مشکلات اضافه شده به منزله‌ی مداخله و مزاحمت می‌بود. اساساً وضعیت این است.

مرید می‌پرسد: وقتی بعضی از مریدان دافا توسط افراد بدخواه و ارواح پلید از بُعدهای دیگر به شدت تحت شکنجه و آزار بودند، به بیمارستان رفته و برای رسیدگی کردن به آن از وسایل مردم عادی استفاده کردند، یا برای کم کردن درد و رنج‌شان تزریقات دریافت کرده یا دارو مصرف کردند. آیا آن باعث صدمه به بدن تزکیه‌کننده می‌شود؟ آیا هنوز



می‌توانند تزکیه کنند؟ قبل از آنکه کسی از شکنجه و آزار پلید بدنش رهایی یابد، آیا او می‌تواند از وسایل عادی استفاده کند؟

**معلم:** آنچه برای یک تزکیه‌کننده مهم است افکار درست است. وقتی که افکار درست قوی دارید، قادرید در برابر هر چیزی مقاومت کنید و هر کاری بکنید. زیرا شما یک تزکیه‌کننده هستید؛ کسی که در یک راه خدایی است و کسی است که توسط عوامل مردم عادی یا اصول سطح پایین کنترل نمی‌شود. (تشویق)

پیش‌تر به شما گفتم که من اسم تک تک میدان دافا را از لیست جهنم پاک کردم. هر فرد عادی در آن بایگانی نام‌گذاری می‌شود. من اسامی میدان دافا را از دفتر بایگانی جهنم برداشته‌ام. من اسامی آنها را از جهنم پاک کردم. بنابراین اسامی شما آنجا نیست. به کلامی دیگر شما از هیچ جنبه‌ای، موجودی از سه‌قلمرو نیستید، و شما دیگر افراد عادی نیستید. این دلیل آن است که چرا وقتی افکار درست‌تان قوی است می‌توانید هر مشکلی را حل کنید. کارمای بیماری که در بدن‌تان ظاهر می‌شود به عنوان یک امتحان تجلی می‌کند. البته به نظر می‌رسد که کارمای بیماری باشد، چراکه آن قطعاً ظاهر یک خدا که مریض شده باشد را ندارد. بنابراین باید آن را با افکار درست اداره کنید. شما یک تزکیه‌کننده هستید، پس درحقیقت قطعاً بیماری نیست. اما به این سادگی واضح نخواهد بود. آیا می‌دانید نیروهای کهن چه فکری می‌کنند، آنها فکر می‌کنند، "عجب، تو، معلم‌شان، فای مربوط به کارمای بیماری را به روشنی توضیح داده‌ای." بله، حقیقت دارد که قبلاً وقتی با شاگردانی مواجه بودم که برای‌شان مشکل بود امتحانات کارمای بیماری را از سر بگذرانند، این چیزها را بسیار روشن توضیح دادم، و شاگردان امروز حاضر در اینجا آن را می‌دانند. اما فرق نمی‌کند چه مقدار اصول فا به روشنی شرح داده شود، تزکیه را آسان‌تر نمی‌سازد، و حتی ممکن است [ملزومات] سخت‌تر شوند. برای مثال، یک نمود این است که به اندازه‌ی کافی خوب نخواهد بود اگر کسی صرفاً چیزی را متوجه شود؛ او باید در هر دو جنبه‌ی فکر و عمل درست باشد. اگر افکار درست یک نفر در زمان تزکیه‌اش قوی نباشد، قادر نخواهد بود امتحاناتش را به‌خوبی بگذراند و آن‌ها طولانی می‌شوند. همچنین، وقتی او قادر به دست یافتن به افکار درست قوی نباشد، اعتماد به نفس‌اش ضعیف می‌شود. آیا بعضی افراد اعتماد به نفس‌شان را از دست نداده‌اند و حتی در نتیجه‌ی آن به "درک و تشخیص‌های" عوضی نرسیدند؟ بعضی اوقات فقط درباره‌ی این فکر می‌کنید که می‌خواهید معلم فا را با صراحت بیش‌تر شرح دهد اما آن جانشین تزکیه نیست اگر شاگردی هنوز کمبود ایمان استوار به اصول فا داشته باشد. البته، از طرف دیگر، میدان دافایی که افکار درست قوی دارند و ایمان‌شان حتی قوی‌تر می‌شود بعد از آنکه اصول فا را درک کنند بر هر امتحان و سختی غلبه خواهند کرد.

برعکس، وقتی کسی که شاگرد جدید است یا کسی که خودش متوجه می‌شود به اندازه‌ی کافی کوشا نبوده است مریض می‌شود و به بیمارستان می‌رود، خوب بگذارید باشد— [فکر کنم] ما فقط آن را بخشی از روند تزکیه‌اش به حساب می‌آوریم. وقتی بعداً بهتر تزکیه کند، به‌تدریج متوجه می‌شود که چه باید بکند. تزکیه روندی را در بر دارد، و بالاخره باید به افراد فرصت‌هایی بدهیم. البته، احتیاجی نیست که در اینجا درباره‌ی افرادی که کوشا هستند حرفی بزنیم. برای افرادی که در ذهن‌شان مطمئن نیستند: اگر شما [به بیمارستان] بروید استاد نمی‌تواند چیزی بگوید. اگر شخص در تزکیه هر قدم را به خوبی برداشته است، توسط همه تحسین می‌شود. خدایان او را تحسین خواهند کرد، و استاد او را بسیار محترم می‌دارد. اگر شاگردی مستقیماً تا کمال، بدون توقف پرش‌های خیلی بلند بکند (همه می‌خندند)، و هرگز نیفتد، حتی یک‌بار (همه می‌خندند)، آن وقت به شما می‌گوییم، او ممکن است به خوبی یک خدا باشد. (همه می‌خندند) یا، شاید استاد امور را برای او به‌خوبی برنامه‌ریزی نکرده است، و امتحانات او بسیار کوچک بوده‌اند، چراکه او می‌تواند همه‌ی آنها را از سر بگذراند. بنابراین، معمولاً تا آنجا که شخص خود را بهبود می‌بخشد و رشد می‌دهد امتحانات مقرر شده می‌توانند با موفقیت گذارنده شوند؛ اگر خودتان رشد نکنید، نمی‌توانید از عهده‌ی آنها برآید. اساساً این‌گونه است. اگر کسی اشتباهی کند، فقط می‌تواند حالت و وضعیتی از تزکیه در نظر گرفته شود، و نمی‌توان گفت که آن شخص دیگر به‌اندازه‌ی کافی خوب نیست و نه آنکه می‌شود گفت که او همیشه در آن حالت و وضعیت خواهد ماند. آن صرفاً یک حالت در آن روند است. اگر شخصی در آن زمان واقعاً افکار درست قوی کافی ندارد

و واقعاً نمی‌تواند چیزی را دیگر تحمل کند، چه کار باید بکند؟ آن وقت به پیش بروید. (همه می‌خندند) بله (معلم بی‌صدا می‌خندد) پس به بیمارستان بروید.

اصولاً این‌گونه است. اما یک موجود خدایی چگونه می‌تواند کمک درمانی مردم عادی را بگیرد؟ و افراد عادی چطور می‌توانند بیماری یک موجود الهی را شفا بخشند؟ (تسویق) (معلم می‌خندد) این‌ها اصول فاهستند. اما اغلب مواقع این‌طور است که شما واقعاً این‌گونه روبرو نمی‌شوید که گویی تمام افکار درست را به همراه دارید. وقتی که نمی‌توانید خود را به‌خوبی اداره کنید، پس به پیش بروید. اگر ذهن شما پایدار نیست، به این معناست که از ابتدا استاندارد را برآورده نمی‌کنید، و طولانی کردن روند به هیچ تغییری ختم نمی‌شود. اگر شخصی فقط برای حفظ آبرو مقاومت کند، آن اضافه کردن وابستگی بر روی وابستگی‌ها است. در این‌گونه موارد فقط دو حق انتخاب وجود دارد: یا اینکه به بیمارستان بروید و بنابراین از سعی کردن برای غلبه بر امتحان دست می‌کشید، یا کاملاً همه چیز را رها می‌کنید، و مثل مرید دافایی والا و شریف رفتار می‌کنید، کسی که هیچ رنجش یا وابستگی ندارد، و آن را به معلم واگذارید که ترتیب دهد که بمانید یا بروید. هرگاه قادر باشید این‌گونه عمل کنید، یک خدا هستید.

مرید می‌پرسد: *فعالیت‌های آشکارسازی حقیقت در منتهن به پایان رسیده است و شاگردانی که از مناطق مختلف آمده بودند درحال برگشتن به محل‌های‌شان هستند تا به‌فا اعتبار بخشند. آیا افرادی از ما مریدان دافا که از سرزمین چین آمده‌ایم، اگر موقعیت‌مان مناسب است، باید به آنجا برگردیم که در آنجا آشکارسازی حقیقت را انجام دهیم؟*

**معلم:** اگر به خاطر آن که در آنجا شکنجه و آزار می‌شدید چین را ترک کردید، قطعاً نباید به آنجا برگردید. حالا که از آنجا در آمده‌اید، شما بیرون هستید. پس بمانید و در اینجا آشکارسازی حقیقت کنید. اگر فکر می‌کنید که اگر برگردید موقعیت‌تان آنجا نسبتاً راحت‌تر خواهد بود، آن وقت فرق می‌کند. در آن صورت می‌توانید برگردید، مسئله‌ای نیست. اگر برگشتن برای شما خطرناک است، پس برنگردید.

مرید می‌پرسد: *از آنجا که هدف جشن سال نو نجات موجودات ذی‌شعور است، ما باید بلیت‌ها را مجانی بدهیم و درباره پول در آوردن صحبت نکنیم، یا قیمت بلیت‌ها را پایین بیاوریم. آیا این طرز فکر درست است؟*

**معلم:** خیر، صحیح نیست. مریدان دافا، مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فاهستند. قبلاً وقتی کتاب‌های دافا را خریدید، من می‌خواستم آنها را تقریباً مجانی به شما بدهم. اما آن برای تزکیه‌کنندگان دوره‌ی اصلاح- فاه بود. برای افراد عادی، مجانی گیر آوردن چیزها با اصول این بُعد مطابقت نمی‌کند. به‌عنوان مریدان دافا، به‌هر حال، می‌توانید چیزی را بطور مجانی به آنها بدهید. آن نیک‌خواهی مرید دافا است.

اما آیا به این موضوع فکر کرده‌اید که چقدر فروشگاه‌های رسانه که توسط مریدان دافا اداره می‌شوند سخت بوده است. آن عده از شما که درگیر آن نیستید هیچ تصویری ندارید که چقدر سرمایه‌ی آنها برای ادامه‌ی چرخاندن فروشگاه‌های رسانه— ایستگاه تلویزیونی، روزنامه و غیره محدود است. همگی با آگهی سعی کرده‌اند مانع را برطرف کنند و در گردش مثبت بیفتند. آن آرزوی من هم هست، و آرزوی تمام شاگردانی است که به راه‌اندازی رسانه کمک می‌کنند، و آنها برای آن سخت درحال کار کردن و تلاش بوده‌اند. آیا چیز خوبی نمی‌شود اگر آنها با جشن تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید [NTDTV]، سرمایه‌ای فراهم آورند؟ افرادی که در نمایش کریسمس سالن شهر موزیک رادیویی درگیر بودند خوشان گفتند، "نمایش ما به‌خوبی مال شما نیست. برنامه‌های ما نمی‌توانند با [برنامه‌ی] شما رقابت کنند." اما قیمت بلیت آنها بسیار بالا است. آنها در یک ماه نود نمایش برگزار می‌کنند، و آن قدر پول می‌سازند که تمام مخارج‌شان را برای تمام سال تأمین کند، شامل دستمزدها را. آن وقت چرا تلویزیون سلسله‌ی تانگ جدید نتواند آن کار را بکند؟

اما راجع به قیمت بلیت‌ها، خوب، با در نظر گرفتن کیفیت جشن سال جدید و مقدار تلاش و کاری که مریدان دافا در آن بکار بردند، در واقع قیمت بلیت‌ها واقعاً بالا نیست. این برای همه‌ی بخش‌های آمریکا صدق می‌کند، برای اینکه استاندارد زندگی در قسمت‌های مختلف با هم زیاد فرقی ندارد. موضوع اصلی بازشناسی و به رسمیت شناختن اسم

است. بعضی از شاگردان می‌خواستند تعدادی بلیت بخرند و آنها را مجانی رد کنند، با این فکر که، "اگر قیمت بلیت‌ها بالا نبود و کمی ارزان‌تر بود، بیشتر می‌خریدم و به‌عنوان هدیه مجانی می‌دادم. وقتی گران هستند توانایی خریدشان را ندارم، و نه اینکه می‌توانم آنها را مجانی بدهم." می‌توانست مورد این باشد، و این دلیل آن است که چرا بعضی از شاگردان در حال شکایت کردن بوده‌اند. البته، بازهم، بلیت‌های با قیمت‌های متفاوت وجود دارند، و بلیت‌های ارزان‌تری وجود دارد، برای آنکه حق انتخاب محل نشستن متفاوتی وجود دارد. اما با این همه، بر طبق تجربیات‌مان از بار آخر یا دو دفعه‌ی قبلی، خوب خواهد بود در دفعه‌ی بعدی قیمت‌های بلیت تعدیل شود. یا می‌توانیم یک نمایش اضافی مخصوص برای مریدان دافا داشته باشیم.

مرید می‌پرسد: ما قصد داریم سریال‌های کوتاه تلویزیونی درباره‌ی اعتباربخشی فای مریدان دافا بسازیم، و داستان صحنه‌هایی در سرزمین چین را در بر دارد. ما چکار باید بکنیم؟

**معلم:** در واقع مشکلات پشت صحنه را به آسانی می‌توان حل کرد. شما می‌دانید، ساختن فیلم یک تکنیک است. اگر به صحنه‌هایی از مکان‌های معینی احتیاج دارید، فقط از کسی بخواهید که بعضی از مناطق را در آنجا فیلم‌برداری کند و برای شما بیاورد.

مرید می‌پرسد: تعداد بسیار زیادی همجنس‌یاز در سان فرانسیسکو وجود دارد، و بسیاری از افراد عادی هم از آن پشتیبانی می‌کنند. اهریمن از نوشته‌های معلم کلمات معینی را از متن استخراج کرده که همجنس‌یازی را ذکر کرده است برای آنکه به دافا حمله کند. معلم، لطفاً به ما بگویید که آیا ما باید به آن آشکارا جواب دهیم و در مقیاس زیاد، یا به افرادی که ذهن‌شان مسموم شده است حقایق را آشکار کنیم.

**معلم:** فقط حقایق را برای افراد روشن کنید، و آن به‌اندازه‌ی کافی خوب خواهد بود. لازم نیست که به آن جواب دهید. شما می‌دانید، من یک چیز را خیلی خوب تحت کنترل دارم: وقتی به چیزهایی که در زمانی که فاندیای بشری را اصلاح می‌کند باید حل شود مربوط می‌شود، من درباره‌ی آنها اکنون کاری نمی‌کنم. خواه آن توسط نیروهای کهن یا اهریمن‌های شیطانی فاسد انجام داده شود، هر کوشش و قصدی برای برهم زدن اموری که بخشی از کارهای جاری نیست، بیهوده و پوچ خواهد بود. ممکن است آن‌ها کمی هیاهو و جنجال به‌وجود بیاورند، اما نیازی نیست که به آنها زیاد توجه کنیم. می‌دانم که درحال انجام چه کاری هستیم. اگر کسی چیزی برای گفتن دارد، می‌توانم در مورد موضوعی که مطرح می‌کند فکر کنم. اما کارهایی که می‌خواهم انجام دهم قطعاً مختل نخواهند شد. این، هم درباره‌ی اعتباربخشی به فای امروز من و هم درباره‌ی اصلاح-فا در کل کیهان صادق است. من حاضرم به پیشنهادات همه گوش کنم، اما هنوز هم امور را بر پایه‌ی آنچه می‌خواهم انجام دهم انجام خواهم داد، و هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را تغییر دهد. (تشویق) همین‌طور هم، شما باید بدانید که درحال انجام دادن چه کاری هستید، و وقتی بر انتخاب‌های درست تصمیم گرفته‌اید، نباید توسط هیچ‌کس و هیچ چیز از هم پاشیده شوید. شما نباید اجازه دهید هر چیزی که اتفاق می‌افتد، همان‌طور که مریدان دافا تزکیه می‌کنند، آشکارسازی حقیقت می‌کنند، موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهند، و علیه شکنجه و آزار کار می‌کنند با آنچه که برای شما مقدم بر هر چیز است مداخله و مزاحمت ایجاد کند. باید این را به‌خوبی اداره کنید و از عهده‌ی آن به خوبی بر آید! وقتی بعضی اتفاقات در جامعه رخ می‌دهد، حتی اگر چیزی باشد که برای تلاش‌های مریدان دافا برای مقابله با شکنجه و آزار مفید است، مریدان دافا قطعاً نمی‌توانند از تزکیه کردن دست بردارند و فقط بروند بر سر آن مورد کار کنند! تزکیه کردن، تزکیه کردن است.

مرید می‌پرسد: بسیاری داستان‌های شریفانه وجود دارد درباره‌ی اینکه چطور امپراتورهای خوش‌فکر و افرادی در زمان‌های قدیم در برابر انتقاد با حق‌شناسی رو برو بوده‌اند و نه با خشم. وقتی به پذیرفتن انتقاد می‌رسد احساس می‌کنم که واقعاً به اندازه‌ی کافی محکم و استوار تزکیه نکرده‌ام و بعضی اوقات نمی‌توانم با دیگران به‌خوبی ارتباط برقرار کنم زیرا به دفاع کردن از خودم متمرکز و مشغول هستم.

**معلم:** صحبت درباره‌ی دفاع کردن از خود (معلم بی‌صدا می‌خندد)، این مرا یاد چیزی می‌اندازد. کسی به من گفت -- و من واقعاً آن را مشاهده کرده‌ام -- کسی به من گفت که بین چگونگی اداره کردن مشکلات توسط شاگردان از سرزمین چین و شاگردان تایوانی تفاوتی وجود دارد. اگر یک شاگرد تایوانی کاری را به‌خوبی انجام نداده باشد، اگر آن را با او مطرح کنید به شما گوش خواهد کرد و حالت دفاعی نمی‌گیرد. اما وقتی یک شاگرد چینی کاری را به‌خوبی انجام نداده باشد و دیگران آن را به او گوش زد کنند، او بلافاصله خواهد گفت، "تو نمی‌دانی چه رخ داده است. وضعیت در آن زمان این‌طور و آن‌طور بود." (معلم بی‌صدا می‌خندد) (حضار می‌خندند، کف می‌زنند) او می‌داند که برای یک تزکیه کننده خوب نیست که مستقیماً آنچه که گفته شده است را تکذیب کند. پس سعی می‌کند به‌طور غیرمستقیم و با سردواندن از مسئولیت طفره برود، به‌طور گریزآمیزی از خودش دفاع کند. وقتی مرتکب خطایی شده‌اید، شما مرتکب خطایی شده‌اید. رو راست باشید. اگر کار اشتباهی انجام داده‌اید، شما کار اشتباهی انجام داده‌اید. تنها آنهایی که شهامت این را دارند که اشتباهات خود را قبول کنند توسط دیگران به‌صورت مثبت نگریسته می‌شوند و توسط دیگران تحسین می‌شوند. حتی خدایان آنها را تحسین می‌کنند. (تشویق) [این را تصور کنید، اگر به انتهای این سفر برسید و خدایان از شما بپرسند، "آیا قبلاً زمانی که دیگران از تو انتقاد می‌کردند همیشه قادر بودی به درستی با آن روبرو شوی؟ به ما نشان بده،" برای نشان دادن هیچ چیزی نخواهید داشت. (حضار می‌خندند) و اگر بگویید، "من هرگز کار اشتباهی انجام ندادم، و هیچ‌کسی هرگز از من انتقاد نکرد،" آیا کسی شما را باور خواهد کرد؟ مگر می‌شود یک انسان اشتباهاتی نکند؟ این انسان‌ها هستند که در حال تزکیه می‌باشند، پس چطور می‌توانند اشتباهاتی نکنند؟ و هیچ‌کسی ندیده است که شما اشتباهات‌تان را قبول کنید. (حضار می‌خندند) آیا شما چشمان‌تان را بر این واقعیت که اشکالی در شما است نمی‌بندید؟ آیا نقصی در تزکیه‌تان ندارید؟ از حالا به بعد همه را مشاهده خواهم کرد تا ببینم چه کسی اشتباهاتش را می‌پذیرد. (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند)، به‌هرحال، چه کسی قادر است هرگز اشتباهی نکند؟ و اشتباهات به چه حسابی می‌آیند؟ ما فقط لازم است آن اشتباهات را اصلاح کنیم، مگر نه؟ اصل مطلب، تمایلات و وابستگی‌های شما است. آیا قرار نبوده است شما وابستگی‌های بشری‌تان را تزکیه کنید و دور بریزید؟ اگر شما سعی کنید همیشه طفره بروید، سعی کنید به چیزها ضربه‌ای نخورد، و تمایلی نداشته باشید که از دست آنها رها شوید، آن مشکل عظیمی است.

مرید می‌پرسد: استاد ممکن است درباره‌ی اهمیت و خاص بودن آشکارسازی حقیقت در منطقه‌ی چینی سان فرانسیسکو صحبت کنید؟

**معلم:** شما می‌دانید، آن خیابان در محله‌ی چینی‌ها، تقریباً مغازه‌ها در راستای تمام خیابان، کسب و کارهایی از سرزمین چین هستند، صاحبان آنها از سرزمین چین هستند. حتی اگر در منطقه‌ی خلیج روی هم رفته به‌خوبی عمل کنید، و اگر چه جماعت چینی پخش و پراکنده است و ح‌ک‌چ پلید هیچ شنونده‌ای ندارد، بازهم، آنهایی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند اغلب به محله‌ی چینی‌ها می‌روند، پس آن مکان نباید نادیده گرفته شود. هیچ جایی برای ح‌ک‌چ پلید باقی نگذارید. (تشویق) فرق نمی‌کند کجا باشد، آن را از بین ببرید. نمی‌توانید به همین سادگی بگذارید آن شیطان پلید به مردم اینجا صدمه و آزار برساند.

مرید می‌پرسد: وقتی به مردم حقیقت را آشکار می‌کنیم، با بسیاری از مردم عادی روبرو می‌شویم که می‌دانند دافا خوب است و با مریدان دافا مهربان هستند، اما تمایلی به کنار کشیدن از حزب ندارند. آیا این افراد آینده‌ای خواهند داشت؟ چکار می‌شود انجام داد؟

**معلم:** هر آنچه فرد می‌خواهد انجام دهد به خود او بستگی دارد. مریدان دافا باید کاری را که باید انجام دهند انجام دهند، و هیچ تأسف و افسوسی را برای خودشان به‌جای نگذارند.

مرید می‌پرسد: شعبه‌ی محلی اپک تایمز ما مشکلات مالی نسبتاً آشکاری دارد. با این وضعیت، آیا می‌توانیم مشکلات مالی را با جمع‌آوری مالی از جانب مریدانی که در کار رسانه شرکت دارند حل کنیم؟

**معلم:** من هیچ وقت کاری مثل این را انجام نداده‌ام. زیرا می‌دانم وقتی فا را در ابتدا آموزش دادم جمع‌آوری پول را مطلقاً ممنوع ساختم، پس از آن، حتی وقتی وضعیت واقعاً سخت بود، همیشه جمع‌آوری مالی از مریدان دافا را رد کردم. واقعیت این است که، هر مرید دافایی در حال استفاده از درآمد خود برای اعتبار بخشیدن به فا بوده است. این برجسته است. و آن از جمع‌آوری کردن نیست، بر عکس، از روی قلب انجام شده است. آن تقوای عظیم است. اگر قرار بود ما روش‌هایی را که در مذاهب بکار گرفته می‌شود استفاده کنیم، همیشه احساس کرده‌ام که به دافا صدمه خواهد زد. و این دلیل آن است که چرا من خودم هرگز آن را انجام نداده‌ام، و انجام آن را به شما هم اجازه نداده‌ام. ما از مردم پول جمع‌آوری نکرده‌ایم. در عوض، شما برای انجام امور پیش‌قدم شده‌اید. اولی منفعلانه است، در حالی که دومی از قلب برمی‌خیزد. مریدان دافا در حال اعتباربخشی به فا بوده‌اند، و تقوای عظیم متعلق به خودشان است. اگر برای انجام دادن امور یک صندوق جمع‌آوری مالی را بدست می‌گرفتیم، تقوای عظیم به مریدان دافا تعلق نمی‌گرفت بلکه به من تعلق می‌داشت. پس بیشترین سعی‌تان را بکنید که آن را انجام ندهید. اگر واقعاً سختی‌هایی دارید، ممکن است مایل باشید آن را با تعداد کمی از شاگردان که منابع مالی دارند مطرح کنید.

*مرید می‌پرسد: وقتی گفتید نیمی از مردم نجات داده می‌شوند، آیا منظورتان نیمی از مردم چین، یا نیمی از جمعیت دنیا بود؟*

**معلم:** هیچ چیزی هنوز نتیجه‌گیری نشده است. من این را می‌گفتم که اگر می‌توانستید نیمی از مردم چین را نجات دهید، به عنوان معلم شما برای شما بسیار خوشحال می‌شدم و برای موجودات ذی‌شعور دل‌شاد می‌شدم. شما نمی‌توانید ببینید که مردم امروز چین چه شده‌اند. اگر می‌توانستید ببینید، می‌ترسیدید! شما نمی‌توانید ببینید که در چین چیزها چقدر بد شده‌اند. اگر واقعیت محیط در برابر چشمان مردم به نمایش گذاشته می‌شد، وحشت‌انگیز می‌بود. حزب پلید مردم چین را به دیوهای بی‌روح تبدیل کرده است. رفتار مردم بسیار فرومایه و فاسد شده است، و به پایین‌ترین حدی که یک انسان می‌تواند باشد غرق شده است. و علاوه بر آن شکنجه و آزار فالون گونگ است.

*مرید می‌پرسد: مایلم به نمایندگی از مریدان دافا در تایلند به معلم والا مقام درود بفرستم. مریدان دافا در پوسان، آلمان، شهر شن‌یانگ، شهر چائویانگ در استان لیائونینگ، شهر چانگ‌شا، و مریدان دافا در استان هونان که بطور غیرقانونی دستگیر و زندانی شده‌اند به معلم نیک‌خواه و شکوهمند درود می‌فرستند!*

**معلم:** متشکرم! (تشویق) و یک مرید دافا در سرزمین چین به من درود می‌فرستد. من نام او را اینجا بلند نمی‌خوانم، زیرا لازم است از مریدان دافا حفاظت کنیم.

*مرید می‌پرسد: زمانی که ما در ارتباط با توسعه‌ی اینترنت با هم‌تمرین‌کنندگان ژاپنی کار می‌کنیم، همیشه با شاگردانی که در موردی خارج از مسیر رفته‌اند روبرو می‌شویم. ما بر سر این موضوع نظرات متفاوتی داریم، اما فقط تعداد کمی از شاگردان وجود دارند که درباره‌ی تکنولوژی با اطلاع هستند. معلم، لطفاً به ما بگویید آیا ما می‌توانیم در این وضعیت با شاگردان کار کنیم.*

**معلم:** اگر آنها در موردی به انحراف رفته‌اند و اشتباهاتی کردند، همین که راه برگشت‌شان را یافته‌اند، این خوب است. آنچه بیشتر نگران‌کننده است آن کسانی هستند که هنوز از روی سرسختی به مسیر اشتباه می‌چسبند. اگر کسی به اشتباهش پی برده است و از زمان بودن با مریدان هیچ کار بدی انجام نداده است، شما می‌توانید بر حسب وضعیت مشخصی تصمیم‌گیری کنید. از معلم نخواهید درباره‌ی این چیزها تصمیم بگیرید.

*مرید می‌پرسد: آیا می‌توانیم گاهی اوقات از مردم عادی تا جاییکه آنها علیه دافا نیستند و علیه حزب اهریمنی هستند، دعوت کنیم که در برنامه‌های تفسیری رادیویی ما شرکت کنند؟*

**معلم:** می‌تواند انجام شود، فکر نمی‌کنم در آن مورد اشکالی وجود داشته باشد. در مورد برنامه‌های تفسیری مسئله‌ای نیست.

مرید می پرسد: همسر من در یک پروژه‌ی تکنیکی وارد بوده است. زمان و انرژی زیادی را در آن گذاشته است. اما فکر می‌کند که هماهنگ کننده با او به‌طور منصفانه‌ای رفتار نکرده است و مایل نیست که با شاگردان در یک پروژه‌ی بزرگ گروهی همکاری کند. در نتیجه، تکنولوژی که او رشد داده است در پروژه‌های اصلاح-فا بکار گرفته نشده است. نگران هستم که او خارج از مسیر برود. معلم، لطفاً راهنمایی رحیمانه‌تان را در این مورد بفرمایید.

**معلم:** این درواقع موضوعی است از رها نکردن وابستگی‌ها و تمایلات و ناتوانی در بیشتر تحمل کردن وقتی که آزمون بزرگ می‌شود. در واقع، می‌توانید [مشکل را در اینجا] ببینید؟ شما درحال حاضر وضعیتی را که یک مرید دافا تزکیه می‌کند ترک کرده‌اید و در شرف ترک کردن فضا و میدانی هستید که شما باید به‌فا اعتبار ببخشید.

گاهی اوقات وقتی دیگران به یک میل و وابستگی‌تان که مایل نیستید آنها به آن اشاره کنند، ضربه می‌زنند، برای شما واقعاً سخت است. بعضی از افراد فقط نمی‌خواهند به نظرات دیگران گوش کنند. و بعضی از افراد هستند که وقتی نظرات‌شان مورد استفاده قرار نمی‌گیرد ناراحت و دلخور می‌شوند. تمام اینها تمایلات و وابستگی‌های بشری هستند، وابستگی‌ها و تمایلات بسیار سرسختانه و لجوجانه‌ی بشری. هر وقت چیزی را مطرح می‌کنید، آیا باید پذیرفته شود؟ بعضی از افراد می‌گویند، "من آن را بارها و بارها با صبر و تحمل زیادی گفته‌ام، اما هنوز هم تفاوتی ایجاد نمی‌کند." آیا وضعیت حقیقی و واقعی به همین سادگی که شما فکر می‌کنید است؟ هماهنگی بسیاری از امور باید با تصویر بزرگی در ذهن انجام شود. همچنین، این امکان وجود دارد که آنهايي که شما با آنها همکاری می‌کنید واقعاً به خوبی شما تزکیه نکرده باشند. اما اگر کسی به همان خوبی که شما تزکیه کرده‌اید، تزکیه نکرده باشد، آیا این معنا را در بردارد که او مرید دافا نیست؟ و آنگاه باید امور را هماهنگ نکنید؟ و همچنین، هر فردی افکار خودش را درباره‌ی موضوع خواهد داشت. این امکان وجود دارد که هر چقدر هم ایده‌ای خوب باشد، مورد استفاده قرار نگیرد. آن وقت آیا شما قصد دارید کار کردن روی آن پروژه را متوقف کنید؟ آن افرادی که مسئول پروژه‌ها هستند باید در نظر بگیرند که پیشنهاد با کل امور چگونه مربوط می‌شود، و چیزها و امور مختلف با یکدیگر چگونه مربوط هستند. این کلید اساسی تفاوت بین طرز فکر افراد مسئول با سایرین است.

بعضی از تمرین کنندگان فقط به این فکر می‌کنند که مهارت‌های تکنیکی‌شان بهترین می‌باشد، و وقتی ایده‌های‌شان مورد قبول واقع نمی‌شود راه خودشان را پیش می‌برند. در واقع، آنها همیشه سر مخالفت دارند. شما نباید امور را به آن صورت انجام دهید. شخص هماهنگ کننده قطعاً ایده‌های خود را دارد. شما مریدان دافا هستید، بنابراین، باید موضوع بهتر کار کردن با یکدیگر را مد نظر قرار دهید. حتی اگر ایده‌ی شما بکار گرفته نشود، هر چقدر هم که ایده خوب باشد، [شما باید فکر کنید]، "هر فکر که شما فکر می‌کنید خوب است من با آن همکاری می‌کنم و کمک می‌کنم کارها انجام شوند و آنها را به خوبی انجام می‌دهم. و بیشترین سعی را می‌کنم که کاری را که قرار است انجام دهم به خوبی انجام دهم، زیرا درحال تزکیه هستم." این طور نیست که فقط وقتی تکنولوژی‌تان مورد قبول واقع شد شما در تزکیه پیشرفت خواهید کرد. به خوبی کار کردن با دیگران و همکاری با آنان و کار کردن با همدیگر برای به خوبی انجام دادن کارهای پیش‌رو، این آن طوری است که یک تزکیه کننده باید باشد، و این اولین و مهم‌ترین است.

فکر می‌کنم این تمام آن چیزی است که امروز می‌گویم. من تمام برگه‌های سؤال را مرور کردم. (تشویق پرشور) البته، می‌دانم که بعضی از برگه‌های سؤالات ممکن است توسط کارکنان کنفرانس حذف شده باشند. حقیقت دارد که به‌خاطر محدودیت زمانی نمی‌توانم به تمام سؤالات جواب دهم. بنابراین در هر کنفرانس فا، آنها سؤالاتی را که ممکن است قبلاً پرسیده شده باشند یا اینکه به‌طور کلی به کنفرانس فا ارتباط چندانی نداشته‌اند را حذف می‌کنند. در هر موردی، یک تزکیه کننده باید به امور همان طور که یک تزکیه کننده باید بنگرد نگاه کند و با ذهنیت یک تزکیه کننده، و مسلماً نمی‌تواند به امور با ذهنیت یک فرد عادی بنگرد. با هر چیزی که مواجه می‌شوید ساده، تصادفی، یا چیزی عادی نیست. باید به تزکیه‌ی شما و پیشرفت شما مربوط باشد. به‌خاطر اینکه شما یک تزکیه کننده هستید، مسیر زندگی‌تان تغییر داده شده است، و به شما یک راه تزکیه‌ی نو و جدید داده شده است، در راه‌تان هیچ چیز به‌طور تصادفی رخ نمی‌دهد. اما یقیناً تصادفی به‌نظر خواهد رسید، زیرا تنها در این توهم و در حالتی که مثل مردم عادی

هستید می‌توانید نشان دهید که آیا در حال تزکیه کردن هستید، آیا خوب تزکیه می‌کنید، و آیا قادر به گذراندن آزمونی پس از آزمون هستید. آن تزکیه است، و آن روشن‌بینی راستین است!

در حال حاضر، مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا باید این‌گونه باشند. امور در آینده متفاوت خواهند بود. مریدان دافای آینده به این شکل تزکیه نخواهند کرد. ملزومات برای مریدان دافا در این دوره بالاست، و آنها مسئولیت‌های عظیمی دارند- مأموریت تاریخی‌شان بسیار باشکوه و عالی است (تشویق) -- بنابراین اینکه آنها در این وضعیت توهم چگونه تزکیه می‌کنند بسیار مهم می‌شود. این دلیل آن است که چرا وقتی نمی‌توانید چیزی را حس کنید یا نمی‌توانید آنچه را که واقعاً در تزکیه‌تان در حال رخ دادن است ببینید، نمی‌توانید تنبل و کند شوید. باید مراقب این باشید. در وضعیتی که در آن تزکیه می‌کنید چیزهای بسیاری را غیرمستقیم خواهید فهمید و به درکی از آنها می‌رسید. فکر می‌کنم که آن، به‌علاوه‌ی اصول فای دافا، باید کافی باشد تا افکار درست شما را مستحکم کند.

در خصوص اصول فای که استاد آموزش داده است، بسیاری از حاضرین امروز، زمانی کتاب‌های بودیستی یا داتویستی را خوانده‌اند، بعضی‌ها زمانی بودیست‌های معمولی بودند، و سایرین حتی قبلاً در مکان‌های معینی تزکیه کردند. بنابراین می‌توانید نگاه کنید و ببینید-- آیا هرگز کسی اصول فا را تا این حد توضیح داده است؟ آیا هرگز چیزی تا این اندازه قابل دسترس و روشن بوده است؟ این چیزی است که قبلاً هرگز به هیچ وجه رخ نداده است. اگر همین‌طوری رفته و چیزها را سرهم‌بندی کرده بودم، فکر نمی‌کنم این می‌توانست هرگز اتفاق بیفتد، چیزهایی که مشاهده کرده‌اید هرگز نمی‌توانست روی دهند، و روح پلید حزب پلید نمی‌توانست این‌قدر ترسیده باشد. از زاویه‌ی دانش انسان عادی، آنچه من، لی هنگ‌جی، آشکار کرده‌ام از دانش مردم نوین و محدوده‌ی دانش امروزه بسیار فراتر رفته است. حتی معماهایی را که بسیاری از حوزه‌های آموزشی را سردرگم می‌کند حل کرده‌ام. این‌ها چیزهایی نیستند که بتوانید در کتاب‌ها بیابید یا در جامعه یاد بگیرید. شما از طریق تزکیه‌تان فهمیده‌اید که این قانون بودا است، این قانون بزرگ کیهان است، و این فای است که به‌راستی حقیقت کیهان را افشا کرده است. من می‌توانستم چیزهای بسیار زیادی که برای انسان حتی فریبنده‌تر می‌بود را فاش کنم، اما آن در مرحله‌ی بعدی انجام داده خواهد شد. اصل انسان، جزئیات خاص چیزها، تمامی رمز و رازهایی که در دوره‌های تاریخی متفاوت سر بر آورده‌اند، تمام انواع وقایع که در دنیا در دوره‌های مختلف رخ داده‌اند، شخصیت‌های مختلف تاریخی، و پدیده‌های غیرقابل توضیح خاصی که مردم به آن باور ندارند، شامل موجودات آسمانی و غیره و غیره، در اجتماع بشری آینده به‌صورت زنده نشان داده خواهند شد. در آن وقت، از شیوه‌ی متفاوتی برای هدایت و راهنمایی مریدان دافای آینده استفاده خواهیم کرد، و به روشی متفاوت، به آنها راهی را خواهیم داد که در آن تزکیه کنند. آن‌طور که امور اکنون هستند همان‌طوری است که امروز هستند.

مریدان دافا، تمام راه تا آخرین قدم‌شان به سمت کمال، مورد آزمایش قرار خواهند گرفت که آیا می‌توانند موفق شوند. در تمام راه، تا وقتی که فقط یک قدم تا انتها فاصله دارید، آزمون‌های بسیار بسیار بحرانی برای شما خواهد بود. آن به این خاطر است که هر قدم، برای تزکیه‌تان و برای آزمون‌های‌تان بیشتر و بیشتر بحرانی می‌شود، مخصوصاً در انتها. شما می‌دانید، آن خدایان بی‌قانون عالم کهن سعی خواهند کرد تا لحظه‌ی آخر، تا وقتی که هنوز وجود دارند، کارها را با مهارت و ترفند انجام دهند. وقتی مطابق معمول نیستید، آنها قطعاً سعی خواهند کرد راهی پیدا کنند تا شما را پایین بکشند. آنها می‌دانند که لی هنگ‌جی شما را رها نخواهد کرد، پس انواع روش‌ها را بکار می‌برند تا باعث شود سقوط کنید. داشتن فطرت یک فکر خارج از مسیر باعث خواهد شد شخص با تزلزل راه رود. بنابراین هر چه به پایان نزدیک‌تر می‌شود، آزمون‌ها جدی‌تر و بحرانی‌تر خواهند بود.

مریدان دافایی که برای مدتی طولانی شکنجه و آزار شده‌اند اما استوار مانده‌اند و به اعتباربخشی به فا ادامه دادند بسیار سخت کار کرده‌اند، و برای‌شان دستیابی به آنچه کسب کردند آسان نبوده است. در هر حال آنها نباید سست شوند. به خودتان اجازه ندهید که محیطی را که باید در آن تزکیه کنید به‌خاطر مبهم بودن آنی، یا به دلیل گند شدن در طول زمان، رها کنید. همین که فرصت تقدیری از دست رفت، آن پایان همه چیز خواهد شد. اهریمن پلید هر چیز

ممکن را بکار برده است تا شما را پایین بکشد. بعضی از خدایان خواهان این نیستند که شما از طریق تزکیه بالا بروید. فکر نکنید، "آنها آنچه را که خوب است برای ما می‌خواهند و برای ما می‌خواهند که از طریق تزکیه بالا برویم." آن حقیقت ندارد! آنها هر آنچه را که امکان دارد امتحان می‌کنند تا شما را پایین بکشند و نگذارند که بالا بروید. لازم است این را فراموش نکنید، و در واقع این‌گونه است. خدایان در قلمروهای مختلف افکار خاص مربوط به قلمروهای متفاوت را دارند. در اصلاح- فا آنها نمی‌توانند نهایت حقیقت عالم را ببینند، و بعضی از آنها فکر نمی‌کنند که اصلاح- فا و مریدان دافا شایستگی دارند. فقط آنهایی که حقیقت را می‌دانند جدی بودن این را می‌توانند ببینند و جرأت نمی‌کنند به‌طور لابلالی امور را انجام دهند. اگر این اصلاح- فای کل کیهان شکست می‌خورد، عالم برای همیشه از هستی باز می‌ایستاد، همه چیز متلاشی می‌شد، اصل و ریشه‌های ماده تماماً تجزیه می‌شدند، و اگر شما می‌خواستید از یک بدن کیهانی که در آن چیزی نداشت چیزی را شکل دهید، طولانی بودن زمانی که این روند لازم می‌داشت وحشتناک می‌بود. و در ضمن، اگر فرصت درست یا شرایط به موقع نمی‌بود نمی‌توانست شکل داده شود.

مریدان دافا همگی می‌دانند که چیزهایی که من درباره‌ی آنها صحبت می‌کنم در حال بالاتر و بالاتر شدن و بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدن هستند، و چیزهای معینی که در اصلاح- فا در حال رخ دادن هستند بیشتر و بیشتر در معرض دید قرار می‌گیرند. برای شاگردان جدید یا شاگردانی که کوشا نبوده‌اند، ممکن است درخصوص درک چیزها، به احتمال زیاد یک گسستگی وجود داشته باشد، و به احتمال زیاد چیزها را درک نخواهید کرد. به هر حال نمی‌شود در این مورد کاری کرد. من مجبورم فا را در زمینه‌ی کلی موقعیت اصلاح- فا آموزش دهم، و این دلیل آن است که چرا درباره‌ی امور به این شیوه صحبت می‌کنم. امیدوارم هر کسی که این فا را کسب کرده است آن را عزیز بدارد و این فرصت را از دست ندهد. در گذشته، وقتی در ابتدا آموزش فا را شروع کردم، گفتم، "اگر من نتوانم شما را نجات دهم، هیچ‌کسی نمی‌تواند." حقیقت این است که، نه تنها کسی قادر به نجات شما نخواهد بود، بلکه هرگز دوباره فرصتی مثل این را نخواهید داشت. به این خاطر که، این دفعه، بشر به این نقطه که انتها است رسیده است. بعد از این که اصلاح- فا و اصلاح دنیای بشری توسط فا به انجام برسد، آن وقت انسان دوره‌ی بعدی، یک بشر جدید خواهد بود، و افرادی که قادرند به آن سو بروند تغییراتی خواهند کرد-- حتی ظاهرشان تغییر خواهد کرد.

خوب، این تمام چیزی است که خواهم گفت. امیدوارم همه در پایان بهتر و بهتر عمل کنند. مطمئن باشید که سست نشوید. شما نباید سست شوید و نباید خون سرد و بی‌تفاوت شوید. موضوع دیگر چیزی است که قبلاً هم گفته‌ام درباره‌ی بخش لازمی است که مریدان دافا کمبود دارند، چیزی که به آن نرسیده‌اند، و آن عدم توانایی پذیرش انتقاد از یکدیگر است. شما نمی‌توانید نظریات سازنده و حتی نظرات منفی دیگران را نادیده بگیرید. نمی‌توانید به کنار زدن این چیزها ادامه دهید. از حالا به بعد همه‌ی شما باید شروع به از بین بردن این وابستگی کنید. این چیزی نیست که از شما می‌خواهم قدم به قدم در آن ترقی کنید، همان‌طور که معمولاً وقتی فا را آموزش می‌دهم امور را انجام می‌دهم. برعکس، این یک مشکل بسیار اساسی، قطعی و بزرگی است که باید هم‌اکنون از بین برده شود. این تمام آن چیزی است که خواهم گفت، (تسویق پرشور و طولانی)

شاگردانی که عقب نشسته‌اند همه چیز را شنیده‌اند، درست؟ (تسویق) مهم نیست که شاگردانی که در انتها نشسته‌اند بسیار دور هستند، زیرا بدن‌های قانون بی‌شمار من پشت سر آنها هستند. (معلم می‌خسدد) (مریدان به گرمی کف می‌زنند.)

<sup>۱</sup>- واژه‌ی چینی این‌جا می‌تواند به‌عنوان "شکل"، "غالب"، "اسلوب" ترجمه شود.

<sup>۲</sup>- این می‌تواند "پادشاهی مرکزی" نیز ترجمه شود.

<sup>۳</sup>- در چینی این یک بازی با کلمات است. واژه‌ی دو حرفی این‌جا که به‌صورت ادبی "مرکب گران‌بها" (باطوما) ترجمه شده است در چینی واژه‌ی "یک اتومبیل بی‌امو" است.